



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

ISSN: 1606-9226

www.roshdmag.ir

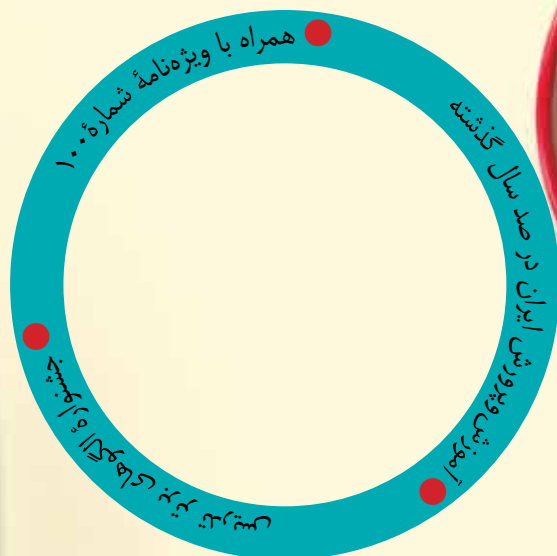
۲

روشن

امور تخصصی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای دبیران
دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هجدهم • آبان ۱۳۹۱ • شماره پیدری ۱۰۰ • ۶۴ صفحه • ۴۵۰۰ ریال





وزارت آموزش و پرورش
مرکز برنامه‌ریزی و آموزش
نیروی انسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

سال ۱۳۹۱

دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در مجلات رشد

رشد آموزش ابتدایی
رشد آموزش متوسطه
رشد مدیریت مدرسه
رشد معلم
رشد فن و حرفه

برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به واحد آموزش
نیروی انسانی اداره آموزش و پرورش خود مراجعه کنید.
www.tstc.medu.ir • www.roshdmag.ir

آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هجدهم • آبان ۱۳۹۱ • شماره پی در پی ۱۰۰



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: ندا عظیمی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،
پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پيام نگار: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد سر دبیر: ۱۱۵

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۶-۷۷۳۳۶۵۵

شمارگان: ۳۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- دیدن / محمدرضا حشمتی ۲
- در مدرسه فرزندم چه می گذرد؟ / ثمانه ابروانی ۴
- برای ایجاد فرهنگ تفاهم از کجا شروع کنیم؟ / لیلی محمدحسین ۷
- شبه قاره و معلمان / دکتر نیره شاه محمدی ۱۰
- آلزام و فشار خون / دکتر احمد مختاریان ۱۵
- انتخاب مسئولیت ساز / منا خاطری ۱۸
- فناوری دست و پا گیر / سپیده شهیدی ۲۱
- سخنران شناسی / محمد شاکر - مهدی رضاییان ۲۴
- لحظه ای که در یاد مانده / خیریه بیگم حائری زاده ۲۶
- ضربه به سر و اقدامات تشخیصی / دکتر سیدعلی محمودی ۳۵
- حفظ اطلاعات با آیین / آرمان صوفیانی ۳۸
- جشنواره الگوهای برتر تدریس / عبدالامیر گیلک - دکتر نیره شاه محمدی ۴۰
- شماره صدم تازه اول راه است / حمید نورشمسی ۴۶
- آموزش و پرورش ایران در صد سال گذشته / دکتر احمد صافی ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

طراح جلد: حمیدرضا سلیمانی

– مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند.
– نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.

– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوانین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

تدریس می‌کنند و قلبشان از عشق به دانش‌آموزان مالامال است به صورت مرتب برای افزایش مهارت معلمی خود مجله‌ای تخصصی دریافت کنند و به صورت پیوسته در جریان یک آموزش ضمن خدمت رسمی قرار گیرند.»

بدین ترتیب بود که انتشار مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی آغاز شد و در ۲۱ سال ۹۹ شماره از آن در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. این مجله از بدو تولد به دست افراد فروتن، پرتلاش و دلسوز سپرده شد. خانم تن‌ساز از پاییز سال ۷۱ تا بهار ۷۴ نخستین سردبیر مجله بود که با تلاش بی‌وقفه، با وجود مشکلات زیاد، نهال نورسیده مجله را در دستان پربرکت خود پرورش داد. مجله‌های آن دوران اگرچه از کیفیت چاپ بالایی برخوردار نبودند، اما از دید علمی و آموزشی محتوایی پربار داشتند. طوری که پاسخگوی بسیاری از نیازهای معلمان دوره راهنمایی تحصیلی بودند. اما در سال‌های بعد سکان‌داری ساختار و محتوای مجله را بزرگوارانی چون جعفر ربانی، فرهاد بخشنده و خسرو داودی بر عهده گرفتند.

یکی از سنت‌های خوب دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، «دیدن» است. دیدن گذشته، دیدن زحمات دیگران و پیشینیان، و دیدن برنامه‌های آینده. چه نیکوست که در پس این «دیدن» به مرحله «اندیشیدن» برسیم و سرانجام در ایستگاه ارزشمند «ارزشیابی خود» وقوف کنیم. تاکنون صد شماره از مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی منتشر شده است. مجله در این صدمین شماره به ۲۱ سالگی که مرحله جوانی است رسیده است. اولین شماره مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در مهرماه ۱۳۷۱ انتشار یافت. در سرمقاله آن نوشته خانم فروغ تن‌ساز، درباره هدف دفتر از انتشار مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی از زبان دکتر حدادعادل، رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، این‌طور بیان شده بود که: «... مقصد ما این است که علاوه بر کتاب درسی که در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار می‌دهیم، معلم را برای بهبود کیفیت تدریس پشتیبانی می‌کنیم و امید ما این است که همه معلمان دوره راهنمایی و خصوصاً آن‌ها که در شهرها و روستاهای دور دست

محمد رضا حشمتی

دیدن



ضمن قدردانی از همه همکاران عزیز، چه در گذشته و چه حال، لازم است از نیروهای ارزشمندی که اسامی آن‌ها در جدول پیوست آمده است یاد شود که با شور و علاقه، برای تولید مجله و تأمین محتوای آن، خالصانه و صمیمانه تلاش کرده‌اند. یاد و خاطره همکاری آنان با مجله هرگز فراموش نخواهد شد؛ دوستان و همراهانی که بدون هم‌فکری و همکاری ارزشمند آن‌ها، طی این راه دشوار ممکن نبود. برای همه این عزیزان که در طول دو دهه، در راه شکوفایی استعدادهای فرزندان این مرزوبوم، در تلاش برای تولید و تأمین مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی و به تبع آن بهبود کمی و کیفی مجله گام نهادند، آرزوی شادی و تندرستی دارم و از درگاه خداوند متعال توفیق روزافزون آنان را خواستارم.

و اما خدا را شاکریم که به ما دوستانی بخشیده است که از «داشته‌ها» و «کاشته‌ها»ی خود با

شفافیتی زلال‌تر از آب، مهربان‌تر از نسیم، روشن‌تر و منعکس‌کننده‌تر از آینه و آفتاب، آنچه را دارند به ما هدیه می‌کنند و هیچ‌گاه در چهره پر از مهربانی و عطوفت آن‌ها گردی از خستگی نمی‌بینیم.

در نگاهی دیگر، آنچه در این صد شماره مجله دیده می‌شود، محصول توجه و حمایت شما بوده و هست. مطالب ارزشمندی که می‌فرستادید، نقد و نظرهایی که برای بهتر پیمودن راه تعلیم و تربیت ارائه می‌کردید و نکته‌ها و رهنمودهایی که دستگیرمان بود و پا به پایمان جلو می‌برد تا شیوه درست راه رفتن بیاموزیم. در اینجا بود که این باور در ما تقویت شد که تولید مجله کاری است گروهی و اگر هماهنگی در آن نباشد نتیجه و محصول ابتر و نامرغوب خواهد بود. امید است که همچنان در گروه ما، با فعالیت بیشتر، در غنا بخشیدن به مجله یار و مددکارمان باشید.

دوره سرپرستی	مدیرمسئول	سرپرست	هیئت تحریریه	مدیر داخلی	ویراستار	طراح گرافیک	سال تحصیلی
اول	-	فروغ تن‌ساز	-	فتح‌الله فروغی	-	علی نجمی محمد پریسای خالد قهرمانی دهبکری	۱۳۷۱-۷۴
دوم	محمدمسعود ابوطالبی حسن ملکی سیدمحسن گلدان‌ساز علیرضا حاجیان‌زاده	جعفر ربانی	محمودامانی طهرانی منصور ملک عباسی بهداد اصفهانی	رحیم شکری روشنی منصور ملک عباسی حسین نامی ساعی	-	محمد پریسای خالد قهرمانی دهبکری علی نجمی پریسا سندسی پروانه هادی‌پور سعیدسلطانعلیان شکوفه میرزازری آریتا کوثری نوید اندرودی ناهید کاظمی	۱۳۷۴-۸۴
سوم	علیرضا حاجیان‌زاده	فرهاد بخشنده	جعفر ربانی حسن سالاری	حسین نامی ساعی میرشهرام صدر	سیداکبر میرجعفری حبیب یوسف‌زاده	ناهید کاظمی پریسا سندسی	۱۳۸۴-۸۶
چهارم	علیرضا حاجیان‌زاده محمد ناصری	خسرو داودی	منصور ملک عباسی احمد شریفان مرتضی گوهری‌پور	فاطمه محمودیان	لعلیا عروجی زهره خداجوی	پریسا سندسی	۱۳۸۶-۸۸
پنجم	محمد ناصری	محمد رضا حشمتی	جعفر ربانی علیرضا صادقی میاب منصور ملک عباسی علی اصغر جعفریان فرحناز حدادی لیلی محمدحسین	فاطمه محمودیان	هادی نیاوندیان فریدون حیدری ملک‌میان کبری محمودی	پریسا سندسی مهدی کریم‌خانی ندا عظیمی	۱۳۸۸-—

در مدرسه فرزندم چه می‌گذرد؟

ثمانه ابروانی

ارتباط والدین با مدرسه

سازنده‌ای که چند نمونه از آن‌ها را می‌آوریم، رغبت عموم والدین خصوصاً پدران را به «آمدن» به مدرسه افزایش داد؟ به این پیشنهادها نگاهی می‌اندازیم: * بهتر است مدارس ضمن تدارک جلسات ملاقات با والدین در طول هر ماه، هر هفته نیز روزهای مشخصی را تعیین کنند تا والدین در صورت بروز مشکلات احتمالی بتوانند هر چه سریع‌تر مدرسه را در جریان قرار دهند.

* مدرسه باید شرایطی فراهم کند تا هنگامی که والدین به مدرسه مراجعه می‌کنند احساس کنند که آن‌ها هم یکی از چندین پدر و مادری هستند که روزانه به مدرسه فرزندشان می‌روند.

* مدارس می‌توانند با تهیه تقویم سالانه‌ای که فعالیت‌ها و برنامه‌های طول سال مدرسه در آن مشخص شده است، گام مؤثری در جلب اعتماد و همکاری والدین بردارند. وفاداری به برنامه‌هایی که معمولاً در ابتدای سال تحصیلی اعلام می‌شود و ارائه آن‌ها تا پایان سال تحصیلی، از دیگر موارد تأثیرگذار است.

من فضای خشک بازدارنده را دوست ندارم

اگر از دریچه چشم پدر یا مادر به موضوع نگاه کنیم، شاید اولین و مهم‌ترین نکته این باشد که: والدین به دلیل اشتغال یا دغدغه‌های گوناگون در امور مدرسه مداخله نمی‌کنند و روز به روز از مدرسه و به تبع آن از امور تحصیلی فرزندشان فاصله می‌گیرند. البته نمی‌توان گفت که آن‌ها از فرزندشان فاصله می‌گیرند، چرا که می‌توانند کنترل فرزند و ارتباط با

گاهی والدین به دلیل اشتغال یا دغدغه‌های گوناگون، در امور مدرسه دخالت نمی‌کنند و به مرور از مدرسه و به تبع آن از امور مدرسه فرزندشان فاصله می‌گیرند. این در حالی است که مدارس می‌توانند مانع از ایجاد این‌گونه شکاف‌ها شوند. کادر مجرب مدرسه تمایل دارد که والدین بیشتر به مدرسه بیایند، بیشتر از اوضاع مدرسه باخبر شوند، بیشتر ببینند و بیشتر مشارکت داشته باشند.

اما چرا کادر مدرسه همیشه از نبود این ارتباط ناراضی است؟ آیا می‌توان با استفاده از راهکارهای



والدین منتظر دانش‌آموزان برای بردن آن‌ها به خانه

پدر یا مادر بیشتر از اینکه از کادر مدرسه و مقررات آن رنج بکشد، از خود «مدرسه» به معنای فیزیکی آن رنج می‌کشد



والدین در حیاط مدرسه منتظر شروع جلسه و برنامه

ساده که حتی سایه‌بان یا درختی ندارد که پدر و مادر آنجا منتظر فرزندشان شوند. لحظات انتظار پشت در مدرسه، هیچ لذتی برای اولیا ندارد که بخواهند از آن در رد هم بشوند؛ مگر آنکه مجبورشان کنند. اگر برحسب اتفاق (مثلاً جلسه انجمن اولیا یا جلسات مرسوم دیگر مدرسه) وارد مدرسه شوند، چه می‌بینند؟

من در مدرسه فضایی صمیمی برای والدین و کادر آموزشی نمی‌بینم

آیا فضای دل‌نشینی مانند بوستان را جلوی چشمان او می‌گذاریم؟ آیا از نظر زیبایی‌های معماری، او را پذیرایی می‌کنیم. او باید به همراه سایر والدین در گوشه‌ای بایستد تا کادر مدرسه اجازه دهند و بگویند که لطفاً به کلاس فلان بروید. لطفاً به سالن و طبقه فلان بروید و منتظر بمانید تا جلسه شروع شود. لطفاً منتظر بمانید تا جلسه مدیر تمام شود بعد به اتاقش بروید.

مدرسه خیلی بهتری اگر داشته باشیم، اتاق انتظار یا راهرویی با چند صندلی دارد. و والدینی که زودتر آمده‌اند، صندلی‌ها را پر کرده‌اند. بقیه نیز می‌ایستند، بی‌آنکه از آن حس جدی و غریبی که به فضا دارند، کاسته شود. اگر به رفتار همان والد در دیگر فضاهای اجتماعی شهر نگاهی بیندازید، چهره‌ای دیگر از او

معلم یا مدیر را با تلفن، ایمیل یا دیداری بسیار کوتاه انجام دهند. اگر صادق‌تر باشیم بسیاری از والدین امروز نسبت به دوران گذشته، مثلاً بیست سال پیش، از فرزند خود فاصله نگرفته‌اند و اتفاقاً از ارتباط والدین با کادر مدرسه و تأثیر آن روی دانش‌آموز آگاهی دارند. در حال حاضر، آمار والدینی که هر روز، حتی در دو نوبت، فرزندان خود را به مدرسه می‌رسانند و به منزل برمی‌گردانند، بی‌آنکه داخل مدرسه شوند، نسبت به گذشته بسیار زیادتر شده است. این نشان می‌دهد که نگرانی عمومی والدین به امور مدرسه بچه‌ها افزایش یافته است، اما چرا کادر مدرسه هنوز از این موضوع ناراضی است؟ من می‌فهمم که منظور کادر مدرسه اوضاع درسی و اخلاقی دانش‌آموز است، اما چرا یک والد با رغبت بیشتری به مدرسه نمی‌آید؟ او که تا دم مدرسه آمده است، آیا پرایش سخت است به داخل هم بیاید (مثلاً هفته‌ای دوبار) و دقایقی را با معلمان، کادر مدرسه و بالاخص با بچه‌ها باشد؟

من به فضای مدرسه تعلق ندارم

به نظر بنده پدر یا مادر بیشتر از اینکه از کادر مدرسه و مقررات آن رنج بکشد، از خود «مدرسه» به معنای فیزیکی آن رنج می‌کشد. نگاهی به ورودی اکثر مدارس کشور بیندازید، یک در بزرگ و دیواری

می‌بینید. چهره‌ای که می‌داند چه کار کند، می‌داند کجا برود، کجا را نشانه‌گیری و به فرزند خود اشاره کند و کجا را مدیریت کند. در پارک می‌دود و می‌خندد. در فروشگاه‌های خرید حس استقلال دارد. در محل کار خود راحت است و در خیابان با آسودگی راه می‌رود. اما در مدرسه معذب است. آرام است. ساکت است و خجالتی؛ بی‌هیچ فعالیت‌تی. منتظر است، اما این انتظار کشنده است. منتظر مؤاخذه، تنبیه، تشویق و حرفی یا سخنی از سوی کسی غیر از پدر و مادر است. آن‌ها بیشتر در مدرسه نقش شنونده دارند تا مشارکت‌کننده.

من در مدرسه فعالیت فرزندم را نمی‌بینم

هر زمانی که ولی وارد مدرسه می‌شود، اگر برحسب اتفاق باشد، یا وقت زنگ تفریح است یا زمان کلاس‌ها یا خارج از زمان عادی مدرسه. به این ترتیب، به غیر از زمان کوتاه یک ربع زنگ تفریح که شادی و سروصدای بچه‌ها را می‌شنود، دیگر دانش‌آموزی نمی‌بیند. مگر چند نفری که گاه یا برای گرفتن مژیک اضافی به دفتر آمده‌اند یا دست‌شویی رفته‌اند. گویی وارد ساختمانی شده است که دانش‌آموزی در آن نیست. سکوتی مبهم برقرار است که این به گیج شدن او و انس نگرفتن او با فضا (مدرسه) کمک می‌کند. وقتی وارد مدرسه می‌شود و منتظر یک اتفاق است، حتی تابلویی، باغچه کوچکی، نمایشگاهی، نمایشی از کارگروهی و آزمایشگاه روبازی، هیچ چیز دیده نمی‌شود که او احساس خرسندی کند از اینکه وارد مدرسه فرزندش شده است و کارها و فعالیت او یا همکلاسی‌هایش را از نزدیک می‌بیند. اینجاست که فضایی بسیار سرد و بی‌روح، برای فردی که از ما بیرون می‌آید، تعریف کرده‌ایم. شاید بسیاری از ما بگوییم دیوارها را رنگ کرده‌ایم، تابلو گذاشته‌ایم. گل کاشته‌ایم... و من می‌گوییم پس بچه‌ها کجايند؟ فعالیتشان کجاست؟ حضور گرمشان چه می‌شود و من در این فضا کجاينم؟ جایگاهم چیست؟

به نظر شما، معماری مدرسه در حضور پرنرنگ اولیا نقش دارد؟ منتظر شماره بعدی باشید.

منتظر نظرات شما خوانندگان هستیم. نوشته‌هایتان را به این نشانی برای ما بفرستید:

samaneh@irvani.com



در ورودی مدرسه‌ای ابتدایی در شهر تهران



یکی از چشم‌اندازهایی که اولیا در بدو ورود به مدرسه می‌بینند. مدرسه‌ای راه‌نمایی در شهر تهران

برای ایجاد فرهنگ تفاهم از کجا شروع کنیم؟

لیلی محمدحسین

برای همدلی در مدرسه، به طوری که احساس کنیم در تمام فضا روح تفاهم و گفت‌وگو به جای بدبینی و جدال حاکم است، باید همه اجزای نظام مدرسه دست به دست هم دهند تا با اجرای روش‌هایی در کلاس درس یا خارج از آن، به تقویت این فرهنگ کمک کنند. یکی از عواملی که ممکن است موجب اختلاف شدید بین دانش‌آموزان و کادر آموزشی و اجرایی مدرسه شود، رفتارهای خلاف مقررات و هنجارهای جامعه و مدرسه است. روش برخورد با این رفتارها یا موقعیت‌های مسئله‌ساز، تعیین‌کننده نوع فرهنگ حاکم بر مدرسه است.

در مدارس که روش‌های احیاکننده تربیتی به کار می‌رود، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند با عواقب رفتار غیرقابل پذیرش خود مواجه شوند، صدمه‌ای را که به محیط یا به دیگران زده‌اند اصلاح کنند و جامعه مدرسه را بسازند.

دانش‌آموزی عصبانی می‌شود و به معلم ناسزا می‌گوید، معلم او را به دفتر می‌فرستد، ناظم حضور او را در کلاس به مدت سه روز به حالت تعلیق درمی‌آورد (یا او را از مدرسه اخراج می‌کند).

همه ما از بی‌ادبی و از دست رفتن حد و مرزهای رفتاری و اولیای غیرمسئولی که چنین بچه‌هایی بزرگ کرده‌اند، دلخوریم و این تنبیه را چنین توجیه می‌کنیم: «دانش‌آموز باید پاسخگوی رفتارش» باشد. اما این تنبیه منفعلانه است. زیرا دانش‌آموز مجبور نیست کاری انجام دهد. بنابراین از دست معلم و ناظم عصبانی باقی می‌ماند. چون فکر می‌کند قربانی شده است. او در نظر نمی‌گیرد چطور به دیگران صدمه زده است یا چطور می‌تواند اوضاع را درست کند و چند روز بعد به کلاس درس برمی‌گردد، در حالی که هیچ مشکلی حل نشده است.



ذهن ما انسان‌ها برای برقراری ارتباط طراحی شده است و برای سلامت عاطفی احتیاج داریم به جامعه‌ای احساس پیوند و تعلق داشته باشیم

روش‌های تنبیهی نه فقط رفتار منفی را کاهش نمی‌دهد بلکه در واقع آن را تشدید می‌کند. با روش‌های احیاکننده،

دانش‌آموزان با رفتار غیرقابل پذیرش خود مواجه می‌شوند و در فرایندهایی که بیشتر حمایت‌کننده‌اند تا خوارکننده، مسئولیت آن را به دوش می‌گیرند.

پیش فرض اصلی در این روش آن است که وقتی افراد در موضع قدرت (مانند مدیر، معاون یا معلم در مدرسه) همراه با افراد تحت پوشششان کاری انجام می‌دهند به جای در برابر یا برای آن‌ها آن افراد خشنودتر، همراه‌تر و خلاق‌تر می‌شوند و به احتمال قوی در رفتارشان تغییرات مثبت ایجاد می‌کنند.

سه روش مؤثر احیاکننده

● برگزاری جلسه حمایت‌کننده یا اصلاحی

رسمی‌ترین فرایند احیاکننده که به برنامه‌ریزی قبلی احتیاج دارد و در موارد بسیار جدی به کار گرفته می‌شود، برگزاری جلسه حمایت‌کننده است. در این جلسه، تسهیل‌کننده‌ای آموزش دیده، همه افراد درگیر در ماجرا را فرامی‌خواند تا بررسی کنند چه اتفاقی افتاده است، چه کسی آسیب دیده است و برای درست شدن اوضاع چه کارهایی لازم است انجام شود. شرکت‌کنندگان گرد می‌نشینند و یکی یکی صحبت می‌کنند. بعضی از گروه‌ها از یک «سنگ سخن» استفاده می‌کنند. تسهیل‌کننده از نوشته‌ای استفاده می‌کند که در آن سؤال‌هایی برای هدایت شرکت‌کنندگان وجود دارد تا درباره ماجرا بیندیشند؛ اینکه چه کسی و چطور از این ماجرا آسیب دیده است و شرایط چطور اصلاح می‌شود. مثلاً در یکی از مدرسه‌های آمریکایی ماجرای رخ داده بود. دو دختر ۱۳ ساله مبلغ ۲۰ دلار را از کیف کسی که به عنوان داوطلب آموزش زبان دوم از مدرسه بازدید می‌کرد دزدیده بودند. او کیفش را در کلاسی خالی رها کرده بود. در برگشت، دو دختر را دیده بود که با نگاهی عجیب آنجا ایستاده بودند. یکی از دخترها فوراً به قصد دست‌شویی بیرون رفته و پول را آنجا پنهان کرده بود.

بعداً ماموران امنیتی مدرسه پول را در سطل زباله دست‌شویی پیدا کردند. بعد از اینکه هر دو دختر به گناهشان اعتراف کردند، مدیر تصمیم گرفت جلسه‌ای اصلاحی برگزار کند. جلسه یک هفته بعد از دزدی تشکیل شد. یازده نفر

در آن شرکت کردند: مشاور که جلسه را تسهیل می‌کرد، دو دختر، سه نفر از خانواده‌های دو دختر، یک داوطلب، یک معلم، مدیر، یک ناظر و معاون مدرسه. به نظر جان بیلی، مدیر آموزش مستمر در «مؤسسه بین‌المللی روش‌های احیاکننده»، خیلی خوب خواهد بود که هم قربانی و هم گناهکار، کس دیگری را که تحت تأثیر ماجرا قرار گرفته است در جلسه داشته باشند؛ کسی که شخصاً برای آن‌ها دل می‌سوزاند. معمولاً حداقل تعداد برای چنین جلسه‌ای پنج نفر است.

طی جلسه، بازدیدکننده (قربانی) توضیح داد که ماجرا چطور به او صدمه زده است. شوهرش مریض و بیکار بود و او تنها نان‌آور خانه محسوب می‌شد. بنابراین، ۲۰ دلار برای او مبلغ قابل توجهی بود. وقتی دخترها موضوع را شنیدند، به گریه افتادند. دختری که پول را برداشته بود، گفت: هرگز نمی‌دانستم کاری که کردم چطور به بقیه صدمه می‌زند. هر دو دختر پشیمان بودند. قربانی هم اشک ریخت.

مدیر مدرسه می‌گفت که این تجربه برای او بسیار خوب بوده است، چون در چنین مواردی، معمولاً اولیا حالت تدافعی به خود می‌گیرند و بعد سر بچه‌شان داد می‌کشند. در این ماجرا، دخترها به جای خشمگین شدن، از کارشان شرم‌منده و پشیمان شده بودند و اولیای آن‌ها سپاس‌گزار بودند که مدرسه به دخترانشان فرصتی دوباره داده است. بعداً دخترها نامه عذرخواهی به بازدیدکننده نوشتند و از آن به بعد هیچ رفتار مشکل‌داری از آن دو سر نزد.

چنین جلسه اصلاحی می‌تواند تأثیر شگرفی بر رفتار دانش‌آموزان بگذارد ولی روش‌های غیررسمی حمایت‌کننده نیز بر فرهنگ مدرسه تأثیر بسزایی دارند؛ چون این روش‌های غیررسمی از نظر کمیت زیادند و جزئی از زندگی روزمره مدرسه هستند. در مدرسه‌ای که روش‌های حمایت‌کننده جزو هنجارهای آن است، معلمان و معاونان در مواجهه با رفتارهای چالش‌برانگیز، به طور معمول، از سؤال‌هایی که در جلسه اصلاحی مطرح شد استفاده می‌کنند تا به دانش‌آموزان کمک کنند درباره تأثیر رفتارشان بر دیگران بیندیشند.

فرض کنید پسری کلاس را به هم می‌ریزد. به جای اینکه او را به دفتر مدیر مدرسه بفرستیم که در این حالت فقط عصبانی و آماده تکرار همان رفتار می‌شود، معلمش ممکن است از او بپرسد: «فکر می‌کنی از اینکه کلاس را به هم بریزی چه کسی صدمه می‌بیند؟» با این سؤال ممکن است دانش‌آموز متوجه شود که نه تنها معلم بلکه همکلاسی‌هایش نیز آسیب می‌بینند، چون او وقت یادگیری‌شان را هدر می‌دهد. جوانان ممکن است به این جور فکر کردن عادت

**روش‌های تنبیهی نه فقط
رفتار منفی را کاهش نمی‌دهد
بلکه در واقع آن را تشدید
می‌کند**

● برگزاری دایره حمایت‌کننده

یکی دیگر از
روش‌های احیاکننده

یا اصلاحی برگزار کردن دایره یا جمع حمایت‌کننده است. این جمع‌های پیش‌گیرنده برای دانش‌آموزان فرصت‌هایی فراهم می‌کنند تا احساسات، ایده‌ها و تجاربشان را با هم در میان بگذارند. در این جمع، همه فرصت صحبت کردن دارند و هیچ‌کس حرف دیگری را قطع نمی‌کند. معلمان ممکن است از این جمع برای بازخورد گرفتن درباره موضوعی مثل آزمون که در آینده‌ای نزدیک ممکن است برگزار شود، استفاده کنند یا فقط از بچه‌ها بخواهند درباره تعطیلات آخر هفته‌شان حرف بزنند. این جمع‌ها برای دانش‌آموزانی که به دلیل خجالتی بودن، بی‌تفاوتی، خشم یا ترس از کف شدن در کلاس به طور معمول در کلاس صحبت نمی‌کنند، بسیار مؤثر است. یک معلم علوم اجتماعی که در کلاسش چند دانش‌آموز دارای نیازهای خاص شرکت می‌کنند، از برگزاری این جمع‌ها احساس موفقیت می‌کند. او می‌گوید قبل از برگزاری این جمع‌ها، بعضی از این دانش‌آموزان در طول ترم بیش از چهار یا پنج بار حرف نمی‌زدند. ولی بعد از برگزاری مرتب این جمع‌ها اوضاع فرق کرده است. این دانش‌آموزان الان به سؤال‌هایی که در کلاس مطرح می‌شود با آمادگی پاسخ می‌گویند و در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کنند.

معمولاً در برگزاری این جمع‌ها، معلم اجازه می‌دهد هر کس نمی‌خواهد صحبت کند نوبت را به نفر بعدی دهد ولی در دور دوم ممکن است همان دانش‌آموز را خطاب قرار دهد و از او سؤال‌های مشخصی درباره گفته‌های دیگران بپرسد تا همه احساس کنند در پیشبرد گفت‌وگو سهم دارند.

شواهد علمی زیادی نشان می‌دهند که ذهن ما انسان‌ها برای برقراری ارتباط طراحی شده است و برای سلامت عاطفی احتیاج داریم به جامعه‌ای احساس پیوند و تعلق داشته باشیم. روش‌های حمایت‌کننده کمک می‌کنند تا این احساس پیوند در جامعه مدرسه ایجاد شود. این روش‌ها، برای پرورش دانش‌آموزانی محترم و مسئول، بهترین‌ها هستند.

پی‌نوشت

۱. مطابق با یک سنت قدیمی سرخ‌پوستی، هر کس که صحبت می‌کرد، یک سنگ معین و مخصوص به نام سنگ سخن را در دست می‌گرفت و تا زمانی که این شیء را در دست داشت و سخن می‌گفت، کسی حرف وی را قطع نمی‌کرد.

منابع

1. <http://www.ascd.org/publications/educational-leadership>
۲. هار تکه مایر، مارتینا و یوهانس؛ ل. فریمن، دوریتی. با هم اندیشیدن، راز گفت‌وگو. ترجمه فاطمه صدرعاملی. انتشارات اطلاعات. ۱۳۸۲.

نداشته باشند. آن‌ها در ابتدا به راهنمایی احتیاج دارند ولی به سرعت آن را یاد می‌گیرند.

سؤال‌هایی برای کسانی که گناهکارند:

چه اتفاقی افتاد؟

آن موقع به چه فکر می‌کردی؟

از وقتی آن اتفاق افتاده است چه فکرهایی کرده‌ای؟

فکر می‌کنی چه کسانی از اعمال تو و به چه صورتی

آسیب دیدند؟

فکر می‌کنی برای اصلاح امور چه کار باید بکنی؟

سؤال‌هایی برای کسانی که از گناه آسیب دیده‌اند:

وقتی فهمیدی چنین اتفاقی افتاده است، چه فکری

کردی؟

این اتفاق چه تأثیری بر تو و دیگران داشت؟

سخت‌ترین موضوع برایت چه بود؟

فکر می‌کنی برای اصلاح امور چه کارهایی باید انجام

شود؟

● بیان جملات عاطفی

یکی از روش‌های غیررسمی حمایت‌کننده که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تأثیر رفتارشان را بر دیگران درک کنند، عبارت‌های عاطفی است؛ یعنی بیان احساس در واکنش به رفتارهای مثبت یا منفی دیگران. عبارات عاطفی، شخصی را که به کارشان می‌برد، احساساتی می‌کند، فوراً ارتباط بین افراد درگیر را تغییر می‌دهد و ارتباطات بین افراد مدرسه را بهبود می‌بخشد.

فرض کنید شاگردی با کوبیدن مشتش روی میز، کلاس را به هم می‌ریزد. معلم ممکن است به جای «ساکت باش!» بگوید: «وقتی کلاس را این‌جوری به هم می‌ریزی، من دلسرد و عصبانی می‌شوم/ احساس دلسردی و خشم می‌کنم». بعضی از دانش‌آموزان ممکن است تعجب کنند که معلم هم احساس دارد و تحت تأثیر رفتار دانش‌آموز قرار می‌گیرد. این نوع گفت‌و شنود، موجب قوام گرفتن ارتباطات می‌شود.

یا وقتی دانش‌آموزان برای انجام دادن تکلیفی که به نظرشان سخت می‌آید مقاومت می‌کنند و شکایت می‌کنند، معلم می‌تواند بگوید: «دلسرد می‌شوم وقتی می‌بینم شما در برابر این سختی دلسرد و تسلیم می‌شوید. می‌دانم که می‌توانید این کار انجام دهید. اگر کمک مرا می‌خواهید، به شما کمک می‌کنم ولی باید تلاش کنید». کافی است یک بار عاطفه را چنین درگیر کنید و تا پایان سال از آن بهره ببرید.



دکتر نیره شاه محمدی

شبه قاره و معلمان

آموزش معلمان دریچه‌ای به پیشرفت و توسعه در هندوستان

در این مورد، دولت مرکزی به ویژه دولت‌های منطقه‌ای، مسئولیت تعلیمات اجباری و مجانی را بر عهده دارند. ایجاد هماهنگی در آموزش و پرورش ایالات سرزمین‌های گوناگون، برنامه‌ریزی در امور تحقیقات، امور آموزشی فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، از جمله فعالیت‌های اساسی سازمان مرکزی آموزش و پرورش است.

دوره‌های تحصیلی در هند شامل کودکان، دبستان، بالاتر از دبستان، متوسطه، بالاتر از آن و دانشگاه است. طبق قانون اساسی، مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای آموزش عمومی در هند با حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی است.

امور مربوط به برنامه‌ریزی درسی، تألیف کتاب‌های درسی، تهیه فیلم‌های آموزشی، تربیت کارشناسان برنامه‌ریزی درسی، آموزش مدرسان دوره‌های ضمن خدمت و انجام طرح‌های تحقیقاتی مربوط به برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، به عهده مؤسسه ملی تعلیم و تربیت و تحقیقات تربیتی کشور هند است.

از دیگر فعالیت‌های کشور هند برای تربیت منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش کشور، تأسیس مرکز آموزش و پرورش مجهزی برای تربیت مدیران رده‌های متفاوت، به ویژه مدیران عالی آموزش و پرورش است. این مرکز با سابقه‌ای طولانی در تربیت مدیران آموزشی اعتبار بین‌المللی دارد و دوره‌های آموزشی داخلی و بین‌المللی را برگزار می‌کند.

کار آموزش و پرورش تربیت ذهن‌ها برای تفکر است. (آلبرت آینشتین)

کشور هند دومین کشور پرجمعیت دنیا بعد از چین و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت است. در هند چهارده زبان رسمی و بیش از هزار لهجه در ایالات گوناگون وجود دارد که مردم بدان‌ها تکلم می‌کنند. با عنایت به غیرمتمرکز بودن نظام آموزشی هند، از مهم‌ترین خصایص نظام اداری آموزش و پرورش این کشور، تفویض اختیار بیشتر به هر ایالت است و لذا قوانین آموزش و پرورش را، هم مجلس فدرال و هم مجلس ایالتی، وضع می‌کنند و ادارات آموزش و پرورش موظف به اجرای آن‌ها هستند.

در ماده ۴۵ قانون اساسی هند آمده است: «دولت موظف است که آموزش و پرورش اجباری و مجانی را برای همه کودکان تا رسیدن به ۱۴ سالگی فراهم کند».

در هند شرکت در دوره‌های آموزشی حین خدمت برای معلمان اجباری است و چون دوره‌های قبل از خدمت برای توانمندسازی و ایجاد تخصص در معلمان کافی نیست، بر کیفیت دوره‌های آموزشی حین خدمت تأکید بسیاری شده است

در حال حاضر شرکت در دوره‌های آموزشی حین خدمت برای معلمان اجباری است و چون دوره‌های قبل از خدمت برای توانمندسازی و ایجاد تخصص در معلمان کافی نیست، بر کیفیت دوره‌های آموزشی حین خدمت و شرکت در آن‌ها تأکید بسیاری شده است.

زمان برگزاری دوره‌ها

زمان برگزاری دوره‌های آموزشی حین خدمت در این کشور، معمولاً در تعطیلات تابستان یا تعطیلات بین دو ترم تحصیلی و تعطیلات رسمی است که به شکل‌های دوره‌های مکاتبه‌ای، حضوری، برخط (آن‌لاین)، تعاملی و ویدیو کنفرانس برگزار می‌شوند.

مهم‌ترین اهداف آموزشی این دوره‌ها عبارت‌اند از: - ترغیب معلمان برای توجه به علاقه‌های آموزشی دانش‌آموزان؛ - بهره‌گیری از سیاست آموزش فراگیر و انجام تحقیقات کاربردی؛

اصولاً در هند به مدیریت واحدهای آموزشی و مهارت مدیران در اداره سازمان‌های اداری و آموزشی اهمیت بسیاری داده می‌شود و در انتخاب و انتصاب مدیران رده‌های گوناگون، به هنر، علم و تجربه آنان توجه می‌شود. لذا ثبات بیشتری در امر مدیریت دیده می‌شود و برای مدیران دوره‌هایی آموزشی در سطح کشوری، ایالتی و منطقه‌ای برگزار می‌شود.

آموزش‌های ضمن خدمت

در خصوص سازماندهی و برنامه‌ریزی آموزش‌های ضمن خدمت معلمان، مؤسسه ملی برنامه‌ریزی درسی و تحقیقات تربیتی و انجمن ملی آموزش معلمان، به طور مشترک این مسئولیت را به عهده داشته و برای تدریس به معلمان ایالات، دوره‌های تربیت مدرس طراحی کرده‌اند.

از آنجا که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون انقلاب آموزشی پیشرفت کند و از جامعه‌ای فقیر به جامعه‌ای ثروتمند تبدیل شود، انجمن ملی آموزش معلمان، برنامه درسی جدیدی برای آموزش معلمان در سال ۲۰۱۰ تهیه کرد.

این برنامه بر مبنای اصول مدل یاددهی - یادگیری سازنده نوشته شده و مشتمل است بر مشارکت فعال دانش‌آموز در کلاس درس و در فرایند آموزش و یادگیری، استدلال به عنوان مبنایی برای یادگیری، بهره‌گیری از دانش قبلی دانش‌آموزان، استفاده از تفکر و استدلال، مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله به عنوان نقطه شروع یاددهی و یادگیری، ایجاد فضایی در کلاس درس برای ابراز وجود دانش‌آموز به اشکال متفاوت و ارتقای فرهنگ گوش دادن و مباحثه. این دیدگاه جدید باعث ایجاد ابتکار عمل در معلمان شده است؛ به گونه‌ای که آن‌ها خود نیز به صورت مستقل دوره‌های رسمی و غیررسمی آموزشی ارتقای توانمندی‌هایشان برگزار می‌کنند.

مراکز مجری دوره‌های آموزشی

در هند دوره‌های آموزشی قبل از خدمت و حین خدمت را معمولاً مؤسساتی چون مؤسسات آموزش و پرورش، مؤسسات محلی آموزش و کارآموزی، کالج‌های آموزش و پرورش دانشگاه‌ها و ادارات آموزش و پرورش اجرا می‌کنند.



- ارتقای سطح کیفی آموزش ابتدایی برای تعیین حداقل سطح یادگیری؛

- آموزش معلمان و تشویق آنان به اتخاذ روش‌های آموزشی کودک‌محور.

در هندوستان دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان در اصلاح کیفیت آموزش ابتدایی اهمیتی اساسی دارد. لذا تأکیدهای اصلی در آموزش ضمن خدمت معلمان، بر ایجاد حساسیت، پرورش مهارت‌های یاددهی، ایجاد نگرش برای یادگیری، ارزشیابی صلاحیت‌محور و برابری جنسیت است. برنامه‌های آموزشی نیز در راستای ایجاد سهولت در تعامل نزدیک بین معلمان و مقامات محلی است. در این آموزش‌ها، بر بازتاب‌های مربوط به موقعیت معلمان، نحوه تدریس و تهیه مواد یاددهی - یادگیری نیز تأکید می‌شود. علاوه بر این، ابتکارهای جدیدی چون آموزش یوگا در آموزش معلمان ضمن خدمت معلمان گنجانده شده است.

محتوای دوره‌های آموزشی

دوره‌های آموزشی معمولاً برای اجرا در ۱۰ روز و برای کلیه معلمان طراحی می‌شوند. این دوره‌ها به صورت «جلسات خوشه‌ای ده ماهه» و جلسات کار گروهی در طول سال تحصیلی برگزار می‌شوند.

سرفصل‌های آموزشی دوره‌ها را بررسی می‌کنیم:

✓ **روش‌های تدریس نوآورانه (به مدت سه روز)**
الف) آشنایی با ویژگی‌های یادگیری فعالیت‌محور

با در نظر گرفتن برنامه درسی جدید مدارس

ب) آموزش روش‌های یادگیری فعال: این روش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد محتوای دانشی خود را کشف کنند. این روش همچنین زمینه‌های بروز خلاقیت دانش‌آموزان را از طریق ارائه نقشه مفهومی، فعالیت‌های گروهی و ارائه کار ایجاد می‌کند. در این دوره آموزشی معلم می‌آموزد چگونه زمینه‌های تجربه کردن و فرصت‌های آموزشی برای تعامل و یادگیری را بین دانش‌آموزان ایجاد کند.

✓ مهارت‌های زبانی

برای پرورش دانش‌آموزان به عنوان شهروندان جهانی و هماهنگ کردن آن‌ها با پیشرفت‌های دنیا، تجهیز آنان به زبان انگلیسی از دوره ابتدایی شروع می‌شود. لذا با هماهنگی بخش فرهنگی سفارت

انگلیس و یونسف دوره‌های آموزشی خاصی برای توانمندسازی معلمان در آموزش زبان انگلیسی برنامه‌ریزی شده است. علاوه بر این، دو دوره آموزشی، یکی دوره آموزشی فشرده ۳۰ روزه آموزش زبان انگلیسی برای معلمان ابتدایی و متوسطه و دیگری مهارت‌های ارتباطی در زبان انگلیسی به مدت پنج روز، برای معلمان مناطق و نواحی به اجرا درمی‌آید. محتوای دوره پنج روزه شامل موضوعاتی است چون: مدیریت کلاس درس، شیوه شروع درس و پایان دادن به آن؛ شیوه‌های آموزش زبان دوم؛ شیوه سؤال کردن برای دریافت پاسخ درست؛ توسعه اعتمادبه‌نفس؛ ارائه زبانی جدید؛ تصحیح یادگیرندگان؛ ارائه مدل گفتاری صحیح برای دانش‌آموزان.

✓ آموزش هنر

شیوه‌های استفاده از عروسک‌های نمایشی در کلاس درس برای موضوعات گوناگون؛ سرودخوانی؛ بازی و هنرهای نمایشی؛ ساخت کار دستی مانند جواهرسازی.

✓ آموزش مسائل بهداشتی و تندرستی

شیوه‌های آموزش نکات بهداشتی، تندرستی و ایمنی به دانش‌آموزان؛ بیماری‌های شایع در بین دانش‌آموزان؛ نشانه‌ها، شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها؛ سلامت دهان و دندان.

✓ آزمایش‌های علوم

معلمان از طریق آزمایش‌هایی که در طول دوره آموزشی انجام می‌دهند می‌آموزند که چگونه نسبت به درس علوم علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان ایجاد کنند و آن‌ها را با مفاهیم اولیه علوم از این طریق آشنا کنند.

✓ ابزار نظارت بر کیفیت آموزش‌های کلاسی

طی این دوره، معلمان با ابزارهای مناسب برای تجزیه و تحلیل پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سطح دوم ابتدایی آشنا می‌شوند و چگونگی تحلیل آن‌ها را در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سه ماهه بعد می‌آموزند.

✓ آموزش یوگا

برای ایجاد تعادل جسمی، فکری و روحی در معلمان، یوگا، به مدت پنج روز و در گروه‌های صد نفره، آموزش داده می‌شود.

در هندوستان دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان در اصلاح کیفیت آموزش ابتدایی اهمیتی اساسی دارد

شیوه اجرای دوره‌ها

اجرای تمامی برنامه‌های آموزشی، به صورت آبشاری و از بالا به پایین صورت می‌گیرد. به این شکل که در اولین سطح از آموزش، در سطح هر ایالت، فردی به عنوان مدرس آموزش‌های لازم را می‌بیند. او مدرسان سطح نواحی و مناطق را آموزش می‌دهد. در نهایت، مدرسان هر ناحیه، آموزش‌های فراگرفته شده را به معلمان سطوح دیگر (هر فرد ۴۰ معلم) انتقال می‌دهند.

تمامی برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت معلمان با برنامه درسی جدید هماهنگ هستند و تلاش بر آن است که معلمان به محتوا و روش آموزشی مناسب برای تدریس موضوعات متعددی چون هنر، بهداشت و علوم مجهز شوند.

با عنایت به ارزش و اهمیت بالای آموزش معلمان در کشور هندوستان، طرح‌های بسیاری در سطح این کشور برای ارتقای کیفیت این آموزش‌ها به اجرا درآمده‌اند که اکثراً هم موفقیت‌آمیز بوده‌اند، زیرا با بافت فرهنگی - اجتماعی کشور تناسب داشته‌اند. برای مثال، طرح «شیکشا کارمی»^۱ در ایالت راجستان، برای مقابله با مشکل نبود معلم در نواحی دورافتاده روستایی به اجرا درآمد. هدف از این طرح، رسیدگی به افت تحصیلی گروه سنی ۶ تا ۱۴ سال و پیدا کردن روش‌های بهتر یاددهی - یادگیری در محیط‌های روستایی بود که با همکاری والدین، جامعه و نوجوانان، با عنوان کارکنان آموزشی، در فرایند آموزشی مدرسه‌ها صورت گرفت.

در نخستین مرحله آزمایشی این طرح، شیکشا کارمی‌ها (معلمان) که از تحصیلات پایه (زنان کلاس پنجم و مردان کلاس هشتم) برخوردار بودند، در دوره شبانه‌روزی ۳۷ روزه‌ای آموزش دیدند. در این دوره، برنامه درسی خاصی در زمینه تدریس ارائه شد و معلمان زیر نظر متخصصان منتخب، کارورزی کردند. پس از سه ماه تدریس، به مدت سه هفته آموزش‌های تکمیلی به آن‌ها داده شد و از آن پس حمایت‌های مداوم دریافت داشتند. نقش شیکشا کارمی‌ها تأمین حداقل تحصیل برای همه کودکان در روستاها بود. ورزیده کردن شیکشا کارمی‌ها بخش اصلی طرح به شمار می‌آمد.



معلمان هندی از طریق آزمایشانی که در طول دوره آموزشی انجام می‌دهند می‌آموزند که چگونه نسبت به درس علوم علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان ایجاد کنند و آن‌ها را با مفاهیم اولیه علوم از طریق ارائه آزمایشات و نمونه‌های ملموس آشنا کنند



انتخاب شیکشا کارمی های زن تدبیر یاری بخشی برای جذب هر چه بیشتر دختران به مدرسه بود؛ زیرا گمان می رفت معلمان مرد عاملی بازدارنده به حساب آیند. بررسی های که از ۹ محله تحت پوشش این طرح به عمل آمد نشان داد که ۱۲۶۵ کودک در مدرسه های شیکشا کارمی درس خوانده اند. آزمون های پیشرفت تحصیلی، تفاوت بارزی را میان مدرسه های شیکشا کارمی و مدارس عادی نشان داد. کودکان شیکشا کارمی در آزمون های گروهی و فردی بالاتر بودند و چهار محله در همه آزمون های پنج گانه، عملکرد فوق العاده بهتری داشتند. افزایش ۳۰۰ درصدی ثبت نام کودکان ۶ تا ۱۶ ساله بسیار چشمگیر بود. به این ترتیب، تعداد دانش آموزان از ۳۰ هزار دانش آموز در زمان شروع طرح، به ۹۰ هزار رسید. روی هم رفته، ۸۰ درصد پسران و ۷۰ درصد دختران ۶ تا ۱۴ ساله در روستاهای زیر پوشش ثبت نام کردند و در ۸۳ روستا، میزان ثبت نام به ۱۰۰ درصد رسید. حضور ماهانه بچه های مدرسه به ۳۲ درصد افزایش یافت و از ۵۳ درصد در آغاز طرح، به ۸۵ درصد در پایان رسید و شرکت کنندگان از احساس تعلق، همکاری و تفاهم سخن گفتند.

پی نوشت

1. Shiksha Karmi

منابع

۱. صافی، احمد (۱۳۶۹). نوآوری های تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت در کشورهای آسیایی (قسمت هند). فصل نامه تعلیم و تربیت. شماره ۲۳.
۲. شاوردی، شهناز (۱۳۸۵). آموزش ضمن خدمت در هندوستان. رشد معلم. شماره ۲۰۶.
3. <http://teacher-ed.hbcse.tifr.res.in/discussion/in-service-teacher-professional-development-for-elementary-education>
4. In-Service Teacher Training (2011) www.ssa.tn.nic.in
5. Eswaran S., Singh, Ajit (2008) " A Study of Effectiveness of In-service Education of Teachers ", All India Primary Teachers' Federation ,Janakpuri, New Delhi

ضرورت این امر نه فقط به این دلیل بود که این افراد صلاحیت و تجربه آموزشی ناچیزی داشتند، بلکه مأموریت کاری آن ها در وضعیت های بسیار دشواری صورت می گرفت که محیط تدریس و شرایط یادگیری نالاستواری بر آن حاکم بود. مراجعان به مدرسه، کودکان شاغلی بودند که تحصیل منقطع داشتند. کلید موفقیت، دل گرمی و شوقی بود که برای شیکشا کارمی ها فراهم آمده بود. این طرح ویژگی هایی داشت که در عین مختصر بودن، بسیار اساسی بودند:

- بالا بردن سطح آموزش ابتدایی، به ویژه در زمینه دانش و درک زبان، ریاضیات و علوم.
 - مجهز کردن انتخاب شدگان به مهارت های اساسی تدریس و ایجاد تفاهم بهتر بین مدرسه و جامعه و نیازهای کودکان و محیط.
 - تقویت همبستگی میان شیکشا کارمی ها، والدین و شاگردان مدرسه.
 - حمایت و تشویق فردی و حرفه ای شیکشا کارمی ها از طریق همیاری افراد برجسته، گروه های داوطلب محلی و مؤسسه های دولتی.
- شیکشا کارمی ها پیش از اجرای طرح، وضع روستا را بررسی می کردند و پیوسته تشویق می شدند که پایه معلومات و مهارت های کاری خود را از طریق مطالعه هدایت شده و خودآموزی بهبود بخشند. در طرح، خرید کتاب و سفرهای مطالعاتی برای آنان پیش بینی شده بود. علاوه بر آن، واحدهای رفع مشکل ناحیه ای و محلی، و انتشار مجله ای ماهانه برای آنان تدارک دیده شده بود. در هر شماره از این مجله، درس های مکتبه ای و راهنمایی هایی در زمینه مسائل علمی و اداری گنجانده می شد.

برای پرورش دانش آموزان به عنوان شهروندان جهانی و هماهنگ کردن آن ها با پیشرفت های دنیا، تجهیز آنان به زبان انگلیسی از دوره ابتدایی شروع می شود





دکتر احمد مختاریان

در این مقاله دربارهٔ دو بیماری «آلزایمر» و «فشار خون» توضیح می‌دهیم. این دو بیماری معمولاً پس از ۵۰ سالگی بروز پیدا می‌کنند. به همین دلیل، ممکن است خوانندگانی که سن آن‌ها کمتر است بر ما خرده بگیرند و طرح این موضوع را نابجا بدانند. اما از آنجا که این دو بیماری از گروه بیماری‌های بدون درمان (لاعلاج) هستند، داشتن اطلاعات دربارهٔ آن‌ها و در نتیجه پیشگیری از آن‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. و شعار ارزشمند «پیشگیری مهم‌تر و ارزان‌تر و ساده‌تر از درمان است» جامهٔ عمل خواهد پوشید.

آلزایمر

می‌شوند. علل و عوامل آلزایمر به درستی شناخته نشده‌اند، اما این بیماری در بعضی افراد رایج‌تر است؛ از جمله: افراد بالای ۵۰ سال، کسانی که دچار سکته مغزی شده‌اند، افراد کم‌سواد و کسانی که کار فکری آن‌ها کم و ناچیز است، افرادی که اشتغالات ذهنی زیاد دارند و کسانی که در معرض استرس و هیجان‌های زیاد قرار می‌گیرند.

تاکنون هیچ درمانی برای این بیماری یافت نشده است و داروها فقط اثر کنترل‌کننده یا کندکننده بیماری را دارند. البته پیشگیری از ابتلا به این بیماری و یا به عقب انداختن آن ممکن است. در این راستا: مهم‌ترین و اصلی‌ترین کار، استفادهٔ مکرر از حافظه است. مغز آدمی، مانند عضلات او، با فعالیت و کار، هم قدرت‌مندتر می‌شود و هم آمادگی خود را حفظ

این بیماری که در میان تودهٔ مردم به بیماری «فراموشی» معروف است، از بیماری‌های مربوط به دستگاه عصب مرکزی و مغز است. همان‌طور که می‌دانیم، یکی از کارکردهای مغز یادگیری و به خاطر سپردن مطالب و اطلاعات است که با اصطلاح «حافظه» از آن نام برده می‌شود. در بیماری آلزایمر فرد توانایی به یاد آوردن خاطرات، حوادث و اطلاعات گذشته را از دست می‌دهد و دچار فراموشی می‌شود. علت این موضوع، از بین رفتن تدریجی بافت مغز است که در نتیجه باعث کاهش حجم و به اصطلاح کوچک شدن مغز می‌شود. در این بیماری سلول‌های بخش مربوط به حافظه تخریب می‌شوند و از بین می‌روند و هر دو نوع حافظهٔ کوتاه‌مدت و بلندمدت دچار اشکال

هر چه از مغز
بیشتر استفاده کنیم،
تعداد سلول‌های بیکار آن کم
و تعداد سلول‌های فعال بیشتر
می‌شود. این یعنی رخ
ندادن فراموشی



خوردنی‌هایی مانند کشمش، توت سفید، حلوا، خرما، پسته، بادام، تخم‌مرغ، تخم آفتابگردان، انار و مانند آن‌ها، به دلیل داشتن مواد تقویت‌کننده مغز مثل ویتامین‌های ب و ای، تأثیرات مثبتی بر مغز دارند و نباید از خوردن آن‌ها، به ویژه در دوره جوانی، غفلت کرد.

پرهیز از پرخوری، پرخوابی و گوشت قرمز سلامت حافظه را تأمین می‌کند.

هوای آلوده به ویژه سرب موجود در هوا بر حافظه، به ویژه حافظه کودکان و نوجوانان، تأثیر منفی دارد.

خواندن کتاب و نوشته، به ویژه کتاب‌های شعر، تاریخ و داستان و کم کردن مدت مشاهده تلویزیون، بر حافظه تأثیر مثبت دارد.

خواب و استراحت کافی و مقداری ورزش در هفته و انجام بازی‌ها و کارهای فکری مانند حل جدول و پازل که جریان خون مغز را بهتر می‌کنند، اقدامات مناسبی برای پیشگیری از فراموشی هستند. این اقدامات زمانی بهترین نتیجه را خواهند داشت که قبل از ۵۰ سالگی و یا در آغاز آلزایمر صورت گیرند. در غیر این صورت، تنها راه کنترل این بیماری، استفاده از داروهایی است که پزشک متخصص اعصاب و روان توصیه می‌کند.

تا جوان هستید خود را در برابر این بیماری قدرتمند سازید که بعداً دیر یا غیرممکن خواهد شد.

می‌کند. با این تفاوت که عضلات در اثر کار و فعالیت قطورتر و قوی‌تر می‌شوند و می‌توان تغییرات آن‌ها را مشاهده کرد، اما درباره مغز فقط قدرتمندتر شدن آن رخ می‌دهد و بر حجم آن افزوده نمی‌شود. اما نکته بسیار جالب آن است که هر چه از مغز بیشتر استفاده کنیم، تعداد سلول‌های بیکار آن کم و تعداد سلول‌های فعال آن بیشتر می‌شود؛ این یعنی رخ ندادن فراموشی. شاهد این مطلب آن است که کسانی که به کارهای فکری مانند تحقیق و مطالعه و نگارش اشتغال دارند، خاطرات خود را برای دیگران تعریف می‌کنند، و به حل مسائل می‌اندیشند یا تدریس می‌کنند، کمتر دچار بیماری آلزایمر می‌شوند. به همین دلیل، به افرادی که بازنشسته شده‌اند و یا به مقام بلند پدربزرگی و یا مادربزرگی رسیده‌اند توصیه می‌شود با نقل خاطرات گذشته و یا گفتن داستان‌های بلند برای نوه‌های خود، هم در تربیت و انتقال فرهنگ به آن‌ها نقش مؤثرتر داشته باشند و هم خود را از ابتلا به این بیماری رنج‌آور دور کنند. نوشتن خاطرات زندگی و کاری نیز یک راه پیشگیری از این بیماری است.

متأسفانه امروزه دل‌مشغولی‌های متعدد و استرس‌های گوناگون بیش از پیش زمینه را برای بروز آلزایمر فراهم کرده است. چنانچه بتوان استرس را کاهش داد، شرایط پیدایش این بیماری نیز تا حدی از بین می‌رود.

فشار خون

این بیماری که امروزه به آن بیماری «پرفشاری خون» می‌گویند، خود را از طریق دستگاه قلبی عروقی به نمایش می‌گذارد.

قلب هنگام عمل پمپاژ خون دو نوع فشار پدید می‌آورد: یکی فشار ناشی از انقباض بطن‌ها که باعث خروج خون از قلب می‌شود و اصطلاحاً به آن «فشار سیستولیک» یا «فشار انقباضی» می‌گویند و دوم فشاری که ناشی از استراحت قلب است و باعث بازگشت خون از آئورت به قلب می‌شود. به این فشار «فشار دیاستولیک» یا «فشار بازگشتی» می‌گویند. این فشار با بسته شدن دریچه‌های ابتدای آئورت خنثا می‌شود. مقدار هر دو فشار اهمیت فراوان دارد. اگر فشار انقباضی زیاد شود، خطر پاره شدن مویرگ‌ها به ویژه در مغز، قلب، چشم و کلیه‌ها مطرح می‌شود و اگر فشار بازگشتی زیاد شود، خطر صدمه دیدن دریچه‌های آئورت پدید می‌آید.

بیماری پرفشاری خون در ابتدا هیچ علامت و نشانه‌ای ندارد، اما به مرور زمان، خطر ناهنجاری‌های شدید مانند سکته مغزی و انواع نارسایی‌های کلیه پدید می‌آید. هیچ علت خاصی برای این بیماری شناخته نشده است، اما وراثت و ژنتیک و

بیماری

پرفشاری خون در

ابتدا هیچ علامت و نشانه‌ای ندارد، اما به مرور زمان، خطر ناهنجاری‌های شدید مانند سکته مغزی و انواع نارسایی‌های کلیه پدید می‌آید

سبک زندگی و سن (معمولاً از ۵۰ سالگی به بعد) در پیدایش و شدت آن مؤثرند. وزن زیاد، کشیدن سیگار، نمک زیاد، استرس و گاهی بالا بودن چربی و قند می‌توانند عوامل تقویت کننده باشند. این بیماری هیچ درمانی ندارد و تا پایان عمر با فرد مبتلا همراه بود. پیشگیری بهترین کاری است که هر فردی می‌تواند انجام دهد:

- وزن خود را با ورزش و حجم مناسبی از غذا در حد متعادل نگه دارید.
- اگر سیگار می‌کشید، آن را برای همیشه ترک کنید
- مقدار نمک غذایتان را کاهش دهید.
- از استرس و فشار عصبی دوری کنید. از تفریحات استرس‌زا مانند مشاهده فیلم‌های اکشن و مسابقات فوتبال بپرهیزید.

● کنترل منظم وضعیت قلب و رگ‌ها را با مراجعه مرتب به پزشک، در برنامه سلامت خود داشته باشید.

در صورت بروز نشانه‌هایی مانند سرگیجه، گرگرفتن و تپش قلب، در ابتدا به پزشک متخصص کلیه و با صلاح دید وی به پزشک متخصص قلب مراجعه کنید.

درباره این بیماری سه نکته بسیار جالب وجود دارد: یکی اینکه علت افزایش فشارخون معمولاً هورمونی است که از کلیه‌ها ترشح می‌شود. در نتیجه متخصص کلیه می‌تواند ترشح این هورمون و حجم آب بدن را بررسی کند. دوم اینکه، در ایران اعدادی که نشانگر پیدایش یا اثبات این بیماری باشند وجود ندارند. اعداد مشهور ۱۴ روی ۸ و امثال آن، به آمریکا و اروپا مربوطاند، زیرا این اعداد برحسب نژاد و منطقه جغرافیایی تعیین می‌شوند و متأسفانه در کشور ما محققان در این باره کار نکرده‌اند و پزشکان حاذق و مجرب بیشتر براساس علائم و آزمایش خون و امثال آن‌ها قضاوت می‌کنند. ضمناً دقت داشته باشید که با افزایش سن، در مقدار قابل قبول و طبیعی این فشارها تغییراتی ایجاد می‌شود. سوم اینکه معمولاً افرادی که به این بیماری گرفتار می‌شوند، پس از گذشت چند سال، با آن سازگاری پیدا می‌کنند. این سازگاری خطرناک‌ترین مرحله بیماری است، زیرا می‌تواند با سکته‌های ناگهانی و ایست قلبی به مرگ منجر شود.



انتخاب مسئولیت ساز

مناخاطری

همان گونه که در بخش پیش گفته شد، یکی از بزرگ ترین دغدغه های معلم و مسئولان مدرسه، ایجاد انگیزش در دانش آموزان است. افزون بر این، تجربه نشان داده است که متوسل شدن به شیوه های گوناگون انگیزش بیرونی، شاید در کوتاه مدت کارآمد باشد، اما نمی تواند تأثیری پیوسته و همیشگی بر دانش آموزان بگذارد.

به همین دلیل، نخستین گام در مدیریت کلاس برقراری ارتباط اثربخش با دانش آموزان و مهم تر از همه شناخت پنج نیاز اساسی در انسان براساس نظریه انتخاب است. گلاسبر بر این باور است که نداشتن ارتباط ریشه همه مشکلات انسانی است. معلمی که نتواند با دانش آموزان خود ارتباط مؤثر برقرار کند، هرگز نمی تواند تأثیر ژرفی بر آنان داشته باشد و کلاس خود را به شیوه مطلوب مدیریت کند. دلیل اینکه از مدیریت کلاس صحبت به میان می آید این است که نخستین نقش معلم در کلاس، مدیر بودن است.

پیش از هر چیز بهتر است نگاهی کوتاه به پنج نیاز اساسی در انسان (براساس نظریه انتخاب) بیندازیم تا بدانیم چرا شناخت این نیازها در دانش آموزان ضروری است. براساس نظریه انتخاب، هدف از همه رفتارها، برآوردن یک یا چند نیاز اساسی است. نکته مهم دیگر این است که همه رفتارها در انسان هدفمند هستند. شاید با مشاهده رفتار دانش آموزان در کلاس درس، گاهی به خود گفته باشید که رفتار برخی از آنان بی معنی است. اما همان رفتار بی معنی نیز برای برآوردن نیازی است که آگاهانه یا ناآگاهانه صورت می گیرد.

این پنج نیاز عبارتند از: بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و سرگرمی.

معلمی که نتواند با دانش آموزان خود ارتباطی مؤثر برقرار کند، هرگز نمی تواند تأثیر ژرفی بر آنان داشته باشد و کلاس خود را به شیوه مطلوب مدیریت کند

●●● بقا

نخستین نیاز در انسان همانا نیاز به زنده ماندن است. به این منظور، همه ما نیازمند غذا، سرپناه و داشتن امنیت هستیم. افزون بر این، برای پایدار بودن، به بازآفرینی و تولیدمثل نیازمندیم. نیاز دانش آموزان در کلاس درس داشتن امنیت بدنی و عاطفی است. کلاسی می تواند این نیاز را برای دانش آموز برآورده کند که نظم در آن برقرار باشد و دانش آموز بتواند رویدادها را در آن پیش بینی کند. رعایت این نکته می تواند احساس امنیت را در دانش آموزان به وجود آورد.

●●● عشق و تعلق

نیاز دوم عشق و تعلق است. این نیاز و سه نیاز دیگر نیازهای روان شناختی به حساب می آیند. همه ما نیازمند اهمیت دادن به دیگران و دریافت توجه از سوی آنان هستیم. نیاز به عشق و تعلق شامل نیاز به برقراری و نگهداری ارتباط با دیگران، ارتباط های اجتماعی،

ابراز علاقه به دیگران و دریافت آن از اطرافیان و در نهایت احساس عضویت در گروه است. وقتی افرادی که برای ما اهمیت دارند، ما را می‌پذیرند، این تجربه احساس خوبی در ما ایجاد می‌کند. داشتن میل به دوست داشتن و دوست داشته شدن یکی از دلایل موفقیت در انسان است. بنابراین، می‌توان درک کرد که برقراری ارتباط در کلاس درس با دانش‌آموزان می‌تواند تأثیر ژرفی بر شیوه مدیریت مطلوب در کلاس داشته باشد.

●●● قدرت

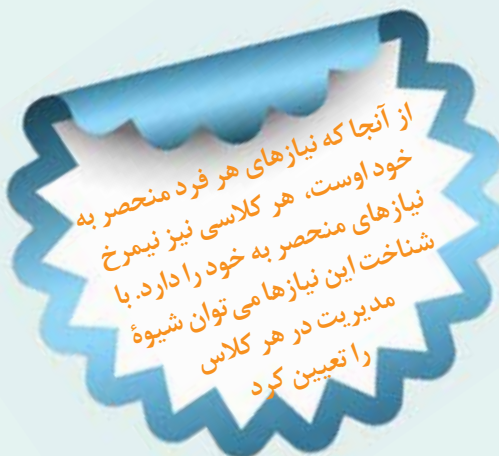
نیاز سوم، نیاز به قدرت است. قدرت نیازی است که گاهی معنای آن به درستی درک نمی‌شود و برای بسیاری از افراد بار منفی دارد. قدرتمند بودن به

معنای کسب موفقیت، احساس توانمند بودن، داشتن تسلط و مهارت در انجام کارها، و قدردانی و تأیید شدن است. افزون بر این، وقتی به حرف‌های ما گوش داده می‌شود و احساس ارزشمندی داریم نیز احساس قدرت می‌کنیم. زمانی که نتیجه مثبت کوشش‌های خود را می‌بینیم، احساس خوشایندی به ما دست می‌دهد و برعکس، شکست‌های پیوسته احساس ناخوشایندی و نداشتن قدرت را در ما ایجاد می‌کنند.

●●● آزادی

نیاز چهارم داشتن آزادی است که به معنای داشتن استقلال، خودمختاری، داشتن حق انتخاب و توانایی انتخاب شیوه زندگی است. به دو شیوه می‌توان به این نیاز نگریست:





بهتر رفتار یاری خواهد کرد. معلم در کلاس رفتاری را می‌پذیرد که اثربخش و مسئولانه باشد. رفتاری را می‌توان اثربخش نامید که نیازهای دانش‌آموز را برآورد و به رفتاری مسئولانه یا مسئولیت‌پذیر می‌توان گفت که مانع از برآورده شدن نیازهای دیگران نباشد. اما متأسفانه همیشه رفتارهای دانش‌آموزان اثربخش و مسئولانه نیستند. در این زمان‌هاست که معلم می‌تواند با شناخت نیازهای دانش‌آموزان، آنان را در انتخاب رفتارهای اثربخش و مسئولانه یاری کند. برای مثال، دانش‌آموزی که سر کلاس مشغول انجام کاری غیرتکلیفی است که معلم از او می‌خواهد یا دانش‌آموزی که در کلاس زیاد اظهار فضل می‌کند، گرچه نیاز به آزادی را در خود ارضا می‌کند، اما مانع می‌شود نیاز به قدرت (گوش داده شدن به وسیله دانش‌آموز) در معلم و نیازهای دانش‌آموزان دیگر تأمین شود. اینجاست که معلم می‌تواند با آگاهی از نیازها، شیوه مدیریت بدون زور و تهدید را در کلاس پیش بگیرد.

شناخت نیازهای اساسی در انسان پایه استواری برای ایجاد و مدیریت محیطی آموزشی با کیفیت بسیار بالا خواهد بود. درک نیازهای اساسی انسان‌ها ما را یاری می‌کند تا برای مدیریت کلاس و راهبردهای آموزشی منطقی به وجود آوریم که بر شیوه‌های ایجاد انگیزش بیرونی ناکارآمد و تلف‌کننده زمان تکیه نداشته باشد. معلم می‌تواند با شناخت این ویژگی‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای برآورده شدن نیازهای دانش‌آموزان، آنان را یاری کند تا رفتاری مسئولانه داشته باشند و احتمال رفتار ناکارآمد در کلاس کمتر شود. از آنجا که نیازهای هر فرد منحصر به خود اوست، هر کلاسی نیز نیمرخ نیازهای منحصر به خود را دارد. با شناخت این نیازها می‌توان شیوه مدیریت در هر کلاس را تعیین کرد.

* آزادی از درد، شرم‌منده شدن، زور شنیدن و کنترل شدن؛
* آزادی برای داشتن حق انتخاب در انجام کارها.

●●● سرگرمی

نیاز به سرگرمی به معنای داشتن فرصتی برای شادی، بازی و خنده است. بدون شک این نیاز نیز مانند چهار نیاز دیگر اهمیت دارد. زندگی را بدون داشتن امید و شادی تصور کنید. در این صورت، تا چه حد همه چیز خسته‌کننده و یکنواخت خواهد بود. به باور گلاس، یادگیری و داشتن سرگرمی رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند. پاداش آموختن تازه‌ها می‌تواند همان شادی و خرسندی باشد. ما انسان‌ها در سرگرمی‌ها و فعالیت‌های شادی‌آفرین خود به دنبال احساس خوشایند هستیم. افزون بر این، نیاز به سرگرمی ما را به سوی لذت بردن از کار نیز هدایت می‌کند. همه حیوانات از جمله دلفین‌ها، میمون‌ها و سگ‌ها، در بازی‌های خود مهارت‌های مهم در زندگی را می‌آموزند. انسان نیز در این زمینه با حیوانات تفاوتی ندارد. این گفته حقیقت دارد که «کار کودکان بازی کردن است».

شدت هر نیاز در انسان‌ها متفاوت است. به عبارتی، گرچه هر پنج نیاز در همه انسان‌ها وجود دارد، اما گاهی یک یا چند نیاز خاص در فردی غالب و در فردی دیگر کم‌رنگ‌تر است. از آنجا که همه رفتارها هدفمندند و هدف از هر رفتاری برآوردن یک یا چند نیاز است، شناخت نیازها در افراد، معلم را در درک

منابع

1. www.wikibooks.org/wiki/Classroom-Management-Theorists-and-Theories/William-Glasser
2. www.bruceedevport.com/quality-world.html

فناوری دست و پاگیر

ابزارهای فناوری در خدمت طراحی و اجرای طرح درس

سپیده شهیدی



همان گونه که پیش تر نیز به آن پرداختیم، استفاده از انواع ابزارهای فناوری در ارائه طرح درس، علاوه بر آنکه یادگیری را آسان می سازد، هیجان بیشتری در دانش آموزان ایجاد می کند و آموزش را به امری لذت بخش بدل می سازد. در اینجا نکاتی را یادآور می شویم که در طراحی و اجرای هر طرح درس موفق مبتنی بر فناوری مفیدند.

○ انتخاب ابزار فناوری مناسب از اهمیت زیادی برخوردار است. هنگام نوشتن طرح درس، ابتدا باید موضوع تدریس را کاملاً مشخص کنیم و با دقت به اهداف کلی و جزئی بپردازیم. پس از آن باید تعیین کنیم که برای رسیدن به اهداف آموزشی مان، کدام ابزار یا ابزارهای فناوری می توانند مفیدتر باشند. گاه ممکن است برای دستیابی به اهداف مجبور باشیم از ابزارهایی مثل وبلاگ، انیمیشن، بازی رایانه ای و موبایل استفاده کنیم.

○ پیش بینی زمان استفاده از ابزارها در طرح درس بسیار

مهم است. گاهی ممکن است لازم باشد در شروع تدریس، به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش، از آن استفاده کنیم، گاه در حین تدریس برای تعمیق و تفهیم بهتر مطالب و گاه به عنوان ابزاری برای جمع بندی، انجام تکالیف و ارتباط با معلم در خارج از مدرسه.

○ فناوری نیز مانند سایر ابزارها فقط در جهت بهبود یادگیری به کار می رود. بنابراین، اگر در هر بخش از طرح درس، جانشین مناسب تری پیدا کردیم، می توانیم از آن به جای فناوری استفاده کنیم.

برای مثال، اگر امکان آن وجود دارد که در درس علوم، دانش آموزان پدیده ای را در آزمایشگاه به صورت عینی مشاهده و آزمایش کنند، دیگر نیاز نیست که در طرح درس، استفاده از یک نرم افزار آزمایشگاه مجازی را بگنجانیم. از این نرم افزار می توان به عنوان جمع بندی، تکلیف منزل یا مرور درس در جلسه بعد استفاده کرد.

○ قبل از نوشتن و اجرای طرح درس باید مطمئن شویم که ابزار مورد نظر ما در اختیار همه دانش آموزان قرار داشته باشد. مثلاً اگر قرار باشد سؤالی به عنوان ایجاد انگیزش پیش از شروع درس در روز قبل برای دانش آموزان از طریق پیامک (اس ام اس) فرستاده شود، ابتدا باید اطمینان حاصل کرد که همه بچه ها به تلفن همراه دسترسی دارند.

○ دانش‌آموزان باید از قبل مهارت استفاده از ابزار را آموخته باشند. مثلاً اگر لازم است تکلیف را به صورت پاورپوینت انجام دهند، باید مطمئن شویم دانش و توانایی کافی برای استفاده از این نرم‌افزار را دارند.

○ شیوه‌های مدیریت کلاس حتماً باید در بخش‌های گوناگون طرح درس گنجانده شود تا از هدر رفتن وقت و پرت شدن حواس دانش‌آموزان به موضوعات جانبی در هنگام استفاده از ابزارهای فناوری جلوگیری شود.

نمونه سؤالات فهرست واری طرح درس

سؤال	جواب
آیا اهداف کلی و جزئی درس (دانش، مهارت و نگرش) برایم مشخص است؟	
آیا انواع راه‌های رسیدن به این اهداف را بررسی کرده‌ام؟	
آیا استفاده از فناوری بهترین گزینه برای رسیدن به این اهداف است؟	
آیا ابزارهای فناوری مورد نیاز را دقیقاً مشخص کرده‌ام؟	
آیا همهٔ این ابزارها در مدرسه در دسترس هستند؟	
آیا دانش‌آموزان در خانه یا مدرسه به این ابزارها دسترسی دارند؟	
آیا دانش‌آموزان مهارت استفاده از ابزارها را قبلاً آموخته‌اند؟	
آیا استفاده از ابزارها در عین خارج کردن فضای کلاس از یکنواختی، باعث تعمیق آموزش می‌شود؟	
آیا استفاده از ابزارهای فناوری، در جای جای طرح درس، به صورت مناسب پیش‌بینی شده است؟	
آیا لازم است در مدیریت کلاس، نسبت به گذشته، تغییراتی ایجاد کنیم؟	
آیا بازخورد دانش‌آموزان و نتیجهٔ کلاس این جلسه با جلسات دیگر تفاوت مثبت و چشمگیری داشت؟	

در شماره‌های دورهٔ پیشین مجله (۵ تا ۸) دربارهٔ مدیریت مؤثر کلاس در هنگام استفاده از فناوری مطالبی بیان شد که مطالعهٔ آن می‌تواند برای نوشتن یک طرح درس موفق مفید باشد.

○ طراحی و اجرای طرح درس براساس فناوری به این معناست که استفاده از این ابزارها در هنگام تدریس به گونه‌ای پیش‌بینی شده که بدون وجود آن‌ها اجرای طرح درس امکان‌پذیر نیست.

اینکه شیوهٔ تدریس، همان روش‌های قدیمی و گاه کسل‌کننده باشد و کنار آن مثلاً به جای نوشتن روی تخته، همهٔ مطالب را در یک پاورپوینت بنویسیم و به نمایش بگذاریم، استفادهٔ مؤثری از فناوری نیست و به پویایی کلاس نیز کمکی نخواهد کرد.

استفاده از این ابزارها باید به شیوه‌ای درست و در جای جای طرح درس به فراخور مطلب، پیش‌بینی شود تا باعث هیجان بیشتر و بهبود روند یادگیری شود.

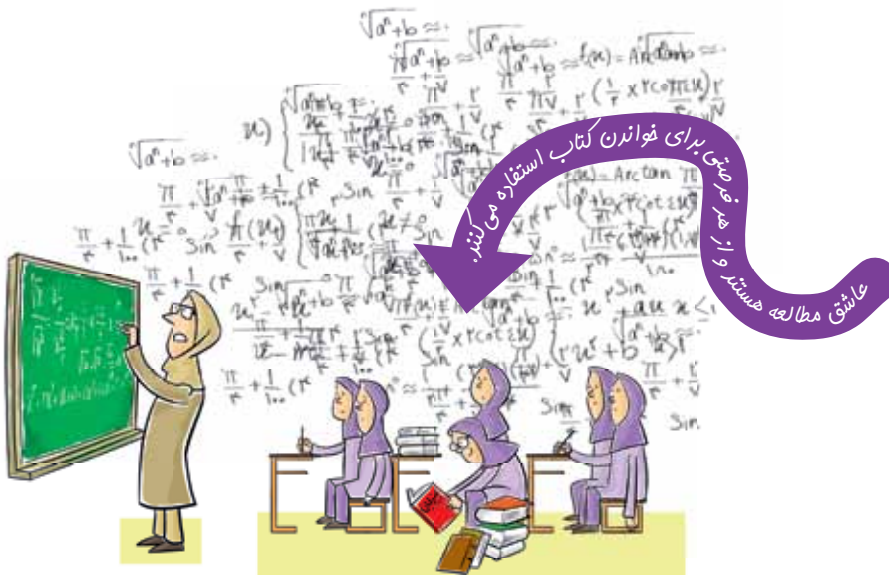
با پاسخ دادن به سؤالات فهرست وارسی (چک لیست) نمونه، می‌توان از مؤثر و مفید بودن طرح درس اطمینان بیشتری حاصل کرد.

پس از هر بار نوشتن و اجرای طرح درس می‌توان سؤالات جدیدی را نیز به این فهرست افزود.

اگر امکان آن وجود دارد که در درس علوم، دانش‌آموزان پدیده‌ای را در آزمایشگاه به صورت عینی مشاهده و آزمایش کنند، دیگر نیاز نیست که در طرح درس، استفاده از یک نرم‌افزار آزمایشگاه مجازی را بگنجانیم

سخنران شناسی

ما فخر کلامی قوی داریم. هر چند معنی آنهم را که حفظ می کنند ندارند.

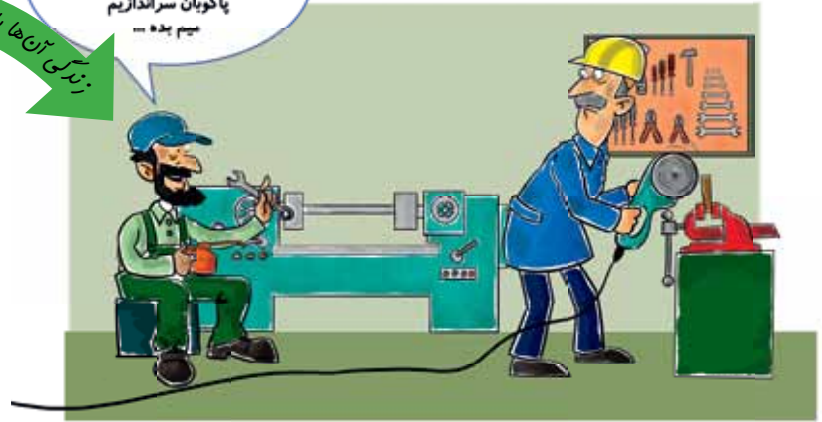


از هر فرصتی برای نوشتن استفاده می کنند.



زنگی آن‌ها با شعر و شاعری و مشاعره گره خورده است.

چو در دست است رودی خوش
بزن مطرب سرودی خوش
که دست ایشان غزل خوانیم و
پاکوبان سراندازیم
میم بده ...



یکی از شغل‌هایی که می‌توانید در آن موفق باشید، همی‌گری است.

بنی آدم اعضای یک پیکرند
یک پیکرند
یک پیکرند
بابا یک پیکرند...



ر اکثر موقعیت‌ها با لفظ قلم صحبت کردن، توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند.

در کهنسالی نسبت به اشتباهات ادبی، کلامی و نوشتاری و ... حساس می‌شوند.

سازمان یادگیرنده

کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۸۳



مخاطبان: مدیران و معاونان مدارس

مرکز برنامه ریزی و آموزش
نیروی انسانی و دفتر انتشارات و
تکنولوژی آموزشی برگزار می کنند:

بخش دوم

میزان ساعت: ۱۶ ساعت



لحظه ای که در یاد مانده

خیریه بیگم حائری زاده

یادگیری ماندگار نیاز به آزمون ندارد

اگر هر کدام از ما ۷۰ سال عمر کنیم، فقط ۱۷ درصد از آن را در مدرسه صرف کرده‌ایم. در صورتی که ۸۳ درصد عمر ما در خارج از مدرسه می‌گذرد. با این حساب، اساسی‌ترین شیوه آموزش این است که بکشیم به یادگیرندگانی مادام‌العمر تبدیل شویم؛ یادگیرندگانی که یاد می‌گیرند بدون آزمون‌های پی در پی و بدون معلم‌های تضمین شده، یاد بگیرند. یادگیرندگانی که شور و شوق یادگیری‌شان همواره حفظ می‌شود و می‌توانند در موقعیت‌های واقعی زندگی به حل مسئله بپردازند.

مسائل کوچک و بزرگ زندگی واقعی آماده نمی‌کنند بنابراین احساس می‌کنیم که تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی ما را برای زندگی آماده نمی‌کنند. همین جاست که دست از یادگیری می‌کشیم.

اگر مدارس ما بیش از همه به پرورش این ارتباط بین زندگی و یادگیری متعهد می‌شدند، دنیا حسی بسیار متفاوت از دنیای فعلی داشت. در چنین دنیایی، بین «مدرسه»، «کار» و «زندگی» مرزی نیست. نوجوانان بیشتر وقت خود را به یادگیری در مدرسه یا خارج از دیوارهای مدرسه می‌گذرانند و پروژه‌هایی انجام می‌دهند که برایشان معنای واقعی دارد.

مسلماً با این سرعت رو به افزایش تغییر، ما به سمت چنین دنیایی در حرکت هستیم؛ چه برای آن آماده باشیم چه نباشیم. بعضی از منتقدان می‌گویند که این تغییرات وجود مدارس را ناکارآمد می‌سازد. ما فکر می‌کنیم واقعیت دقیقاً عکس این است. بچه‌ها همیشه برای یادگیری به جایی امن نیاز دارند. همیشه به

می‌شود که قبلاً از وجودشان بی‌اطلاع بودید. خاطره این افراد و این لحظات در ذهن ما ثبت می‌شود.

چرا چنین تجربه‌هایی قدرتمندند؟

شاید به این علت که این گونه تجربه‌ها بخشی از حق طبیعی مشترک ما انسان‌ها هستند. ما در طول زندگی هنگامی که شرایط اطرافمان تغییر می‌کند، با ابتکارات و چالش‌های جدید کوچک و بزرگی مواجه می‌شویم که اگر برای مواجهه با آن‌ها آماده باشیم، زندگی و یادگیری از هم تفکیک‌ناپذیر می‌شوند. باید در نظر داشته باشیم که همه ما با میل شدید به یادگیری به دنیا می‌آییم و این میل با قرار گرفتن در محیط‌هایی مانند مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها رفته‌رفته رنگ می‌بازد چرا که در این محیط‌ها از ما خواسته می‌شود تا برای مسائلی از پیش تعیین شده، پاسخ‌های محدودی را به خاطر بسپاریم. این مسائل از پیش تعیین شده ما را برای مواجهه با

تعلیم و تربیت پر کردن سطل نیست، روشن کردن آتش است.

زهره سال آخر دکترای زیست‌شناسی را می‌گذرانند. او می‌گوید آتش عشق به زیست‌شناسی آنگاه در وجودش شعله‌ور شد که در این درس یک پروژه داشت. موضوع پروژه او فتوسنتز بود. برای این کار کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی را مطالعه کرد. به گلخانه رفت و ساعت‌ها با مسئول آنجا گفت‌وگو کرد. موفق شد از یک محقق زیست‌شناسی وقت بگیرد، از او درباره موضوع پروژه‌اش مطالبی بیاموزد و یافته‌های خود را با او در میان بگذارد. و این چنین انجام موفق یک پروژه باعث شد تا او بخواهد تبدیل به یک محقق حرفه‌ای در زمینه زیست‌شناسی شود. بسیاری از شما تجربه‌های مشابهی دارید. وقتی کسی تخیل شما را با اطلاعاتی جدید تحریک می‌کند، تاری را در عمق وجودتان به ارتعاش درآورده است انگار که درهایی به رویتان گشوده

کنند، خودشان نتیجه بگیرند، علاوه بر پیروی از سیاست‌های کلی، رهبری هم بکنند، با امنیت موارد مشکل ساز را مورد سؤال قرار دهند، و برای کسب شایستگی بیشتر آماده باشند تا در موقعیت‌های آینده خطر کنند. افراد یک سازمان یادگیرنده تا اندازه مطلوبی ریسک پذیر هستند بنابراین می‌توانند با اعتماد به نفس هنجارها را مورد تردید قرار دهند. هنجارهایی که مانع توسعه سازمان است را از میان بردارند و به جای آن‌ها هنجارهای نوینی را بنیان کنند.

سازمان‌ها و جوامع یادگیرنده به افرادی با چنین ویژگی‌هایی نیاز دارند. مدارس یادگیرنده نیز دانش‌آموزانشان را این‌گونه هدایت می‌کنند؛ یعنی نه تنها برای کارکنان بلکه برای دانش‌آموزان هم فرصت‌هایی فراهم می‌کنند تا با اختیار بیشتر عمل کنند، پیامد اعمال خود را پیش‌بینی کنند و علاوه بر پیروی از قوانین، برای ایجاد قوانین جدید نیز به اندازه کافی ریسک پذیر باشند. در غیر این صورت نمی‌توانند آنان را برای دنیای در حال پیشرفت که در آن زندگی خواهیم کرد، به اندازه کافی آماده کنند.

پنج اصل کلیدی یادگیری سازمانی، «اصلاحات» یا «برنامه‌هایی» نیستند که از بیرون تحمیل شده باشند، بلکه مجموعه‌هایی هستند که افراد سازمان، هم به صورت فردی و هم جمعی، آن‌ها را انتخاب می‌کنند و درباره آن‌ها مطالعه و تمرین مداوم انجام می‌دهند. تنها در این صورت است که پنج اصل یادگیری، برای مواجهه با وضعیت‌های دشوار و فشارهای آموزشی امروزی، کمک‌کننده خواهند بود.

به سازمان‌هایی یادگیرنده، روی هم انباشته شده است. بخش زیادی از این تجربه‌ها با نام‌های دیگری رخ داده است: «اصلاح مدارس»، «مدارس مؤثر»، «نوسازی آموزشی»، «تفکر نظام‌مند در کلاس درس» و از این قبیل. از این میان، نتایج تلاش‌های سازمان یادگیرنده، به توسعه‌های قابل توجهی منجر شده است.

تلاش در درک سازمان یادگیرنده و تأملی عمیق به ما کمک می‌کند دنیای مدرسه را به گونه‌ای ببینیم که قبلاً نمی‌دیدیم. در این صورت می‌توانیم به طور مؤثرتری در آن عمل کنیم یا آن را تغییر دهیم. هیچ مدرسه اول یادگیرنده‌ای وجود ندارد. هیچ مدرسه‌ای نیست که مسائلش را طوری حل کرده باشد که بقیه ما بتوانیم راهشان را کپی کنیم. در واقع، تجربه هیچ مدرسه‌ای را نمی‌توانیم درست به موقعیت دیگری تعمیم دهیم. همه مدارس و موقعیت‌هایشان بی‌همتا هستند و به ترکیب بی‌همتای خودشان از نظریه، ابزار و روش‌های یادگیری نیاز دارند.

در بحث از مدارس یادگیرنده، دیدمان را به مدارس امروزی محدود نمی‌کنیم؛ حتی به ساختمان مدارس نیز خودمان را محدود نمی‌سازیم. مدرسه، آن‌گونه که ما آن را درک می‌کنیم، نقطه اتکایی برای تحول آموزشی و اجتماعی است.

پنج فرمان (اصل) یادگیری

در هر سازمان یادگیرنده، از افراد می‌خواهند تا با اختیار بیشتری عمل

سکوی پرتابی نیاز دارند تا از آنجا کنجکاوی‌شان را در دنیایی بزرگ‌تر دنبال کنند. ممکن است این جای امن، شبیه به مدارس امروز باشد یا نباشد. ولی جایی است که در آن همه، پیر و جوان، می‌توانند چگونگی یاد گرفتن را یاد بگیرند. اگر می‌خواهیم دنیا بهتر شود، به مدارس یادگیرنده نیاز خواهیم داشت.

مدرسه یادگیرنده

ایده مدرسه‌ای که می‌تواند یاد بگیرد، در چند سال اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته است. به تدریج روشن می‌شود که مدارس را، نه با بخشنامه و دستور و نه با وضع مقررات، بلکه با جهت‌گیری یادگیرنده می‌توان دوباره خلق کرد، سرزنده ساخت و به طور پایدار بازسازی کرد. یعنی باید همه افراد مدرسه را با هم در بیان آرزوها، کسب آگاهی و توسعه شایستگی‌هایشان فعال کرد. در مدرسه‌ای که یاد می‌گیرد، افرادی که ممکن است در نظام مدرسه‌های معمولی نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد باشند. (والدین و معلمان، مربیان و مدیران، افراد درون و بیرون دیوارهای مدرسه، دانش‌آموزان و بزرگسالان) مسئولیت خویش را در آینده نهاد مدرسه و آنچه می‌توانند از یکدیگر یاد بگیرند، قبول می‌کنند.

ولی رویکرد «سازمان یادگیرنده» به آموزش، چیزی بیش از امر به کار و گفت‌وگو کردن با هم است. تاکنون بیش از دو دهه تجربه ارزشمند بین صدها مدرسه و هزاران فرد در تمرین خلق دوباره مدارس برای تبدیل شدن

تسلط شخصی

تسلط شخصی^۱ تمرین به زبان آوردن تصویری منسجم از چشم‌انداز شخصی شماست؛ نتایجی که بیش از همه مایلید در زندگی خود خلق کنید؛ البته ضمن ارزیابی واقع‌بینانه از واقعیت جاری زندگی امروزتان. این تمرین نوعی فشار درونی ایجاد می‌کند و بر ظرفیت شما برای اینکه تصمیم‌های بهتری بگیرید و به نتایج بهتری برسید، می‌افزاید.

تمرین تسلط شخصی در کلاس درس و کارگاه‌های آموزشی که برای کارکنان، معلم‌ها و کارشناسان سازمان‌ها برگزار می‌شود، اولین قدم در ایجاد سازمان یادگیرنده است. نمونه‌ای عملی از تمرین تسلط شخصی در یک کلاس دبیرستانی را در زیر مطالعه می‌کنیم:

دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان، زنگ دوم روزهای دوشنبه درس پرورشی دارند. این زنگ همیشه برای بچه‌ها جذابیت و شور و هیجان خاصی دارد. خانم هاشمی، مشاور مدرسه، همراه با خانم محمدی، مدیر مدرسه، مسئولیت اداره این کلاس را بر عهده دارند. فعالیت این هفته آن است که همه دانش‌آموزان در کلاسی که جوی آرام و قابل اعتماد دارد، تصویری از چشم‌انداز خود ارائه دهند. معلم قدم به قدم دانش‌آموزان را هدایت می‌کنند تا بتوانند ضمن ارزیابی واقع‌بینانه از خود، تصویر دلخواه پنج یا ده سال بعد خویش را ارائه دهند. مشاور مدرسه از این نتایج برای تعیین رشته دانش‌آموزان و کمک به آنان در تنظیم برنامه درسی‌شان استفاده

می‌کند. مسئولان مدرسه برای ایجاد شور و شوق و انگیزه تلاش بیشتر دانش‌آموزان، از این اطلاعات بهره می‌گیرند. طبیعی است مربیان کلاس می‌کوشند شرایطی ایجاد کنند که دانش‌آموزان بتوانند با احساسی خوشایند و در شرایطی امن تصویر دلخواه آینده خویش را ترسیم کنند. به همین علت ابتدا از آن‌ها می‌خواهند یکی از بهترین خاطرات گذشته خویش را به یاد آورند و سعی کنند همان احساس را در خود زنده نگه دارند. سپس با آن احساس خوشایند و با چشمان بسته، در ذهن خویش به

زندگی ۵ یا ۱۰ سال آینده خویش قدم بگذارند، سعی کنند از آن فیلم‌برداری ذهنی کنند. بعد در این تصویر ذهنی، به چند سؤال پاسخ دهند:

- بودن در آن موقعیت چه حسی دارد؟
- مشغول چه کار(هایی) هستید؟
- چه توانایی‌هایی دارند؟
- با چه کسانی در ارتباط هستند؟
- در چه رشته‌ای مشغول تحصیل هستند؟
- و...



شکل ۱

همه مدارس و
موقعیت‌هایشان بی‌همتا
هستند و به ترکیب بی‌همتای
خودشان از نظریه، ابزار و
روش‌های یادگیری نیاز دارند

آموزش ضمن خدمت

سپس چشمانشان را باز می‌کنند و آنچه را از این تصویر ذهنی به یاد دارند روی کاغذ می‌آورند. در این مرحله باید واقعیت فعلی را با آنچه در تصویر ذهنی موجود است، مقایسه کنند و از فاصله آن آگاه شوند.

فاصله واقعیت جاری از چشم‌انداز شخصی موجب تنش خلاق می‌شود. این تنش معمولاً با تصویر یک نوار کشی، مانند شکل ۱، نشان داده می‌شود.

در واقع، ما در چشم‌اندازمان تصویری از آینده داریم که برای رسیدن به آن در عالم واقع، تغییراتی در واقعیت جاری لازم است. برای نایل شدن به آن چشم‌انداز، باید توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش را ارتقا دهیم.

همین که چشم‌اندازتان را پالایش و آگاهی روشن‌تری از واقعیت جاری کسب می‌کنید، تنش بین آن دو قوی‌تر می‌شود.

این سیستم مانند نواری کشی که به دنبال تعادل است، کشیده می‌شود تا تنش را از بین ببرد. یک سر نوار به طور طبیعی به طرف سر دیگر حرکت خواهد کرد. اگر بتوانید چشم‌اندازتان را بالاتر از واقعیت جاری نگاه دارید و تنش فشرده شود، حتی وقتی که شکاف بین چشم‌انداز و واقعیت جاری تان دور از دسترس به نظر می‌رسد، واقعیت جاری به طرف چشم‌اندازتان حرکت خواهد کرد.

در مدارس یادگیرنده، مدیران، مربیان و دانش‌آموزان فرصت می‌یابند در مورد چشم‌اندازشان گفت‌وگو کنند. همه به دنبال تنش خلاق هستند.

این تنش موجب رشد توانایی‌های کارکنان و دانش‌آموزان می‌شود. محیط مشوق این امر است که همه توانایی دستیابی به استانداردهای بالاتر را دارند و شرایط برای رسیدن به آن‌ها قابل تأمین است.

چشم‌انداز مشترک

افراد دارای هدف مشترک (مثلاً معلمان، مدیران و کارکنان مدرسه) می‌توانند بیاموزند که با تدوین تصاویر مشترک از آینده‌ای که به دنبال ایجاد آن هستند و با اصول و تمرین‌های هدایتگری که امیدوارند آن‌ها را به آن آینده برسانند، حس تعهد در گروه و سازمان را پرورش دهند.

مدرسه یا جامعه‌ای که امیدوار است با یادگیری زندگی کند، به فرایند چشم‌انداز مشترک^۲ نیاز دارد.

یک مجتمع آموزشی در تهران که بنا دارد به مدرسه‌ای یادگیرنده تبدیل شود، اصول پنج‌گانه مدرسه یادگیرنده

(تسلط شخصی، چشم‌انداز مشترک، الگوهای ذهنی، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی) را در نظر دارد و در کلاس‌های درس، جلسات معلمان و کارکنان و جلسات انجمن اولیا و مربیان، به تمرین این اصول می‌پردازد. مدیران، کارکنان و دبیران این مجتمع، در یکی از دوره‌های آموزشی، چشم‌انداز ۱۰ ساله خویش را تعیین کردند. در تدوین این چشم‌انداز همه کارکنان از خدمات تا نیروهای اداری، اجرایی و آموزشی شرکت داشتند.

آن‌ها برای رسیدن به چنین هدفی، ساعت‌ها مطالعه کرده‌اند و چندین روز را در کارگاه‌های آموزشی گذرانده‌اند تا به درک مشترکی از مفهوم چشم‌انداز برسند. این چشم‌انداز در ضمن اینکه واقع‌بینانه است، به اندازه کافی چالش‌برانگیز نیز خواهد بود. همه باید متعهد شوند برای رسیدن به چشم‌انداز مشترکشان بکوشند.

آن‌ها همگی امیدوارند که با خلق این چشم‌انداز مشترک، مدرسه تنها محل کار آنان نباشد، بلکه جایی باشد که آرمان و آرزویشان را محقق می‌سازد. آنان برنامه‌های خود را براساس این چشم‌انداز مشترک تنظیم کرده‌اند.

روزمرگی جای خود را به نشاط و تکاپو داده است. روابط افراد در گروه‌ها نیز تغییر کرده است و نوعی حس تعلق نسبت به محیط احساس می‌شود. وقتی مشکلی پیش می‌آید، گروه با یادآوری چشم‌انداز مشترک، به حل آن می‌پردازد. به نظر می‌رسد شجاعت در برخورد با مشکلات و اقدام به حل آن‌ها بیشتر شده است.

الگوهای ذهنی

این فرمان بر مهارت‌های تعمق و پرسش‌گری حول توسعه آگاهی از نگرش‌ها و ادراکات متمرکز است؛ نگرش‌ها و ادراکات خود و افراد اطراف. کار با الگوهای ذهنی^۳ به شما کمک می‌کند واقعیت جاری را روشن‌تر و صادقانه‌تر توضیح دهید. در واقع زندگی بدون الگوی ذهنی غیرممکن است ولی خطا اینجاست که احساس کنیم الگوهای ذهنی ما همان حقایق غیرقابل انکار و غیرقابل تردید هستند. همه ما با عینک خاصی به دنیا می‌نگریم. ما معمولاً متوجه حضور این عینک نیستیم. فرمان الگوهای ذهنی به ما می‌آموزد تا از این عینک آگاه شویم. پس از آگاهی در صورت لزوم، این الگوها را اصلاح کنیم یا تغییر دهیم.

از آنجا که الگوهای ذهنی در آموزش غالباً «غیرقابل بحث» و از نظرها پنهان هستند، یکی از فعالیت‌های حیاتی هر مدرسه یادگیرنده این است که توان گفت‌وگوی بی‌خطر و پربار درباره موضوعات خطرناک و گیج‌کننده را بیفزاید. روشن شدن الگوهای ذهنی، الگوهایی که از دید ما پنهان هستند، احتیاج به محیطی امن دارد تا افراد بتوانند بدون ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن، الگوی ذهنی خویش یا نوع نگرش‌شان به واقعیت‌های اطراف را بیان کنند.

مدیران، کارکنان و دبیران مدرسه در کارگاه‌های آموزشی به این واقعیت پی برده‌اند که الگوهای ذهنی، به اعمال ما شکل می‌دهند. بنابراین،

آنان به دنبال راهی هستند تا الگوهای ذهنی خود را آشکار سازند. آن‌ها به این باور رسیده‌اند که اگر الگوهای ذهنی‌شان این باشد که دانش‌آموزی ضعیف است، او واقعاً عملکرد ضعیفی خواهد داشت و برعکس، اگر الگوهای ذهنی‌شان این باشد که دانش‌آموزی قوی است، آن دانش‌آموز واقعاً عملکرد خوبی خواهد داشت. به عبارت دیگر هر یک از این برجسب‌ها (دانش‌آموز قوی یا دانش‌آموز ضعیف) موجب می‌شود تا ما امکان تغییر را از خود سلب کنیم. ولی اگر بگوییم این دانش‌آموز مثلاً در درس ریاضی احتیاج به تمرین بیشتر دارد، آنگاه از امکان تغییر وضعیت حرف می‌زنیم.

معلم‌ان مدرسه فوق تصمیم گرفتند با شرکت در کارگاه‌های آموزشی، درباره الگوهای ذهنی یا نگرش‌های خود بحث و تبادل نظر کنند.

همزمان معلم‌ها در گروه‌های آموزشی یک به یک به ارائه درس^۴

پرداختند. حین و بعد از ارائه هر درس، سایرین نظر خود را برای اصلاح موارد مبهم یا درک‌نشده ارائه می‌دادند. از این رهگذر، بر کیفیت و خلاقانه شدن درس‌ها نیز افزوده می‌شد. خانم خسروی می‌گوید سال‌ها بود که مفهوم اختلاف پتانسیل در فیزیک را در کلاس سوم تجربی درس می‌دادم و غالباً دانش‌آموزان از سختی درس می‌نالیدند. بعد از ارائه این درس در گروه، نه تنها متوجه ایراد کارم شدم بلکه از مثالی که خانم خیرزاده زدند استفاده کردم و کلاس با شور و شوق پیش رفت. دیگر نه تنها گله‌ای نبود، بلکه کسی صدای زنگ تفریح را هم نشنید. الگوهای ذهنی من درباره این مفهوم ابتدا روشن و سپس اصلاح شد. توصیه خانم خیرزاده این است که برای فهم مفاهیم فیزیک در کلاس‌های رشته تجربی باید از مثال‌های کاربردی همان رشته استفاده کنیم. مثلاً برای درک اختلاف پتانسیل می‌توان گفت:

آموزش ضمن خدمت





آموزش ضمن خدمت

کامپیوتر، آشپزی و خبرنگاری. دانش‌آموزان هر کلاس فرصت دارند تا مهارت‌های انتخاب و تصمیم‌گیری را در شرایطی واقعی تمرین کنند. آنان باید از بین خود افراد شایسته در هر رشته را انتخاب کنند و بعد برای شرکت در مسابقات با هم همکاری کنند.

دانش‌آموزان هر کلاس در قالب گروه‌های کاری برای مسابقه آماده می‌شوند. معیارهای هر مسابقه به اطلاع آنان می‌رسد. شورای عمومی مدرسه و شورای دانش‌آموزان هر سال دو مفهوم را تعیین می‌کنند که تمام مسابقات باید حول محور این دو مفهوم باشند. در طول مسابقات، دانش‌آموزان هر کلاس به مثابه گروهی واقعی، با انگیزه و هدف می‌کوشند تا موفق شوند. در پایان کلاسی برنده است که کار گروهی منسجم‌تر و قوی‌تری داشته است. لذت این کار گروهی فراتر از هر نوع پاداشی است.

از تکنیک‌هایی از جمله گفت‌وگو^۶ و بحث ماهرانه، گروه‌های کوچک می‌توانند تفکر جمعی‌شان را تغییر دهند، یاد بگیرند که انرژی و اعمال‌شان را برای رسیدن به اهداف مشترک گرد هم آورند و هوش و توانایی بزرگ‌تری نسبت به استعدادهای فردی اعضای تیم، ایجاد کنند.

یادگیری گروهی^۷ را می‌توان در کلاس درس، بین اولیا و معلمان، بین افراد محل و در «گروه‌های آزمایشی» که به دنبال تحول موفق در مدرسه هستند، پرورش داد.

مدرسه‌ای که در این مقاله از آن یاد می‌کنیم، برای توسعه یادگیری گروهی از هر فرصتی استفاده می‌کند. هر سال در دهه فجر، دانش‌آموزان به صورت کلاسی با هم مسابقه می‌دهند. اعضای هر کلاس در ده مسابقه شرکت می‌کنند. این مسابقات عبارت‌اند از: ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، تئاتر، هنر مفهومی، سرود، قرآن،

«با تغییر اختلاف پتانسیل بین دو طرف غشای سلول عصبی، پیام‌های عصبی در آن ایجاد می‌شود و سپس انتشار می‌یابد». دانش‌آموزان رشته تجربی با این مثال انگیزه پیدا می‌کنند که روی مفهوم اختلاف پتانسیل دقت و مطالعه بیشتری بکنند.

در گروه کاری معاونان، آنان با استفاده از نمونه‌های کاری^۵ الگوهای ذهنی خود را در مورد تشویق، تنبیه و شیوه تذکر دادن به دانش‌آموزان، روشن و سپس اصلاح کردند. این شیوه در تمام سطوح سازمانی به کار گرفته شد. آنان دریافته بودند که بدون روشن‌سازی الگوهای ذهنی خود نمی‌توانند به اصلاح آن بپردازند. رسیدن به چشم‌انداز مشترک، آنان را ملزم می‌ساخت که به اصلاح الگوهای ذهنی خود بپردازند.

یادگیری گروهی

این فرمان مبتنی بر ارتباط متقابل گروهی است. با استفاده



یکی از فعالیت‌های حیاتی هر مدرسه یادگیرنده این است که توان گفت‌وگوی بی‌خطر و پرثمر درباره موضوعات خطرناک و گیج‌کننده را بیفزاید

متصل شدن» است. نمونه‌هایی از سیستم‌ها (به غیر از دفتر مدیر مدرسه / سرپرست منطقه) ارگان‌های زیست‌شناختی / زیستی (شامل بدن انسان)، جو / اتمسفر، بیماری‌ها، عوامل بومی، کارخانه‌ها، واکنش‌های شیمیایی، هویت‌های سیاسی، صنایع، خانواده‌ها، تیم‌ها و همه سازمان‌ها را شامل می‌شود. درون هر منطقه آموزشی، محل یا کلاس درس، ممکن است تعداد زیادی سیستم‌های متفاوت وجود داشته باشند که ارزش توجه کردن را دارند: فرایند نظارت منطقه، تأثیر سیاست‌های خاص، ارتباط مدیریت کار، تدوین برنامه درسی، رویکردهای منضبط کردن دانش‌آموزان و حالت‌های متداول رفتار کارکنان. زندگی هر کودک یک سیستم است. هر روش آموزشی یک سیستم است. مدیران، کارکنان و دبیران مدرسه با شرکت در کارگاه‌های آموزشی به این درک رسیده‌اند که مدرسه یک سیستم است که در آن هم خود اجزا و هم تأثیری

تفکر سیستمی

در این فرمان افراد می‌آموزند که وابستگی متقابل و تحول را بهتر درک کنند و به موجب آن بتوانند با نیروهایی که پیامدهای اعمالشان را شکل می‌دهند، مؤثرتر مقابله کنند. تفکر سیستمی^۸ تمرینی قوی برای یافتن نیروی اهرمی لازم برای ایجاد سازنده‌ترین تحول است. به قول ارشمیدس که می‌گفت: «اهرمی به اندازه کافی بلند به من بدهید تا جهان را تکان دهم.» تفکر سیستمی هم به ما کمک می‌کند تا سازمان یا مدرسه خویشتن را به طور عمیق متحول سازیم.

اکثر مدارس در ماجراهای روزمره غرق‌اند. نشستن در دفتر مدیر و گوش دادن به تلفن‌هایی که به دفتر می‌شود، شگفت‌انگیز است. به نظر می‌رسد هر رویدادی یک پاسخ فوری می‌طلبد. بچه‌ای در حیاط مدرسه زخمی شده است، بنابراین یک بازرس بیرونی مأمور رسیدگی می‌شود. پدر یا مادر معلمی قبل از دوره مروری نیم‌ترم فوت کرده است و معلم جانشین قابل‌وجود ندارد. بنابراین، برنامه امتحانی تغییر می‌کند. هر بار مدیر (یا یکی دیگر از کارکنان) کار قهرمانانه‌ای در حل مشکل انجام می‌دهد: سریع‌ترین تشخیص ممکن و یافتن فوری‌ترین راه‌حل. ولی خیلی امکان دارد که ضرر هر حل مشکل سریع

بیشتر از نفعش باشد. به علاوه، عکس‌العمل سریع به هر رویداد و حل مسائل به همان سرعتی که به وجود می‌آیند، زمینه رشد فرهنگ کمبود توجه^۹ در نظام مدرسه را ایجاد می‌کند. با حرکت سریع از یک مسئله به مسئله بعدی، افراد به جای کسب مهارت در جست‌وجوی روش‌هایی برای جلوگیری از بحران، در حل آن بسیار ماهر می‌شوند. در این نوع فرهنگ، تقریباً غیرممکن است که افراد به طور شفاف و بی‌رودربایستی درباره مشکلات و دغدغه‌های یکدیگر صحبت کنند؛ این حرف‌ها در نهایت «بی‌ربط» تلقی می‌شوند.

فرمان تفکر سیستمی به روشی متفاوت به اهداف و مسائل می‌نگرد؛ نه به صورت رویدادهای مجزا از هم بلکه به صورت اجزای ساختارهای بزرگ‌تر. بالاخره، دفتر مدیر مدرسه (سرپرست منطقه) یک نظام است متشکل از عادات و نگرش‌های افرادی که در آن کار می‌کنند. سیاست‌ها و روش‌هایی که دولت و جامعه برای آن تعیین می‌کنند و نیروهای جایگزین ناشدنی از جمله پول و جمعیت دانش‌آموزی.

نظام به هر کل قابل رویتی گفته می‌شود که عواملش «دست به دست هم داده‌اند»^{۱۰}؛ چون در طول زمان به طور مستمر بر هم اثر می‌گذارند. کلمه سیستم^{۱۱} از ریشه یونانی^{۱۲} به معنای «باعث با هم ایستادن / به هم



که این اجزا بر هم می‌گذارند، مهم است. برای درک بهتر این مفهوم آنان از روش ایفای نقش استفاده می‌کنند. هر کس نقشی را به عهده می‌گیرد که با آن آشنایی کمتری دارد.^{۱۳} ابتدا شرح وظایف نقش جدید خود را مطالعه می‌کند و در قالب نمونه‌ای کاری، به ایفای آن می‌پردازد. در این تمرین، از گردش شغلی استفاده می‌شود. به طور معمول، افراد کمتر می‌توانند تصویری کلی از سیستم مدرسه داشته باشند. هر کس به جز خویش می‌اندیشد و خطا اینجاست که آن جز خود را مهم‌تر از بقیه اجزا بداند. همین تصور باعث می‌شود که زیرگروه‌های غیررسمی شکل گیرد و افراد نسبت به هم دچار سوءتفاهم و مانع پیشرفت امور شوند؛ به عبارت دیگر، چوب لای چرخ یکدیگر بگذارند. پس از پایان تمرین، افراد در فرصتی خارج از زمان کاری، تجربه‌های خود را بیان و آنچه را بر آنان گذشته است تحلیل می‌کنند. سایر افراد که شاهد اجرا بوده‌اند نیز مشاهدات خود را بازگو می‌کنند و برای بهتر انجام شدن امور ایده می‌دهند.

حداقل نتیجه این تمرین آن است که افراد نسبت به شغل‌های متفاوت در مدرسه، آگاهی و درک بیشتری کسب می‌کنند و کارها را با همدلی بیشتری پیش می‌برند.

تفکر سیستمی همچنین به تحلیل دقیق‌تر امور کمک می‌کند. مسائلی که به طور روزمره با آن درگیر هستیم، تنها لایه‌ای سطحی از واقعیت جاری را نشان می‌دهند. تفکر سیستمی به ما می‌آموزد در پشت

این لایه سطحی به کشف الگوهای ذهنی بپردازیم که باعث وقوع شرایط فعلی شده است. مثلاً می‌بینیم که نمرات گروهی از دانش‌آموزان در درس خاصی افت کرده است.

سطحی‌ترین کار این است که این دانش‌آموزان را فراخوانیم و از آن‌ها بخواهیم در این درس بیشتر کار کنند یا برای آن‌ها کلاس تقویتی برگزار کنیم. قبل از هر اقدامی باید علل واقعی را جست‌وجو کنیم. شاید علت افت، نه کم کاری دانش‌آموزان، نوع سؤال‌هایی است که در آزمون‌های کلاسی به کار می‌رود. شاید متن کتاب به اندازه کافی روشن نیست. شاید این دانش‌آموزان با طرز بیان دبیر مربوطه مشکل دارند یا در سال‌های قبل، خاطره بدی از این درس در ذهنشان حک شده است. بدون در نظر گرفتن لایه‌های زیرین واقعیت، قادر نخواهیم بود مشکل را برطرف کنیم.



الگوهای ذهنی به اعمال ما
شکل می‌دهند

زبان معمول گفتاری و نوشتاری خطی است. از یک عامل که «مسبب» عامل دیگر است سخن می‌گوییم: «الف مسبب ب است». ولی سیستم‌ها دایره‌ای شکل هستند. عامل الف هیچ‌گاه مسبب عامل ب نیست؛ عوامل الف و ب به طور مستمر بر هم تأثیر می‌گذارند.

پی‌نوشت

1. Personal Mastery
2. Shared Vision
3. Mental Models
4. Lesson study
5. Case study
6. Dialogue
7. Team Learning
8. Systems Thinking
9. Attention deficit
10. Hang together
11. System
12. Sunistanai
13. Job rotation

منابع

۱. سنگه، پیتر. مدرسه یادگیرنده. ترجمه لیلی محمدحسین. کتاب در دست انتشار. انتشارات منظومه خرد.
۲. سنگه، پیتر. پنجمین فرمان، ترجمه حافظ کمال هدایت و محمد روشن. چاپ چهارم. انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. ۱۳۸۲
۳. لیتکسی، دنیس. تصویر بزرگ، ترجمه و تألیف خیریه بیگم حائری‌زاده. کتاب در دست انتشار. انتشارات منظومه خرد.



دکتر سیدعلی محمودی

ضربه به سر واقدمات تشخیصی

مهم ترین حوادث ناخواسته در اردوهای دانش آموزی عبارت اند از:

– تروماها (آسیب های منجر به جراحت و شکستگی)

– گزیدگی ها

– مسمومیت های گوارشی (غذایی و عفونی)

وارد شدن ضربه به سر در جامعه روستایی و شهری فعلی بروز بالایی دارد؛ حوادث جاده ای، نزاع و سقوط از جمله علل شایع آن هستند. عموم مردم تجربه ضربه به سر را داشته اند. عده ای به عنوان بیمار و مابقی به عنوان همراه، کارشان به بیمارستان کشیده است و تجربیاتی از آن دارند.

خونریزی از بینی و کبودی دور چشم‌ها یا پشت گوش‌ها، از علائم شکستگی قاعده جمجمه است. در صورت بروز هر یک از این نشانه‌ها بیمار باید به اورژانس منتقل شود؛ البته نبود این علائم دال بر نبود نیاز به بررسی نیست. بین اقدامات تشخیصی، هیچ کدام به اندازه «سی تی اسکن» از مغز اطمینان بخش نیست. شکستگی معمولاً در نتیجه سقوط از ارتفاع یا سر خوردن اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی، چه نشانه‌هایی می‌تواند ما را به تشخیص شکستگی برساند؟

نشانه‌های شکستگی

- تورم یا خون مردگی روی استخوان (ادم)؛
- بد شکل شدن اندام صدمه دیده (دفرمیتی)؛
- درد موضعی که با حرکت دادن یا فشار دادن ناحیه آسیب دیده تشدید می‌شود (تندرنس)؛
- فقدان عملکرد ناحیه آسیب دیده و بیرون زدگی استخوان شکسته از پوست.

با شکستگی‌های استخوانی چه کنیم؟

اگر به شکستگی ناحیه‌ای شک دارید، باید ناحیه صدمه دیده را از آسیب بیشتر در امان نگاه دارید و سعی نکنید که استخوان شکسته را جا بیندازید. برای جلوگیری از آسیب بیشتر، ابتدا نبض شریان زیر ناحیه آسیب دیده را بگیرید تا خاطر جمع شوید که نبض شریانی قابل لمس است. اگر نبض احساس نشد، شخص آسیب دیده در معرض خطر از دست دادن عضو دچار شکستگی خواهد بود. بنابراین، به سرعت او را به نزدیک‌ترین مرکز درمانی منتقل کنید.

اگر شکستگی از نوع باز و استخوان شکسته معلوم بود، با اعمال فشار بر موضع، خونریزی را متوقف کنید. با گاز استریل، پارچه تمیز یا حتی یک تکه لباس تمیز، بر زخم فشار مستقیم وارد کنید و اگر هیچ کدام از این‌ها در

هنگام مواجهه با بیمار ضربه دیده مانند همه بیماران حادثه دیده، باید به ترتیب این کارها را انجام دهید: بررسی راه هوایی، بررسی تنفس، بررسی خونریزی، و مراقبت از ستون فقرات (به طور متوالی و منظم). در این بیماران، غالباً به دلیل افت هوشیاری، معاینه و بررسی ستون فقرات و به خصوص گردن قابل اطمینان نیست. لذا در افراد با افت هوشیاری، اصل را بر آسیب ستون فقرات بگذارید تا وقتی که خلافتش ثابت شود.

در پس ضربه به سر چه اتفاقی می‌افتد؟

می‌دانیم که جمجمه فضایی استخوانی شامل مغز، عروق خون‌رسان و مایعی است که حفره‌های درون مغز را پر می‌کند. اگر یکی از این اجزا شروع به افزایش کند، مانند تورم بافت مغز به دنبال ضربه یا خونریزی از عروق، فشار بر دیگر اجزا بالا می‌رود و اختلال ناشی از فشار غیرطبیعی بروز می‌کند.

اما هر ضربه به سر معادل آسیب به عناصر داخل جمجمه نیست. برای بررسی آسیب باید به دنبال نشانه‌هایی همچون افت هوشیاری، سردرد، استفراغ، فراموشی، خونریزی از بینی، کبودی دور چشم‌ها یا پشت گوش‌ها بود.

کاهش هوشیاری متغیر است و هر چه شدیدتر باشد دال بر عاقبت بدتر برای مصدوم نیست. البته وقتی هوشیاری بیمار پایین‌تر باشد، اقدام شدیدتر و مراقبت بیشتری برای او اعمال می‌شود. سردرد در این بیماران عمدتاً در تمام سر پخش یا با گذر زمان بدتر می‌شود. استفراغ این بیماران جهنده است و بیمار توانایی کنترل آن را ندارد.

فراموشی نسبت به حوادث قبل یا بعد از بروز حادثه پدیدار می‌شود. فراموشی صرفاً در لحظه بروز حادثه، امری طبیعی است. این بیماران معمولاً درباره اینکه قبل از بروز حادثه مشغول چه کاری بودند، پس از بروز حادثه چه کسانی به آن‌ها کمک کردند یا چگونه به اورژانس منتقل شدند، چیزی به یاد نمی‌آورند.



خونریزی از بینی و کبودی دور چشم‌ها یا پشت گوش‌ها، از علائم شکستگی قاعده جمجمه است



از چوب، پلاستیک، فلز
یا هر ماده سفت دیگری
می توان به عنوان آتل
استفاده کرد. آتل را با گاز
یا پارچه دیگری ببوشانید،
آن را در طرفین اندام
آسیب دیده قرار دهید و با
یک تکه پارچه یا ریسمان
محکم ببندید

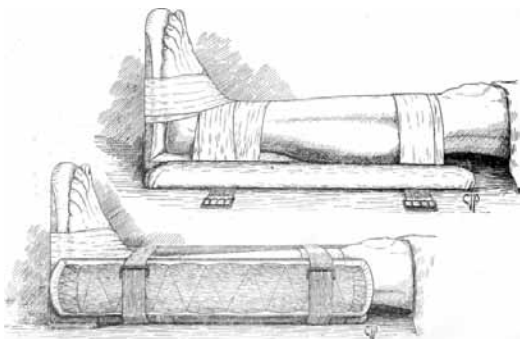
در شکستگی استخوان ران، باید
مفصل لگن را هم بی حرکت نگاه داشت،
اما اگر به آسیب گردن یا ستون فقرات
شک دارید، مصدوم را حرکت ندهید.
حرکت دادن شخصی که از ناحیه ستون
فقرات مصدوم شده است، می تواند فلج
دائم و عوارض جدی دیگری در پی داشته
باشد. حرکت دادن ستون فقرات شکسته
ممکن است تصادفاً موجب قطع نخاع شود.

با آسیب نخاعی چه کنیم؟

اگر با مصدومی مواجه شدید که
شواهدی از ضربه مغزی دارد، یا ضربه
محکمی به پشت یا گردن او خورده است،
یا درد شدیدی در ناحیه گردن یا پشت
دارد، از ضعف عضلانی، خواب رفتگی، فلج
یا عدم کنترل اندام، مثانه یا روده شکایت
دارد، گردن یا پشت او، پیچ خورده یا در

وضعیت غیر معمول و عجیب و غریبی قرار گرفته، و یا
بی هوش است و قادر به توصیف درد نیست، فرض را بر
این بگذارید که دچار آسیب نخاعی شده است. در این
حالت، به اورژانس زنگ بزنید. مصدوم را بی حرکت نگاه
دارید و او را تکان ندهید، مگر اینکه در حال خفگی یا
در معرض خطری قریب الوقوع باشد.

اگر ناگزیر به جابه جا کردن بیمار هستید، خیلی
آرام او را روی یک تخته قرار دهید. برای مثال تخته
روی میز یا در. چند نفر را برای کمک فرابخوانید و
خاطر جمع شوید که سر و گردن و ستون فقرات بیمار
در یک راستا روی تخته محکم شوند. گردن او را حتماً
بی حرکت نگاه دارید. سر بیمار را با یک حوله یا روسری
سنگین، یک کتاب جیبی یا هر چیز نرم و حجیم ثابت
کنید تا هنگام جابه جا کردن مصدوم نچرخد.



دسترس نبود، با دست آن قدر محل زخم را فشار
دهید تا خونریزی متوقف شود. همچنین، برای
کم کردن میزان جریان خون به محل شکستگی،
ناحیه آسیب دیده را بالا نگه دارید.

یک نکته را نیز اضافه کنم که اگر شخص از حال
رفته است، رنگش پریده یا تنفسش کم عمق و سریع
شده است، باید او را روی زمین بخوابانید؛ به طوری که
سرش اندکی پایین تر از تنه و پاها قرار گیرد.

یکی از مهم ترین مسائل در این باره، نقل و انتقال
صحیح بیماری است که دچار شکستگی شده است.

قبل از نقل و انتقال فردی که دچار شکستگی
استخوان شده، برای جلوگیری از حرکت کردن
استخوان، آن را آتل بندی کنید. مفاصل بالا و پایین
ناحیه شکسته شده را ثابت کنید. آتل می تواند
با تثبیت ناحیه آسیب دیده، از حرکت استخوان
شکسته و در نتیجه وخیم تر شدن آسیب بافتی
جلوگیری کند. به خاطر داشته باشید که آتل بندی
صحیح می تواند درد را نیز کاهش دهد.

نحوه آتل بندی صحیح و بی حرکت ساختن ناحیه شکستگی

از چوب، پلاستیک، فلز یا هر ماده سفت دیگری
می توان به عنوان آتل استفاده کرد. آتل را با گاز یا
پارچه دیگری ببوشانید، آن را در طرفین اندام آسیب
دیده قرار دهید و با یک تکه پارچه یا ریسمان محکم
ببندید. البته نه آن قدر تنگ که جریان خون بند
بیاید. آتل باید بلندتر از استخوان شکسته باشد و بالا
و پایین ناحیه آسیب دیده را بگیرد.

نحوه آتل بندی به محل شکستگی بستگی
دارد. شکستگی های ناحیه ستون فقرات یا لگن را
نمی توان آتل بندی کرد، اما این محل ها هم باید به
طریقی ثابت و بی حرکت شوند. در شکستگی های
اندام فوقانی، پیچاندن روزنامه یا مجله دور ساعد
می تواند مؤثر واقع شود. برای تثبیت شکستگی های
آرنج می توان از یک گردن آویز و باندی دور تنه
استفاده کرد.

در شکستگی پا می توان کل اندام تحتانی را بین
دو آتل قرار داد. اگر آتل دم دست نباشد، می توان از
پای سالم فرد به عنوان آتل استفاده کرد تا حرکت
پای آسیب دیده را محدود کند.



حفظ اطلاعات با آینه آرمان صوفیانی

ارتباط دهنده آن‌ها با سیستم عامل، به عنوان رابطی بین این سخت‌افزار و ویندوز، نصب شود.

به نرم‌افزاری که سخت‌افزار خاصی را به سیستم عامل (در اینجا ویندوز) می‌شناساند، درایور گفته می‌شود. برای مثال درایور کارت گرافیک، نرم‌افزاری است که پس از نصب آن، سیستم عامل قادر به استفاده از کارت گرافیک می‌شود. البته وقتی سیستم عامل ویندوز را نصب می‌کنیم، از آنجا که خود ویندوز تعدادی از درایورها را در خود دارد، آن‌ها را نصب می‌کند.

پس از نصب ویندوز، کافی است شما فقط درایورهایی را که روی سیستم‌تان نصب نشده است، از طریق پنجره Control Panel، گزینه System، سربرگ Hardware و قسمت Device Manager ببینید. در این فهرست، کلیه درایورهایی که علامت سؤال زرد رنگ دارند، نصب نشده‌اند.

در این مرحله شما می‌توانید به وسیله سی‌دی یا دی‌وی‌دی‌های درایورها آن‌ها را روی سیستم نصب کنید. معمولاً کاربران عزیز در اینجا دچار پریشانی می‌شوند، چون گاهی به سی‌دی یا دی‌وی‌دی درایورها دسترسی ندارند.

برای شروع بهتر است ابتدا درباره سیستم عامل دستگاه، یعنی ویندوز، توضیح دهیم.

ویندوز سیستم عامل معروف شرکت مایکروسافت است که به عنوان یکی از رابط‌های کاربر با رایانه به کار می‌رود. هم اکنون بیشتر رایانه‌های شخصی از یکی از دو سیستم عامل ویندوز XP یا ویندوز ۷ استفاده می‌کنند. برای دوستانی که تاکنون فرایند نصب ویندوز را تجربه نکرده‌اند، عرض می‌شود که یادگیری این مطلب بسیار ساده و با خواندن مقالات آموزشی مصور موجود در اینترنت، به راحتی قابل انجام است. (برای مثال می‌توانید به نشانی پایگاه مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان رجوع کنید:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=6266>

وقتی فرایند نصب ویندوز تمام شد، اولین کاری که باید انجام داد، نصب درایور سخت‌افزارهاست. وقتی شما دستگاه رایانه‌ای می‌خرید، حتماً همراه هر قطعه، سی‌دی یا دی‌وی‌دی‌هایی شامل درایورهای سیستم تحویل می‌گیرید. بعضی از سخت‌افزارهای رایانه نظیر کارت گرافیک، کارت صدا و مودم لازم است به سیستم شناسانده شوند. به این معنا که نرم‌افزار

به شما توصیه می‌کنیم حتماً بعد از نصب کلیه نرم‌افزارهای اصلی خود از سیستم image تهیه کنید. مطمئن باشید اگر یک بار این موضوع را تجربه کنید، حتماً آن را تکرار خواهید کرد

می‌کنیم)، از ویندوز خود یک image تهیه کنید. برای تهیه image شما نیاز به یک نرم‌افزار Bootable به نام «Norton Ghost» دارید که سیستم را با آن Boot کنید و داخل آن از پارتیشن ویندوز خود image تهیه کنید و در پارتیشن دیگر هارد خود قرار دهید. هر image شامل نسخه‌ای از کلیه اطلاعات آن پارتیشن (در اینجا پارتیشن‌هایی که ویندوز روی آن نصب شده است) در لحظه image گرفتن است.

فرایند image گیری حدود ۷ تا ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. نکته بسیار لذت‌بخش آن است که هر وقت ویندوز شما خراب یا دچار مشکلی شد، می‌توانید در زمانی حدود ۷ تا ۱۰ دقیقه (نظیر مدت زمان فرایند image گیری)، ویندوز، درایورها و کلیه نرم‌افزارهای آن را برگردانید. در این صورت تجربه صرفه‌جویی فوق‌العاده در زمان را خواهید داشت. دوستان عزیز، راهنمای دقیق‌تر و حتی مصور استفاده از این نرم‌افزار را به راحتی در اینترنت پیدا خواهید کرد. می‌توانید به

نشانی زیر از پایگاه اینترنتی سافت گوزر رجوع کنید:
<http://www.softgozar.com/WebPage/SoftwareDescription.aspx?SoftwareId=264&Title=%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%D9%86%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%D8%B1--Symantec-Norton-Ghost>

در اینجا به شما بشارت می‌دهیم که شما با استفاده از نرم‌افزار DriverPack Solution به احتمال بسیار زیاد می‌توانید کلیه درایورهای خود را نصب کنید. این نرم‌افزار هر چند ماه یکبار به روز می‌شود و شما به وسیله این نرم‌افزار که کار با آن بسیار ساده است، به راحتی می‌توانید درایورها را نصب کنید.

بعد از نصب درایورها باید نرم‌افزارهای عمومی مورد نیاز سیستم را نصب کنید که در مقاله بعد در مورد آن‌ها مطالبی خواهیم آورد.

به عنوان آخرین مطلب این شماره باید گفت، فرایند نصب ویندوز، نصب درایور و نرم‌افزارهای عمومی و خصوصی، بسته به سرعت سیستم، حدود ۳ تا ۵ ساعت طول خواهد کشید و صرف این زمان، برای کاربران خیلی آزاردهنده است که مثلاً هر چند ماه یکبار که سیستم دچار مشکل می‌شود، دوباره این زمان را صرف نصب ویندوز، درایورها و نرم‌افزارهای عمومی اختصاصی کنند.

در اینجا ما توصیه می‌کنیم، پس از نصب همه موارد، البته دقیقاً بعد از نصب ویندوز، درایورها، نرم‌افزارهای عمومی و نرم‌افزارهای خاصی را که دائم با آن‌ها کار داریم (نه مثل بازی‌ها که یک دوره استفاده

جشنواره الگوهای برتر تدریس

مبثنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ چیستی و چرایی



عبدالامیر گیلک، دکتر نیره شاه‌محمدی

امروزه دیگر بروز، ظهور و حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) را نمی‌توان تنها یک موج نامید. ابعاد حضور و جنبه‌های تأثیرگذاری این فناوری‌ها به گونه‌ای است که بیشتر به نوعی سونامی و دگرگونی شباهت دارد. فاوا یا فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به تمامی عرصه‌های حیات بشری وارد شده و این گستره را درنور دیده است. این ورود به معنای دربرگرفتن کمیت‌ها و کیفیت‌های حاکم بر حوزه‌ها و پدیده‌هاست. این داخل شدن، از یک سهم حداقلی در برخی پدیده‌ها تا یک نسبت حداکثری، جریان دارد. در واقع عجین شدن فناوری‌های نوین در عرصه‌های گوناگون به نسبت‌ها و میزان‌های متفاوتی است.





و تسری فرهنگ استفاده مناسب از فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی، تعامل در این عرصه و فهم متقابل را تسریع می‌کند و بهره‌گیری مقطعی و موردی بیشتر جنبه تزئینی و نمایشی دارد.

بعد دیگر به آشنایی و به کارگیری فرهنگ بهره‌گیری از فناوری در کلیه سطوح و بین تمامی عوامل تأثیرگذار مربوط است. فهم همه‌جانبه و تمام و کمال در گرو درک درست و استفاده بهنگام و منطبق با مقتضیات فناوری‌ها در نزد احاد گروه‌های درگیر است. این آشنایی منابع انسانی درون و برون مدرسه‌ای را شامل می‌شود و علاوه بر اینکه استفاده را ساده می‌کند و کارایی و پیامدها را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.

جنبه دیگر در بهره‌گیری از فناوری، استفاده بجا و مناسب از آن در موقعیت‌های آموزشی و تدریس است. مطالب و دروسی که قابلیت و ظرفیت تن دادن به این فناوری‌ها را داشته باشند، نتیجه بخشی مناسب خواهند داشت. اصرار بی‌مورد در استفاده و ارائه درس و مطالب وابسته به فناوری‌ها پیامدهای خوبی به همراه نخواهد داشت. این بدین معناست که تناظر بین مطالب، درس و گونه‌های آموزش با فناوری‌های خاص، حتماً باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

دیگر آنکه ارائه، نمایش و توصیف مناسب آنچه در اجرا توفیق یافته است، با بهره‌گیری از فناوری رابطه دارد. این گام و مرحله نیز از تخصصی‌ترین گام‌ها در بهره‌گیری است که اصولی بر آن‌ها حاکم است. در ادامه، مباحث ابعاد این گام‌ها مورد تأمل و بحث قرار خواهد گرفت.

ساده‌ترین و در عین حال کم‌خاصیت‌ترین شکل بهره‌گیری از فناوری آن است که بخش پایانی و اجرایی جشنواره‌ها را به آن پیوند بزنیم. بدین معنی که شرکت‌کنندگان و برگزیدگان ملزم شوند تدریس را با این فناوری‌ها ارائه دهند.

حال ممکن است نفر برگزیده در مجموع و در طول فرایند کار خود از این فناوری‌ها استفاده کرده باشد یا فقط در گام‌های پایانی از آن‌ها بهره بگیرد. همان‌گونه که اشاره شد، این سطح از بهره‌گیری، بسیار ساده و ابتدایی و کارکردهای حاصل از آن نیز محدود و اندک است.

چنانچه به دنبال استفاده یکپارچه و معنادار از فناوری‌ها برپای جشنواره‌ها باشیم، باید این بهره‌گیری را در یک شبکه و یا منظومه دنبال کنیم. پیگیری این منظومه بر چند فرض و پیش‌فرض مبتنی است که رعایت آن‌ها ما را به سمت و سوی استفاده یکپارچه و معنادار سوق می‌دهد. عمده پیش‌فرض‌ها بدین شرح‌اند:

- فراگیر شدن و استفاده صحیح در بین کلیه سطوح درگیر
- آشنایی معلمان و مربیان با فناوری و استفاده خاص آن‌ها از این فناوری‌ها
- استفاده و بهره‌گیری متناسب از فناوری در آموزش و تدریس

- شرکت در جشنواره و ارائه الگوها با بهره‌گیری از فناوری

زمانی می‌توان جشنواره‌ای آکنده از شیوه‌ها و فنون وابسته به فناوری داشت که تنها در مقطع زمانی خاصی شاهد جلوه‌گیری این فنون نباشیم، فناوری زمینه شکل‌گیری فرهنگ و فضایی تسهیل‌کننده را فراهم می‌آورد. تعمیم

آموزش و تدریس از جمله حوزه‌هایی است که تاروپود آن از این فناوری‌ها متأثر شده است و کمتر جنبه‌ای از آن را می‌توان یافت که از این ویژگی بهره‌ای نداشته باشد. این تأثیر به طور خاص در روش‌ها و شیوه‌های آموزش و تدریس چشمگیر و قابل توجه است؛ جایی که از شیوه‌ها، ابزارها و روش‌هایی برای یادگیری آسان‌تر، سریع‌تر و پایدارتر مدد گرفته می‌شود.

برپای جشنواره‌های الگوهای برتر تدریس از جمله حرکت‌های مبارک و شایسته‌ای است که از سال‌های گذشته در بطن آموزش و پرورش آغاز شده و به تدریج جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این منزلت به سبب کارکردهای مترتب بر این جشنواره‌ها و جنبه‌های کاربردی و عملیاتی آن در ارتقای آموزش و روش‌های تدریس است.

در این جشنواره‌ها، داوران، طای چند مرحله به انتخاب الگوها و روش‌های برتر تدریس در بین معلمان اقدام می‌کنند و به دنبال شناسایی و معرفی الگوهای برتر تدریس به منظور گسترش و تعمیم آن‌ها هستند. البته جشنواره‌ها در این کار تاندازه‌ای توفیق نداشته‌اند. سؤال اساسی و بنیادین این نوشتار آن است که چگونه می‌توان بین برپایی این جشنواره‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات الفت و ارتباط برقرار کرد. به عبارت دیگر، چه طریقی را باید در پیش گرفت که حضور فناوری جشنواره‌های الگوهای برتر تدریس معنادار و باکیفیت دنبال شود. این تلفیق و ترتیب را از چند منظر و زاویه می‌توان مورد تأمل و بحث قرار داد.

اصرار بی‌مورد در استفاده و ارائهٔ دروس و مطالب وابسته به فناوری‌ها پیامدهای خوبی به همراه نخواهد داشت. این بدین معناست که تناظر بین مطالب، دروس و گونه‌های آموزش با فناوری‌های خاص، حتماً باید مورد ملاحظه قرار گیرد

بیان شوند، قابل اندازه‌گیری باشند و متناسب با سن مخاطب و در راستای برنامهٔ درسی طراحی شوند؛

۲. تعیین سطوح توانایی‌های دانش‌آموزان؛

۳. پیدا کردن نقطهٔ مشترک (سطح پیش‌دانسته‌ها) قابل درک

برای همهٔ دانش‌آموزان؛

۴. طراحی فعالیت‌های گوناگون متناسب با سطح توانایی دانش‌آموزان با سطح پایین‌تر از نقطهٔ شروع؛

۵. طراحی فعالیت‌های متفاوت برای پرورش و ارتقای سطح توانایی دانش‌آموزان با توانایی‌های بالاتر؛

۶. تعیین و تهیهٔ مواد آموزشی لازم برای انواع فعالیت‌ها مانند برگه‌ها و کپی‌های لازم و فایل‌های از قبل آماده (صفحهٔ گسترده، فایل‌هایی شامل داده‌ها و...). معلم لازم است فناوری‌های آموزشی (یا نرم‌افزارهای) مورد نیاز برای تدریس خود را به شیوه‌ای انتخاب کند که:

الف) امکان تلفیق موضوعات را فراهم سازند.

ب) متناسب با سن و پایهٔ تحصیلی دانش‌آموزان باشند.

ج) به طور خلاقانه یادگیری را تعمیق بخشند.

د) امکان استفاده از آن‌ها برای تمامی افراد کلاس یا یک گروه، برای معرفی و مرور مجدد یک موضوع یا برای کسب اطمینان از دستیابی دانش‌آموزان به مفاهیم اصلی درس حاصل شود.

ه) در دسترس دانش‌آموزان باشند تا از آن‌ها در تحقیقات یا سایر موارد درسی استفاده کنند.

✓ معیارهایی را تعیین کنند که از طریق آن‌ها بتوان میزان تأثیر استفاده از فاوا را در یادگیری دانش‌آموزان اندازه گرفت.

✓ میزان یافته‌های تک‌تک دانش‌آموزان را طی فعالیت گروهی، از طریق مشاهدهٔ ثبت داده‌ها، مداخله در فعالیت و گفت‌وگو با دانش‌آموزان تعیین کنند.

✓ از کیفیت یادگیری دانش‌آموزان از موضوع درسی ارائه شده به وسیلهٔ فاوا اطمینان حاصل کنند.

✓ در صورت استفاده از ابزار فاوا در تدریس، برای ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و پایانی، فعالیت‌های مبتنی بر آن فناوری طراحی کنند و مقررات و شرایط استفاده از فاوا را برای ارتقای یادگیری دانش‌آموزان، سطح ادراک آنان و نیز میزان دستیابی‌شان به مفاهیم تعیین کنند.

✓ حوزهٔ وسیعی از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی و محتوای آن‌ها را ارزیابی کنند تا بتوانند انتخاب ابزار فاوا در طراحی درس، تدریس، ارزشیابی و مدیریت کلاس را توجیه کنند.

فرایند طراحی واحد یادگیری با رویکرد به کارگیری فاوا چیست؟

۱. تعیین اهداف کلی و جزئی درس. اهداف لازم است به وضوح

شیوهٔ سازماندهی، استفاده و بهره‌گیری از منابع و فاوای موجود در تدریس به منظور دستیابی به اهداف آموزشی

به منظور ساماندهی و استفادهٔ مناسب از فاوا، لازم است معلم با دانش‌آموزان به بحث و گفت‌وگو در زمینهٔ مهارت‌ها (و آموزش مهارت‌ها در صورت لزوم) و کاربردهای آن‌ها در آموزش بپردازد و نحوهٔ استفادهٔ دقیق و مناسب از واژه‌ها (واژه‌های مرتبط با کاربرد فاوا در موضوع درسی) را توضیح دهد. فاوا را به شکلی که الگو و مدلی مناسب برای دانش‌آموزان باشد، استفاده کنند و از کاربرد صحیح آن توسط دانش‌آموزان مطمئن شود.

همچنین معلمان به هنگام استفاده از فناوری، به منظور دستیابی به اهداف آموزشی و ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان باید به این نکات توجه داشته باشند:

✓ اهداف آموزشی و اجرایی فاوای مورد نیاز و چگونگی به کارگیری آن برای رسیدن به هدف را به خوبی بشناسند.

✓ فعالیت‌های مبتنی بر فاوای دانش‌آموزان را مشاهده و در صورت لزوم در آن مداخله کنند.

✓ با طرح چند سؤال دانش‌آموزان را به فکر کردن برای توجیه مناسب بودن ابزار فاوا ملزم کنند.

✓ با توجه به استانداردهای دستیابی به موضوع درسی، منابع مورد استفادهٔ فاوا را بشناسند.

✓ با نتایج استفاده از رایانه و تأثیر آن بر انتظارات معلم از یافته‌های دانش‌آموزان آشنا باشند.

و) مفید بودن و تناسب منابع فناوری استفاده شده با اهداف آموزشی مورد نظر ثابت شده باشد.

۷. سازماندهی فعالیت‌های آموزشی داخل و خارج از کلاس و حصول اطمینان از ارتباط بین فعالیت‌های مورد نظر و آنچه با استفاده از ابزار فاوا صورت می‌پذیرد.

۸. تشخیص و تعیین چگونگی استفاده از فاوا برای تدریس به دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه. معلمان باید دریابند، فاوا به طور خاص چه کمکی می‌کند تا بتوان این‌گونه افراد را با برنامه درسی همراه ساخت و بین برنامه درسی و نیازهای ویژه آنان هماهنگی ایجاد کرد.

۹. تعیین چگونگی گروه‌بندی دانش‌آموزان (گروه‌های دو یا چند نفره). تقسیم‌بندی دانش‌آموزان در گروه‌های دو یا چند نفره، به منظور حصول اطمینان از استفاده آنان از ابزار فاوا و درگیر شدن آنها، تلاش و تعامل و همکاری با یکدیگر و مداخله مؤثر در صورت نیاز است.

۱۰. تعیین شیوه‌ها و ابزارهای ارزشیابی، متناسب با شیوه‌ها و ابزارهای استفاده شده در طرح درس. ارزیابی از فعالیت‌ها به منظور تعیین میزان دستیابی به اهداف و بررسی میزان یادگیری‌های دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. همچنین، تأثیر فاوا در درک بهتر دانش‌آموز نیز باید ارزیابی شود. استانداردهای ارزیابی آموزش مبتنی بر فناوری را در جدول ملاحظه کنید:

استانداردهای ارزیابی آموزش مبتنی بر فناوری

معیار	شاخص‌های عملکردی
طرح درس	طرح درس بر یک طراحی تأیید شده مبتنی است. درس متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان طراحی شده است. به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه دارد.
فناوری	در طرح درس از ابزار فناوری مناسب برای بهبود و فهم موضوع در ابعاد گوناگون استفاده شده است. فناوری به عنوان بخشی طبیعی (معمول نه امری غیرعادی) از آموزش، در طرح درس به کار رفته است.
منابع	منابع گوناگون بررسی شده‌اند و به طور مناسب به آنها اشاره شده است. منابع شامل اطلاعات کسب شده از اینترنت نیز هستند. اطلاعات می‌توانند منابع دست اول نیز باشند.
سؤال و پرسش	طرح درس شامل راهبردهای سطوح بالاتر سؤال و پرسش است که دانش‌آموزان را به تفکر در ابعاد متفاوت موضوع وامی‌دارد. سؤالات دانش‌آموزان را در مواجهه با تصورات متفاوت دیگران نسبت به تصورات خود به چالش می‌کشند و آنها را به بررسی و توجه به نظرات مختلف وامی‌دارند.
واحد یادگیری	یک واحد یادگیری مورد نظر است که در آن درس‌های کوتاه با اهداف پایه تحصیلی هم‌استاست. درس طراحی شده باید معرف واحد یادگیری باشد.
ارائه شفاهی	ارائه‌های شفاهی سازماندهی مناسبی دارند، به صورت جالب، آگاهانه و به منظور اطلاع‌رسانی ارائه می‌شوند و در چارچوب زمان‌بندی انجام شده می‌گنجند. تمام اعضای گروه در ارائه شفاهی شرکت دارند. تمام کلاس با هم در تعامل هستند. کسی که ارائه شفاهی را به عهده دارد کاملاً آگاهانه و با دانش لازم به سؤالات پاسخ می‌دهد.



زمان ارائه تدریس و طرح درس مربوط باید بر مبنای ۴۵ دقیقه تنظیم شود

اقتصادی قاره آسیا باشد؟ به نظر آنان، چه عواملی برای تحقق این امر ایران را یاری خواهند کرد.

با رعایت اصول و مراحل در نظر گرفته شده، هر معلم می‌تواند پس از تهیه الگوی تدریس خود، در جشنواره الگوهای برتر تدریس با اهداف زیر شرکت کند:

- توسعه کیفی منابع انسانی از طریق تقویت مهارت‌های حرفه‌ای معلمان
- فراهم کردن زمینه‌های مناسب به منظور بروز خلاقیت و نوآوری معلمان
- توسعه و گسترش فرهنگ استفاده از فاوا بین معلمان

اینترنتی، از آن‌ها می‌خواهد که درباره علل توسعه و پیشرفت ژاپن اطلاعاتی به دست آورند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

○ وضعیت گذشته ژاپن از نظر اقتصادی چگونه بوده است؟

○ دلایل پیشرفت اقتصاد ژاپن کدام است؟

○ آیا ژاپن، با وجود پیشرفت اقتصاد، در حال حاضر مشکلاتی در این باره دارد؟

○ تأثیرات و پیامدهای این پیشرفت بر اقتصاد جهانی و ایران کدام‌اند؟

○ نقش پیشرفت اقتصاد ژاپن در توسعه و پیشرفت اقتصاد ایران چیست؟

گروه‌ها یافته‌های خود را در کلاس ارائه می‌دهند. پس از اصلاح نظرات دانش‌آموزان در کلاس، قرار بر این می‌شود که برای جلسه بعد، علل پیشرفت اقتصاد ژاپن و همچنین میزان تأثیر آن بر اقتصاد جهانی و کشور ایران را با استفاده از نرم‌افزار ارائه مطالب مانند پاورپوینت (متن، تصویر، نقشه، نمودار و...) در کلاس نمایش دهند. سایر دانش‌آموزان نیز نتایج حاصل از فعالیت هر گروه را از نظر نحوه ارائه مطلب، جذابیت، تنوع فعالیت‌ها و... ارزیابی می‌کنند. معلم در مراحل گوناگون فعالیت دانش‌آموزان از قبیل جمع‌آوری اطلاعات، سازماندهی و ارائه مطالب را ارزشیابی می‌کند. بعد از جمع‌بندی یافته‌ها، از دانش‌آموزان می‌پرسد آیا ایران می‌تواند همانند ژاپن یکی از کشورهای پیشرفته

نمونه‌ای از طرح درس مبتنی بر فاوا

طرح درس جغرافیا

عنوان درس: وضعیت اقتصادی

ژاپن در قاره آسیا

مفاهیم: اقتصاد، توسعه و پیشرفت

زمان: یک جلسه آموزشی (۵۰ دقیقه)

هدف‌های یادگیری

- * آشنایی با علل توسعه و پیشرفت ژاپن
- * آشنایی با پیامدهای توسعه و پیشرفت ژاپن
- * توانایی جمع‌آوری، سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به توسعه و پیشرفت کشورها
- * توانایی پشتیبانی و ارائه راه حل
- امکانات: فناوری اطلاعات و ارتباطات و...

مهارت‌های مورد نیاز فاوا

- توانایی استفاده از نرم‌افزارهای ارائه مطالب مانند پاورپوینت
- توانایی استفاده از اینترنت برای جست‌وجو و دریافت اطلاعات

معلم ابتدا درباره وضعیت گذشته اقتصاد ژاپن، فیلمی را در کلاس به نمایش می‌گذارد. در صورت در دسترس نبودن این فیلم، از اسلاید و تصاویر مربوطه استفاده می‌کند. با این ورودی و نمایش نقشه، می‌تواند موقعیت کشور ژاپن و علل و عوامل جغرافیایی توسعه و پیشرفت آن را توضیح دهد. دانش‌آموزان را به گروه‌های سه یا چهار نفره تقسیم می‌کند و با معرفی چند سایت



● فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تحقق ارکان چهارگانه یادگیری: یادگیری برای یاد گرفتن؛ یادگیری برای عمل کردن؛ یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم؛ یادگیری برای بودن؛ مستندسازی، گسترش و تعمیم روش‌های نوین یاددهی-یادگیری

● شناسایی و ترویج روش‌های موفق و کارآمد تدریس

● ایجاد رقابت سالم بین معلمان با تکیه بر کاربست روش‌های مؤثر و فعال تدریس

● کاربردی ساختن نظریه‌های یادگیری و آموزش

● کاربست یافته‌های پژوهشی در زمینه روش‌های آموزش و تدریس

شیوه اجرای جشنواره‌های مبتنی بر فاوا

به طور معمول، جشنواره الگوهای برتر روش‌های تدریس در یکی از دروس اعلام شده توسط وزارت

متبوع در یکی از دوره‌های تحصیلی (ابتدایی و متوسطه) برگزار می‌شود. این جشنواره در سه مرحله منطقه‌ای، استانی و کشوری اجرا می‌شود و در پایان هر مرحله تعدادی از برگزیدگان به مرحله بعد راه می‌یابند. کلیه معلمان علاقه‌مند (اعم از مرتبط و غیرمرتبط) برای شرکت در این جشنواره مجازند و می‌توانند یکی از عنوان‌های دروس مربوط را، مطابق با جدول‌های اعلام شده، به دلخواه انتخاب و تدریس کنند. زمان ارائه تدریس و طرح درس مربوط باید بر مبنای ۴۵ دقیقه تنظیم شود و هر یک از شرکت‌کنندگان دو حلقه لوح فشرده تدریس با فرمت وی‌سی‌دی و دو نسخه طرح درس مکتوب خود را تهیه و مطابق زمان اعلام شده از سوی اداره آموزش و پرورش محل خدمت خود، به اداره کارشناسی و گروه‌های آموزشی دوره تحصیلی مرتبط تحویل دهند. قید نام و نام‌خانوادگی، تلفن تماس ضروری، ناحیه/ منطقه/ شهرستان و ماده درسی مربوط روی

لوح فشرده الزامی است. ارزیابی و قضاوت در خصوص هر یک از طرح درس‌های ارائه شده با ضوابط و ملاک‌های پیش‌بینی شده (مانند ارائه تولیدات نرم‌افزاری در قالب سی‌دی و نوشتن طرح درس واحد یادگیری در کاغذ A۴ حداکثر در دو صفحه) ارزیابی می‌شود. پس از بررسی کارهای ارائه شده و تعیین منتخبان در مرحله منطقه و اعلام اسامی آنان به کمیته برنامه‌ریزی، به همراه هر یک از طرح درس‌های مربوط به مناطق و نواحی، بازخورد لازم به منتخبان درباره واحد درسی مربوط (در سطح مدرسه و منطقه) ارائه می‌شود. در مرحله بعد، جشنواره در سطح استانی برگزار و یک طرح برتر، از هر درس، به وزارت متبوع معرفی می‌شود. سپس ویژه منتخبان مرحله کشوری کارگاه آموزشی برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان پس از شرکت در این کارگاه آموزشی فرصت خواهند داشت به اصلاح و بازنگری واحدهای یادگیری طراحی شده اقدام کنند و در نهایت در جشنواره در سطح کشوری شرکت می‌کنند.

منابع

۱. اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی. «شیوه‌نامه جشنواره روش‌های فعال تدریس مبتنی بر فاوا». <http://nahie5.razaviedu.ir/articles/viewArticle.asp?activestatecode=1605&ID=2033>
۲. معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). «شیوه‌نامه برگزاری جشنواره الگوهای برتر تدریس مبتنی بر IT». <http://www.medu.ir/portal/Home>
۳. اداره کل آموزش و پرورش کاشان (۱۳۹۰). «شیوه‌نامه برگزاری الگوهای برتر تدریس دوره ابتدایی». <http://amoozegar2kashan.blogfa.com/post-79.aspx>
۴. <http://shahedneka.blogfa.com/post-111.aspx>
۵. <http://edujavanrood.blogsky.com/?PostID=77>





منصور
ملک عباسی



جعفر ربانی

یکصدمین شماره از انتشار یک ماهنامه، به هر شکل و شمایل که به آن نگاه شود، اتفاقی ویژه و مهم به شمار می‌رود. می‌توان آن را جشن گرفت و به سرور و شادی سپری‌اش کرد، می‌توان آن را با بی‌تفاوتی محض دید و از آن گذشت و می‌توان آن را پلی برای رونق دادن به آینده آن ماهنامه و بهره‌مندی از عقبه تجربی موجود در انتشار آن، برای بهینه‌سازی ادامه انتشار آن، تلقی کرد.

این روزها که ماهنامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی یکصدمین شماره از انتشار خود را پیش رو دارد، با انتخاب سومین مسیر از آنچه عنوان شد، در نشستی صمیمی با جمعی از سردبیران سابق آن، نظرات و تجربیات آن‌ها را در بارور کردن ادامه فعالیت انتشار این ماهنامه مرور می‌کنیم.

نشستی که با حضور جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی، خسرو داودی، فرهاد بخشنده و به میزبانی سردبیر فعلی، محمدرضا حشمتی، در محل دفتر مجله برگزار شد.

ملک‌عباسی که به نوعی پیشکسوت این نشست صمیمی نیز به شمار می‌رفت، به رسم پیشکسوتی، در ابتدای سخنان خود از دکتر غلامعلی حدادعادل و خانم فروغ تن‌ساز که بانیان ولادت این ماهنامه (در ابتدا فصل‌نامه) به شمار می‌رفتند یاد کرد و در ادامه به ایجاد نظام راهنمایی تحصیلی اشاره کرد و گفت: «یادم هست اوایلی که این نظام آموزشی جدید به راه افتاده بود همه ما به نوعی در آن تلوتلو می‌خوردیم، اما به تدریج این نظام برای من دیدنی‌تر و حس‌کردنی‌تر شد. دوره‌گذاری که بسیار مطلوب به شمار می‌رفت و از نظر علمی و روانی و نیز نیروی آموزشی برای ما بسیار خاص بود. همین موضوع در نهایت منجر به ایجاد مجله‌ای آموزشی برای این دوره خاص از تحصیل نیز شد.»

وی ادامه داد: «مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی دقیقاً در زمانی ایجاد شد که خلأ وجودی آن به شدت احساس می‌شد. سال‌های دوره راهنمایی دوران بلوغ دانش‌آموزان نیز به شمار می‌رود و آسیب‌های زیادی به ویژه در حیطه نوع رفتار معلمان و مشاوران و حتی نظام آموزشی با دانش‌آموز مشاهده می‌شود. بر همین اساس، به نظر من حتی با تغییر نظام آموزشی، که این روزها شاهد آن هستیم، جایگاه این مجله باید حفظ شود و محتوای مطالب آن کماکان برای دانش‌آموزان و دبیران ارائه شود.»

ملک‌عباسی به بخش دیگری از خصوصیات این دوره آموزشی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دوره راهنمایی تحصیلی و طراحی آن برای ما به هر حال کار تازه‌ای به شمار می‌رفت. وقتی این دوره ایجاد شد، با تأسیس پست مشاوره در آن انتظار داشتیم تا حد زیادی مسائل و مشکلات مبتلا به موجود نیز حل شود. این روزها متأسفانه اگر در این زمینه عقب مانده‌ایم، بدون تردید به دلیل نپرداختن جدی به بحث مشاوره است. مجله دستاوردی جدی و علمی برای کمک دادن به معلمان و مشاوره به دانش‌آموزان بود و هنوز امیدواریم این وجه از آن بیش از سایر بخش‌ها تقویت و اصلاح شود.»



نشستی با سردبیران

مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

شماره صدم تازه اول راه است

حمید نورشمسی





بخشنده از دیگر سردبیران سابق این ماهنامه نیز دیگر مهمان این نشست بود که ایجاد ماهنامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی را مولود درک بالایی دانش آموزان و معلمان از این دوره و تقاضای بجای آن‌ها دانست و گفت: «دوران راهنمایی تحصیلی دوران بلوغ دانش آموزان است. دورانی که نیازهای ویژه‌ای در آن‌ها بروز و ظهور پیدا می‌کند و باید معلمان را به شیوه‌ای برای شناسایی و ارضای آن‌ها توجیه کرد. رسالت انتشار مجلات رشد در دوره راهنمایی تحصیلی نیز بر همین مبنا قرار داده شد. اما از سوی دیگر، پشتیبانی از برنامه‌های درسی هم امری بود که ما را به سمت تولید و انتشار این اثر سوق داد. در همین جا بود که برخی از لوازم و ابزارهای لازم برای آموزش به معلم معرفی و در اختیار او قرار داده می‌شدند.»

بخشنده ادامه داد: «در دوره نخست از انتشار این مجله تلاش می‌کردیم که معلم ما با دست پر در کلاس درس حاضر شود و لازمه اصلی این کار، آگاهی معلم به شمار می‌رفت. رفته‌رفته این موضوع به دخالت دادن معلمان در تولید محتوای ماهنامه انجامید و الان نیز این روند ادامه دارد.»

اما... داودی ترجیح داد کمی به دور از تعارفات مرسوم سخن بگوید و بر همین اساس به جایگاه، به زعم او، ضعیف مجله اشاره کرد و گفت: «همه ما قبول داریم که مجلات رشد یک رسانه به شمار می‌روند اما تا زمانی که تکلیفمان را با رسانه روشن نکرده باشیم، این مجلات نمی‌توانند برای ما به عنوان یک رسانه کارکرد داشته باشند. من در صحبت‌های دوستانم و اهدافی که برشمردند شکی ندارم، اما اگر قرار است به این اهداف برسیم، باید قبل از هر چیز تکلیف رسانه‌ای مجلات رشد را مشخص کنیم. شما به کارکردهای مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی و به این بیندیشید که چقدر از آن‌ها با کارکرد مجله رشد معلم همپوشانی دارد.»

وی ادامه می‌دهد: «در مجله رشد معلم مخاطب ما معلمان هستند و در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی هم معلمان. به این فکر کرده‌ایم که به راستی کدام معلم مخاطب کدام مجله است؟ مسلماً نه. مخاطب مجله ما در مواجهه با آن به نوعی گنگ است و خب طبیعی است که در این موقعیت مجله موفقیت پیدا نکند. حالا فرض کنیم این مسئله حل شد. باید ببینیم مجله به دنبال انتشار مطالبی است که تنها معلمان از آن سر در بیاورند یا

قرار است دانش آموزان هم در زمره مخاطبانش باشند. اگر چنین است چگونه این موضوع تقسیم می‌شود.»

داودی سخنان خود را این‌طور ادامه داد: «به نظر من مخاطب مجله باید از نو تعریف شود. همه ما باید روی یک موضوع تمرکز و کار کنیم و به آن واکنش نشان دهیم و خب شاید باید در این راه به سمت حذف سایر مجلاتی برویم که مخاطب خاص ما را از خود منحرف می‌کنند.» این سخنان داودی با واکنش سایر حاضران در نشست مواجه شد که معتقد بودند هر مجله مخاطب را براساس محتوا و روح حاکم بر خود به سمت خود می‌کشاند و مطالب آن نافی مطالب سایر مجلات نیست. حشمتی اشاره کرد که من بر این اساس سعی کردم در حوزه مسئولیت خود، مجله و محتوایش را به دو بخش تقسیم کنم. بخش اول مطالب و موضوعات مورد نیاز معلمان بود و در ادامه مطالب عمومی‌تر را مدنظر داشتیم. در بخش مطالب مخصوص معلمان، به ویژه برای من یادگیری، تکمیل و تثبیت آنچه معلم در پروسه آموزش با آن سروکار دارد، اهمیت داشت. اما نوع مطالب، ما را گرفتار حرکت به سمت عمومی‌تر شدن کرده است.»

حشمتی افزود: «معلم در نگاه ما و حتی رسانه اختصاص یافته به او فردی است که باید سر کلاس حاضر شود و از او حرفی بیرون بیاید. کسی نه به سلامت او فکر می‌کند و نه مثلاً به بهداشت او توجهی دارد.»

اما بخش پایانی سخنان حاضران در این نشست با حرف‌های ملک‌عباسی دنبال شد و اشاره او به رویکرد مشخص مجلات رشد در طول سال‌های اخیر.

وی در این زمینه گفت: «جایگاه مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در حال حاضر مشخص و روشن است، ولی لازم است کمی دقیق‌تر و حساب‌شده‌تر رفتار کنیم. مشخصاً باید بازخورد خودمان را بالاتر ببریم و راهی برای ارتباط بیشتر میان معلمان با این مجموعه بیابیم.» وی ادامه داد: «گاه حس می‌کنم برخی محتواها درون مجلات رشد در حال حرام شدن است. فرض که ما دلمان خوش باشد تلنگری زده‌ایم اما واقعاً چقدر مطمئن هستیم که با تلنگر ما کسی به پی‌گیری موضوعی علاقه‌مند می‌شود. نخواندن این مجلات واقعیت است و باید برای آن فکری کرد. بد نیست دوره‌ای بگذاریم تا سنجیده شود معلمان ما چقدر از محتوای مجله بهره می‌برند یا دوره‌ای که براساس مطالب موجود در مجلات باشد و حتی در آن مدرک نیز داده شود. در این صورت اقبال از مجله بیشتر هم می‌شود.»

نظام آموزش و پرورش، اهمیت و کارکردهای آن مفهوم و تعریف نظام آموزش و پرورش

نظام در فرهنگ عمید به معنی آراستن، نظم دادن، مرتب کردن و به رشته کشیدن گوه‌ها آمده است. در هر جامعه‌ای نظام‌های متعددی مانند نظام اداری، نظام اقتصادی و نظام آموزشی وجود دارند. نظام آموزش و پرورش به نظامی گفته می‌شود که الگوی کلی نهادهای، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه است و وظایف انتقال فرهنگ و شکوفاسازی آن، پرورش فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را بر عهده دارد (علاقه‌بند ۱۳۷۱: ۷).

اهمیت نظام آموزش و پرورش

یکی از نیازهای اساسی و حقوق مسلم کودکان، نوجوانان، جوانان، و حتی میان‌سالان و بزرگسالان، نیاز به آموزش و پرورش در دوران حیات است. فرموده پیامبر اکرم (ص) «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد»: کسب دانش کنید از گهواره تا گور، اهمیت و ضرورت برخورداری از این موهبت الهی را نشان می‌دهد. امروزه نیز آموزش مداوم و مستمر از شعارهای مهم محافل علمی و تربیتی جهان است.

مطالعه تاریخ آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در گذشته به خاطر ساده بودن ارتباطات انسانی و ناچیز بودن مجموعه میراث اجتماعی و فرهنگی، آموزش و پرورش به وسیله خانواده‌ها صورت می‌گرفته و بیشتر شکل غیر آگاهانه



دکتر احمد صافی



آموزش و پرورش ایران در صد سال گذشته



داشته است. امروزه نظام آموزش و پرورش بنابر ضرورت تغییرات اجتماعی، گسترش علوم و تجربه‌های بشری، توسعه فناوری و پیشرفت‌های صنعتی، یکی از سازمان‌های پیچیده و بزرگ اجتماعی هر کشوری محسوب می‌شود که با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد. همچنین به تدریج از حالت ساده ابتدایی به حالتی پیچیده درآمده است؛ طوری که گرایش به سازمان‌های آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است، به حدی که یکی از شاخص‌های مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می‌دانند که نظام آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است. ثمربخشی این نظام از یک‌سو تبدیل کردن انسان‌های مستعد به انسان‌های بالنده، سالم، متعادل و رشد

یافته است و از سوی دیگر تأمین‌کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخش‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

نظر به چنین اهمیتی است که در عصر کنونی همه کشورهای جهان، از توسعه‌یافته تا در حال توسعه، بر این باورند که آموزش و پرورش:

- حق است چون حق حیات، و در شمار حق دادنی است نه گرفتنی.

- با زیست انسان پیوند خورده است و هر چه زندگی پیچیده‌تر شود، ضرورت وجود آن افزایش می‌یابد.

- نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت است که سود آن در سراسر عمر پدیدار می‌شود.

- باید در سراسر حیات آدمی داده شود و در فراهم آوردن به صورت مناسب آن برای همگان کوتاهی نشود.

- امری پیچیده، وقت‌گیر و پردامنه است که سرمایه‌گذاری بیشتر، برنامه‌های نظام‌یافته و همکاری نهادهای گوناگون جامعه را می‌طلبد.

نظر به چنین اهمیتی است که در عصر کنونی، همه دولت‌های جهانی از

کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می‌دانند و برای همگانی، سراسری و حتی اجباری کردن آن تعهدات سنگینی در قانون‌های اساسی و بنیادی خود می‌گنجانند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می‌دهند (طوسی، محمدعلی، ۱۳۸۴).

کارکردهای نظام آموزش و پرورش

نظام آموزش و پرورش در جهان کنونی وظایف و کارکردهای متعددی را به طور آشکار و نهان بر عهده دارد و ابزار تحقق هدف‌ها و مقاصد اجتماعی به شمار می‌رود. کارکردهای آن به حدی است که جوامع انتظار دارند این سازمان پاسخ‌گوی نیازهای معنوی و مادی آنان باشد و به عنوان عاملی مهم، تحقق نیازهای فردی، اجتماعی و رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را ممکن کند.

کارکردهای آشکار آموزش و پرورش متعدده؛ از جمله:

- انتخاب و انتقال فرهنگ و تمدن بشری

- جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن افراد

- پرورش و رشد شخصیت

کودکان، نوجوانان و جوانان

- تربیت و تأمین نیروی

انسانی جامعه در بخش‌های

کشاورزی، صنعتی و



خدمات، انسان‌های مولد، کارآمد و واجد مهارت‌های فنی

نظام آموزش و پرورش ایران و تحولات آن

مطالعه اسناد مربوط به تاریخ آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که آموزش و پرورش ایران به سبک جدید با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ ه.ش آغاز شد. این مدرسه که به سبک اروپایی اداره می‌شد، شامل دوره‌های متوسطه و عالی بود و به دنبال آن با تشکیل وزارت علوم در سال ۱۳۳۲ و سپس آغاز حکومت مشروطه، مدارس متعددی در سطح ابتدایی و متوسطه در تهران و شهرستان‌ها توسعه یافتند. این نظام و تحول آن را در دو قسمت به شرح زیر بررسی خواهیم کرد:

الف) نظام اداری آموزش و پرورش ایران از تصویب قانون اداری معارف در سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۹۱؛

ب) نظام آموزشی، آموزش و پرورش ایران از تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۹۱.

الف) نظام اداری آموزش و پرورش ایران

پس از تشکیل وزارت علوم در سال ۱۳۳۲، در سال ۱۲۸۶ قانون اداری معارف به تصویب رسید و در آن ترتیب شعبه‌های ادارات مرکزی، وظایف وزیر و اعضای ادارات و ترتیب ادارات معارف و اوقاف در ولایات و ایالات مشخص شد و در تشکیلات مرکزی وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، وزیر معارف، مدیرکل، اداره تعلیم عمومی، اداره معارف، اداره اوقاف، دایره تحقیقات، دایره

تفتیش، دایره محاسبات و هیئت شورای معارف پیش‌بینی شد.

در سال ۱۳۱۷، با تصویب کلمه فرهنگ به جای معارف در فرهنگستان ایران، وزارت معارف، وزارت فرهنگ تفکیک شد. این عنوان تا تصویب قانون همچنان پابرجا بود. این وزارتخانه بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۳، همواره گسترش یافته و سرپرستی و اداره دوره‌های گوناگون تحصیلی، از کودکان تا آموزش عالی، و همچنین امور فرهنگی، هنری و اوقاف را بر عهده داشته است.

در ۱۵ آذر ۱۳۴۳ قانون تفکیک وزارت فرهنگ به تصویب رسید و به موجب آن، کلیه وظایفی که به عهده وزارت فرهنگ بود، به وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف محول شد.

در بهمن‌ماه ۱۳۴۶، با تصویب قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، برای اولین بار وظایف مربوط به آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا و به وزارتخانه علوم و آموزش عالی واگذار شد و وظایف وزارت آموزش و پرورش به دوره‌های تحصیلی کودکان، دبستان، راهنمایی تحصیلی یا متوسطه اول و دوره دوم متوسطه محدود شد.

در سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای برخی از امور آموزش و پرورش به مناطق واگذار شد و در تشکیلات ستادی وزارت آموزش و پرورش، علاوه بر معاونان وزیر، معاونان

آموزشی وزیر در پنج منطقه کشور تعیین شدند.

در سال ۱۳۵۵ قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی و در سال ۱۳۵۴ قانون تشکیل سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس به تصویب رسید.

بعد از انقلاب اسلامی ابتدا در تشکیلات اداری وزارت آموزش و پرورش تغییراتی به عمل آمد. از تعداد معاونان وزیر کاسته شد. بعضی از دفتار و ادارات کل ستادی درهم ادغام و بعضی دیگر حذف شدند. در شرح وظایف تعدادی از دفتار نیز تجدیدنظر به عمل آمد. در تشکیلات ستادی نیز معاون پژوهش و برنامه‌ریزی، معاون امور آموزشی، معاون امور اجتماعی و پرورشی، معاون امور اداری و مالی هدایت دفتار و ادارات کل ستادی را زیر نظر وزیر آموزش و پرورش بر عهده داشتند.

در سال ۱۳۵۸ قانون شورای عالی آموزش و پرورش تجدیدنظر شد و با اصلاحاتی از نظر وظایف و ترکیب اعضا به تصویب شورای انقلاب رسید. شورای عالی آموزش و پرورش مهم‌ترین شورایی است که سابقه‌ای صد ساله دارد و تشکیل آن در تشکیلات اداری مصوب ۱۲۸۶ تصویب گردیده است و هم اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. هم اکنون ریاست جمهور رئیس آن است. شورا ۲۲ عضو دارد و مهم‌ترین وظایف آن عبارتند از:

- تعیین خط‌مشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین موضوعه کشور.

امروزه نظام آموزش و پرورش بنابر ضرورت تغییرات اجتماعی، گسترش علوم و تجربه‌های بشری، توسعه فناوری و پیشرفت‌های صنعتی، یکی از سازمان‌های پیچیده و بزرگ اجتماعی محسوب می‌شود

- بررسی و تصویب هدف‌ها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش برای ارائه به مجلس شورای اسلامی.

- بررسی و تصویب برنامه‌های درسی و تربیتی کلیه مؤسسات آموزشی کشور که در حوزه وزارت آموزش و پرورش قرار دارند.

- بررسی و تصویب مقررات اجرایی یا انضباطی مدارس، آیین‌نامه‌ها و مقررات امتحانات مدارس.

- بررسی و تصویب طرح‌های توسعه در مراحل و رشته‌های گوناگون تحصیلی براساس احتیاجات نیروی انسانی و با توجه به امکانات کشور و تصویب مقررات لازم برای انتخاب، تربیت و استخدام معلمان به تناسب نیاز مراحل تحصیلی.

در سال ۱۳۶۶، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و به موجب آن اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش، محدوده کلی وزارت آموزش و پرورش، اصول، مبانی و خط‌مشی کلی وزارت آموزش و پرورش و وظایف وزارت آموزش و پرورش مشخص شد. بعضی از این وظایف عبارت‌اند از:

- تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش و شوراهای منطقه‌ای آموزش و پرورش.

- تهیه و پیشنهاد برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در جهت تأمین اهداف آموزش و پرورش.

- زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم، تقویت نهضت سوادآموزی، تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه مردم تا پایان دوره متوسطه.

- آموزش مستمر معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقای سطح توانایی شغلی آنان و تأمین نیروی انسانی آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش از طریق ایجاد دانش‌سراها. -ارتباط مستمر با اولیای دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی اوقات فراغت شاگردان و پرورش خلاقیت هنری آنان و چاپ و توزیع کتاب‌های درسی و نشریات کمک آموزشی.

در سال ۱۳۷۲ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور تصویب و اهداف، وظایف و ترکیب اعضای شوراهای آموزش و پرورش استان و شهرستان و منطقه مشخص شد.

با تغییر وزرا معمولاً ابتدا تشکیلات ستادی، سپس استان، شهرستان و منطقه تغییر می‌یابند و در آخرین تشکیلات مصوب ۱۳۸۹، وزارت آموزش و پرورش پنج معاون وزیر تحت عنوان‌های معاونت آموزش ابتدایی، معاونت آموزش متوسطه، معاونت پرورشی و تربیت بدنی، معاونت حقوقی و امور مجلس و معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی و چندین مرکز، اداره کل، دفتر و سازمان‌های وابسته نیز دارد.

از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ نیز در تشکیلات یاد شده تغییراتی صورت گرفته است. معاون سلامت و تربیت بدنی به معاونان وزیر افزوده شده، مراکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری تفکیک شده‌اند و دفتر آموزش پیش‌دستانی نیز حذف شده است. و پژوهشگاه تعلیم و تربیت در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ادغام گردیده و انجمن مرکزی

اولیا و مربیان به سازمان مدارس غیردولتی ملحق شده است.

ب) نظام آموزشی آموزش و پرورش ایران

آموزش و پرورش به سبک جدید در ایران با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ آغاز شد. این مدرسه که به سبک اروپایی اداره می‌شد، شامل دوره‌های متوسطه و عالی بود. به دنبال آن با تشکیل وزارت علوم در سال ۱۳۳۲ و سپس آغاز حکومت مشروطه، مدارس متعددی در سطح ابتدایی و متوسطه در تهران و شهرستان‌ها توسعه یافتند: با تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰، اولین بار در ایران ساختار آموزشی آموزش و پرورش به شرح زیر تعیین شد:

- مکاتب ابتدایی دهکده (روستایی)

- مکاتب ابتدایی بلدی (شهری)

- مدارس متوسطه

- مدارس عالی

در اسفند ۱۳۱۳ با تصویب مجلس، دوره‌های تحصیلی ایران شامل شش سال ابتدایی، سه سال دوره اول متوسطه و سه سال دوره دوم متوسطه و سه سال دوره عالی (در حد کارشناسی) تعیین شد. بنابراین، جمع سال‌های تحصیلی دوره عمومی و عالی ۱۵ سال شامل $۶+۳+۳=۱۲$ اعلام شد. دوره دوم متوسطه شامل یک رشته بود. در سال ۱۳۳۵ دوره متوسطه دوم شامل دو سال عمومی و یک سال تخصصی با رشته‌های ادبی، ریاضی، طبیعی، خانه‌داری و فنی و حرفه‌ای تعیین شدند. در سال ۱۳۴۵، طبق طرح اصلاح نظام

سیر مختصر تاریخی و تکوینی دوره‌های تحصیلی در ایران در صد سال گذشته و ویژگی‌های عمده این دوره‌ها

* دوره پیش‌دبستان

مطالعه اسناد مربوط به دوره پیش‌دبستان در آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که این دوره با نام‌های کودکستان، آمادگی و پیش‌دبستانی سابقه‌ای نزدیک به ۸۰ سال دارد. در آبان ۱۳۱۲، شورای عالی معارف آیین‌نامه‌ای تصویب کرد که براساس آن هدف از تأسیس کودکستان، دست یافتن کودکان به وسایل تفریح، بازی‌های سالم با همسالان و فراگیری قصص ساده و آسان اعلام شده است.

در ساختار آموزشی مصوب ۱۳۴۴، دوره کودکستان به عنوان دوره‌ای تحصیلی پیش‌بینی شده و مدت تحصیل در آن بین ۱ تا ۳ سال تعیین شده است. در سال ۱۳۴۹، آیین‌نامه کودکستان‌ها به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و در آن آمده است: «کودکستان یک واحد تربیتی است که به وسیله یا با اجازه وزارت آموزش و پرورش برای تربیت کودکانی که در سنین پیش از ورود به دبستان هستند، تأسیس می‌شود.»

تربیت مربی کودک در مراکز تربیت معلم و استخدام آنان در وزارت آموزش و پرورش از گام‌هایی است که درباره کیفیت‌بخشی به این دوره برداشته شده است. تحقیقات و مطالعات مؤید این است که خردسالانی که دوره پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند نسبت به خردسالانی که این دوره را طی نکرده‌اند و مستقیماً به دوره دبستان وارد شده‌اند، موفق‌تر بوده‌اند و

پایه‌های تحصیلی اول و ششم ابتدایی براساس مفاد این سند و فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تعلیم و تربیت عمومی، رهنامه و برنامه درسی ملی در سراسر کشور دایر گردد. در مورد برنامه درسی دوره شش ساله ابتدایی باز هم بحث خواهیم کرد.

قوانین مهم آموزش و پرورش ایران در صد سال گذشته

طبق پژوهش‌های سیر تاریخی و تکوینی قوانین آموزش و پرورش ایران از ۱۲۸۶ تا ۱۳۸۰ و بررسی قوانین مصوب آموزش و پرورش در هشت دوره مجلس شورای اسلامی (صافی، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰) حدود ۲۴۰ قانون مرتبط با آموزش و پرورش در مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. این قوانین در راستای مفاد متمم قانون اساسی مشروطیت و اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب شده است. بعضی از این قوانین عبارت‌اند از: قانون اداری معارف مصوب ۱۲۸۶؛ قانون اساسی معارف مصوب ۱۲۹۰، قانون تشکیل شورای عالی معارف مصوب ۱۳۰۰؛ قانون تشکیل دانش‌سراهای مقدماتی و عالی مصوب ۱۳۱۲؛ قانون تعلیمات اجباری مصوب ۱۳۲۲؛ قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش در ۱۳۵۸؛ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۶؛ قانون تخریب و بازسازی مدارس غیراستاندارد؛ قانون اصلاح مواد از قانون مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۸۸.

آموزش و پرورش ایران ساختار آموزشی به این شرح تعیین شد:

۱. دوره کودکستان دو تا سه سال
۲. دوره دبستان پنج سال
۳. دوره راهنمایی تحصیلی سه سال
۴. دوره آموزش حرفه‌ای مقدماتی به موازات دوره راهنمایی تحصیلی دو تا سه سال
۵. دوره متوسطه عمومی - فنی و حرفه‌ای چهار سال

از سال ۱۳۵۸ تا ۶۰ پس از مطالعات گسترده، طرح تغییر نظام بنیادین آموزش و پرورش تهیه و برای تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شد. در سال ۱۳۶۷ کلیات طرح تصویب شد ولی ساختار آموزشی اساس، ارکان، ارشاد متوسطه فراگیر به تصویب نرسید.

در سال ۱۳۶۹ طرح نظام جدید متوسطه تدوین و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و دوره متوسطه سه سال و دوره پیش‌دانشگاهی یک سال تعیین و اعلام شد: از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۱-۹۲ در ساختار آموزشی آموزش و پرورش ایران تغییراتی ایجاد و طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب آذرماه، شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل دوره ابتدایی شش ساله، دوره اول متوسطه سه ساله و دوره دوم متوسطه سه ساله تعیین شد. این سند که در هشت فصل به تصویب رسیده است، شامل بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت چشم‌انداز، هدف‌های کلان، راهبردهای کلان، هدف‌های عملیاتی و راهکارها و چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش است و مقرر شده که از سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در

روان‌شناسان کودک و علمای تعلیم و تربیت بر ضرورت توجه به رشد شخصیت کودکان در دوره خردسالی تأکید دارند



هزینه و خدمات بعدی مورد نیاز برای گروه آموزش ندیده از نظر افت تحصیلی و نیاز به کلاس‌های حمایتی و تقویتی حدود هفت برابر گروه آموزش دیده بوده است. در کشور ژاپن کودکان قبل از ورود به مدارس ابتدایی، در کلاس‌های آمادگی یا کودکانستان حضور می‌یابند. در حال حاضر، ۹۰ درصد کودکان پنج ساله این کشور در این مراکز تربیتی حضور دارند. ۶۰ درصد این مراکز را بخش خصوصی اداره می‌کند (صافی، ۱۳۸۹). آلمان، استرالیا، فرانسه، کره جنوبی، تایوان، کانادا، مالزی و آفریقای جنوبی نیز در تلاش‌اند تا آموزش کودکان را زیر پوشش آموزش همگانی درآورند. در ایران به چند دلیل سیاست‌گذاری دولت و بخش خصوصی در ایجاد و گسترش مراکز پیش‌دبستانی ضرورت دارد:

– در منابع اسلامی به تربیت کودکان اهمیت داده شده است و علما بر آن تأکید کرده‌اند.

– روان‌شناسان کودک و علمای تعلیم و تربیت بر ضرورت توجه به رشد شخصیت کودکان در دوره خردسالی تأکید دارند.

– داده‌های پژوهشی بر اهمیت این دوره در جهان و ایران و تأثیر آن در دوره دبستان دلالت می‌کند.

– اجرای مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین آموزش و پرورش و مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه ضرورت دارد.

– خانواده‌های کم‌درآمد و بی‌سواد یا کم‌سواد به استفاده از یک محیط سالم تربیتی محتاج‌اند.

– مشکلات کودکان مناطق دوزبانه و دارای گویش‌های محلی زیاد است.

– تشخیص کودکان استثنایی و کمک به آنان برای حضور در کلاس‌های خاص ضرورت دارد.

مطالعه اسناد مربوط به این دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد که گسترش دوره‌های آمادگی از جمله سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش بوده و در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ نزدیک به ۴۸۰/۰۰۰ خردسال در مراکز پیش‌دبستانی دولتی و خصوصی وزارت آموزش و پرورش تحت تربیت قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۳۸۲ نیز موضوع کیفیت‌بخشی به این دوره به تفصیل در شورای عالی آموزش و پرورش مطرح و اساس‌نامه، آیین‌نامه و ضوابط و برنامه‌ها و روش‌های تربیتی لازم در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسیده و برای اجرا ابلاغ شده است.

جایگاه دوره پیش‌دبستانی در سندهای تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی

در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مصوب آذرماه ۱۳۹۰، در فصل اول، «کلیات»، در مورد سنین لازم‌التعلیم آمده است: «سن تعلیم و تربیت رسمی پنج سالگی است اما سن افراد لازم‌التعلیم (لازم‌التربیت) طبق قانون مشخص می‌شود».

در فصل ششم، قسمت راهبردهای کلان بند (۱۰) آمده است که ارتقای جایگاه نظام تعلیم و تربیت کشور به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی

انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و اعمال سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت آن، از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، به عنوان امر حاکمیتی، با توسعه مشارکت همگانی، از راهبردهای کلان آموزش و پرورش است.

در فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها در مورد پیش‌دبستانی، آمده است «تعمیم دوره پیش‌دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند در حد امکان با مشارکت بخش غیردولتی، با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی، از راهکارهای مهم آموزش و پرورش است.

در اسناد فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه تعلیم و تربیت رسمی عمومی نیز اهمیت، ضرورت و جایگاه آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان مورد تأکید قرار گرفته است.

ملاحظات کلی: امروزه مشاهدات، مطالعات و تحقیقات انجام شده - به گونه‌ای که مطرح شد - نشان می‌دهد که کودکان پنج شش ساله آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند و پرورش حواس، تخیل و شخصیت آنان مستلزم فراهم شدن فضای مناسب تربیتی و ایجاد عادات مناسب در رفتار آنان است. لذا براساس طرح‌های اصلاح و تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش و سیر تاریخی و تکوینی دوره پیش‌دبستانی در ایران و سند تحول نظام آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰ لازم است به گسترش این دوره به ویژه برای مناطق

در سال ۱۳۶۹ طرح نظام جدید متوسطه تدوین و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و دوره متوسطه سه سال و دوره پیش‌دانشگاهی یک سال تعیین و اعلام شد

دوره ابتدایی در تمام نظام‌های آموزش و پرورش جهان مهم‌ترین دوره تحصیلی به شمار می‌آید، زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می‌گیرد

دوزبانه و محروم، با سرمایه‌گذاری دولت، توجه شود.

با وجود نکات یاد شده و ضرورت این امر، در تیرماه ۱۳۹۱ ثبت‌نام کودکان پیش‌دبستانی در مدارس دولتی ممنوع شده و دفتر آموزش پیش‌دبستانی نیز از دستگاه ستادی زیر نظر معاونت آموزش ابتدایی حذف شده و کارشناسان برنامه‌ریز این دوره در سطح ستاد، استان و منطقه محدود گردیده و فراهم کردن بستر این مرحله از تربیت آدمی به بخش خصوصی واگذار شده است.

* دوره ابتدایی مفاهیم، تعاریف و زمان

در قانون اساسی معارف مصوب ۱۲۹۰، مکاتب دهکده و بلدی (شهری) قبل از دوره متوسطه و دوره عالی به عنوان اولین دوره تحصیلی رسمی، یعنی ابتدایی ایران، مطرح شده است.

در قانون تعلیمات اجباری مصوب ۱۳۲۲ و مصوبات شورای عالی فرهنگ و شورای عالی آموزش و پرورش، این دوره، با اسامی گوناگون «تعلیمات ابتدایی»، «تعلیمات اجباری»، «آموزش همگانی» و «مرحله اول آموزش عمومی» اعلام شده است و در ساختارهای آموزشی آموزش و پرورش ایران (که قبلاً مطرح شد) دوره ابتدایی، اولین دوره رسمی تحصیلی ایران، ابتدا به صورت دوره‌ای شش ساله تا سال ۱۳۴۵ و از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۱ پنج ساله و از ۱۳۹۱ طبق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شش ساله برنامه‌ریزی شده است. مطالعه اسناد مربوط به این دوره نشان می‌دهد

که آموزش ابتدایی در ایران در مراکزی به نام دبستان انجام گرفته است و تعریف دبستان عبارت است از: یک واحد تربیتی که به وسیله یا با اجازه وزارت آموزش و پرورش برای تربیت کودکان سنین شش تا ده سال تأسیس می‌شود.

اهمیت

دوره ابتدایی در تمام نظام‌های آموزش و پرورش جهان مهم‌ترین دوره تحصیلی به شمار می‌آید، زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می‌گیرد. دوره ابتدایی تداوم بخش تکوین زیستی، شناختی و اجتماعی کودک است که در خانواده پی‌ریزی شده است. دوره ورود به سرزمین خواندن و نوشتن است و آشنایی با محیط زیستی و اجتماعی. دوره بازی و لذت و شادی زندگی است و دوره برخورداری از نعمت پرورش حواس و ورود به آداب اجتماعی و آشنایی با نقاشی و شعر و قصه کودکان. نظر به چنین اهمیتی است که در اعلامیه حقوق بشر آمده است: «هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش حداقل تا حدودی که به تعلیمات ابتدایی و اساسی مربوط است باید رایگان باشد و اجباری. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط مساوی و کامل در دسترس قرار گیرد تا همه بر استعداد خود از آن بهره‌مند شوند (صافی، ۱۳۸۹: ۴۱).

در ایران به دلایل متعدد از جمله تأکید فرهنگ اسلامی و ایرانی و قانون اساسی معارف، قوانین تعلیمات اجباری

و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توجه به عمومی، اجباری و مجانی بودن این دوره ضرورت داشته و دارد. در طرح‌های اصلاح آموزش و پرورش مصوب ۱۳۴۴، تغییر نظام آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۷، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰، به گسترش کمی و کیفی این دوره تأکید شده است.

اهداف

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اهداف آموزش و پرورش این دوره را در سه حیطه شناختی، عاطفی، و روانی حرکتی تعیین کرده‌اند. در شورای عالی آموزش و پرورش اهداف این دوره در چند بعد تعیین و اعلام شده است: هدف‌های اعتقادی و اخلاقی؛ هدف‌های علمی-آموزشی؛ هدف‌های فرهنگی، هنری؛ هدف‌های اجتماعی؛ هدف‌های زیستی؛ هدف‌های اقتصادی.

در سال ۱۳۸۹ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش سند برنامه درسی ملی را تهیه و برای تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش پیشنهاد کرد. در این سند اهداف و برنامه‌های درسی دوره شش ساله ابتدایی پیشنهاد شده است که تا تیرماه ۱۳۹۱، هنوز به تصویب نرسیده است، ولی شورای عالی آموزش و پرورش برای پایه ششم ابتدایی، اهداف را تصویب و اعلام کرده است:

۱. تکمیل، تعمیق و تثبیت اهداف مصوب دوره ابتدایی متناسب با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همسو با برنامه درسی ملی.

۲. تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان در راستای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه متناسب با موقعیت‌ها و نیازهای جدید و پاسخ به اقتضائات آن و کسب آداب و مهارت‌های ضروری برای ورود به دوره تحصیلی بعدی و تأمین زندگی.

برنامه‌های درسی و تحول آن‌ها

پس از تصویب ساختار آموزشی ایران در قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ و پیش‌بینی دوره شش ساله ابتدایی در این ساختار، برنامه درسی این دوره ابتدا در شورای عالی معارف، سپس در شورای عالی فرهنگ و از سال ۱۳۴۳ تاکنون در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است.

مطالعه اسناد مربوط به برنامه درسی این دوره نشان می‌دهد که ساعات درسی دوره ابتدایی ابتدا در هر پایه متفاوت بوده و پایه اول دبستان ۱۸ ساعت و در پایه ششم ۲۸ ساعت بوده است و دروسی مانند فارسی، شرعیات، قرآن، علم‌الاشیاء، حساب و هندسه، اخلاق، حفظ‌الصحه، ورزش بدنی، جغرافیا، تاریخ و تعلیمات مدنی در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵ تدریس شده‌اند.

با تصویب طرح اصلاح آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۵ و آغاز دوره پنج ساله ابتدایی، ساعات درسی همه پایه‌های این دوره ۲۸ ساعت تعیین شده و دروس دین و اخلاق، زبان و ادبیات فارسی، حساب و هندسه، علوم تجربی و بهداشت، تعلیمات اجتماعی، هنر و کاردستی، و ورزش و بازی تدریس شده است. در سال ۱۳۹۰ با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش، ساعات درسی این دوره در همه پایه‌ها کم شده و به ۲۵ ساعت در هر پایه رسیده است.

دروس ارائه شده در دوره ابتدایی پنج ساله در سال ۱۳۹۰ عبارت‌اند از: قرآن، تعلیمات دینی، زبان و ادبیات فارسی، تعلیمات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، هنر و خوش‌نویسی، و ورزش. برنامه سال ششم که از مهرماه ۱۳۹۱-۹۲ اجرا شده عبارت است از قرآن، تعلیمات دینی، زبان و ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و آداب زندگی، ریاضیات، علوم تجربی، هنر، سلامت و تربیت بدنی، تفکر و پژوهش، کار و فناوری. مقایسه برنامه‌ها و ساعات درسی کلاس ششم ابتدایی با پنجم ابتدایی نشان می‌دهد که بین مواد برنامه این دو سال، جز ارائه دو درس

تفکر و پژوهش، و کار و فناوری (به مدت هر کدام یک ساعت در هفته) تفاوت عمده‌ای وجود ندارد. اگر سال ششم ابتدایی را اول راهنمایی سابق تلقی کنیم، تنها تفاوت این است که ساعات درسی از ۳۳ ساعت به ۲۵ ساعت تقلیل یافته و دروس عربی، زبان خارجه و حرفه‌وفن از برنامه حذف شده‌اند.

کتاب‌های درسی

مطالعه سیر تاریخی و تکوینی تألیف، چاپ و انتشار کتاب‌های درسی ابتدایی نشان می‌دهد که این کتاب‌ها به سفارش مقامات ذی‌ربط در وزارت معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش تألیف شده‌اند و پس از تصویب قانون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در سال ۱۳۵۵ تاکنون، توسط دفتر ذی‌ربط این سازمان تألیف، چاپ و منتشر شده‌اند.

ارزش‌یابی

مطالعه سیر تاریخی و تکوینی ارزشیابی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در ۱۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد که چگونگی سنجش پیشرفت تحصیلی و نحوه ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان دوره



سن تعلیم و تربیت
رسمی پنج سالگی
است اما سن
افراد لازم التعلیم
(لازم التربیت) طبق
قانون مشخص
می شود

ابتدایی براساس آیین نامه های امتحانی مصوب شورای عالی معارف، شورای عالی فرهنگ و شورای عالی آموزش و پرورش صورت گرفته است و مدتی نتایج انتخابات به صورت عددی (۱ تا ۵) و (۱ تا ۲۰)، و در سال های اخیر در پایه های اول، دوم و سوم به صورت توصیفی اعلام شده است.

وزارت فرهنگ طرح ارزشیابی توصیفی را در سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ در پایه های اول، دوم، سوم و چهارم ابتدایی در سراسر کشور اجرا کرده و به علت موفق نشدن ادامه نیافته است. مجدداً این طرح با اهداف و ضوابط خاصی در سال های اخیر در پایه های اول، دوم و سوم ابتدایی ابتدا به صورت آزمایشی و سپس سراسری اجرا شده است. هم اکنون صاحب نظران و مجریان در مورد محاسن و محدودیت های این طرح رویکردهای متفاوتی دارند که ارزشیابی دقیق از آن توسط متخصصان ضروری به نظر می رسد.

مجتمع های آموزش روستایی

گرچه در طول ۱۰۰ سال آموزش و پرورش ایران مجتمع های آموزشی در شهرها و روستاها دایره شده اند، ولی در سال های ۱۳۸۸ تاکنون مجتمع های آموزشی روستایی با اهداف و ویژگی های خاصی دایر شده و معاونان این مدارس مدیریت این واحدهای آموزشی را بر عهده داشته اند.

* دوره راهنمایی تحصیلی

براساس ساختار آموزشی مصوب ۱۳۴۴، اولین بار در نظام آموزش و

پرورش ایران بعد از دوره پنج ساله ابتدایی (مرحله اول تعلیمات عمومی)، دوره راهنمایی تحصیلی به عنوان مرحله دوم تعلیمات عمومی به مدت سه سال پیش بینی شد که این دوره از مهرماه ۱۳۵۰-۱۳۵۱ آغاز شد و نزدیک به ۲۵۰/۰۰۰ دانش آموز در سال اول راهنمایی ثبت نام کردند.

از آنجا که این دوره از سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱ تا سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ ادامه یافت، وجه تسمیه آن، اهداف و اصول حاکم بر آن، برنامه های درسی، قوانین و مقررات، گسترش کمی، محاسن و تنگناهای عمده آن را می آوریم:

وجه تسمیه

در طرح تفصیلی دوره راهنمایی تحصیلی (۱۳۴۶: ۵) در مورد علت اختصاص مرحله دوم تعلیمات عمومی ایران به دوره سه ساله راهنمایی آمده است: امور راهنمایی از نظر تربیتی خاص دوره تحصیلی معینی نیست. در نظام آموزش و پرورش نیز به این اصل کلی توجه شده و آنچه مورد نظر بوده است، وارد شدن مفهوم راهنمایی در آموزش و پرورش و لزوم توجه به تفاوت های فردی و فراهم ساختن شرایط بهره برداری صحیح از استعدادهاست که در همه سطوح تعلیمات رسمی باید مورد توجه باشد.

از نظر تأکید در مسئله شناخت استعدادها و لزوم راهنمایی نوجوانان، مرحله دوم تعلیمات عمومی، از نظر شرایط رشد و ظهور استعدادهای فردی، برای مطالعات علمی و تربیتی در زمینه هدایت نوجوانان، دوره مناسبی است. بنابراین این دوره را دوره راهنمایی تحصیلی نامیده اند.

اهداف

در برنامه تفصیلی دوره راهنمایی تحصیلی که در سال ۱۳۴۶ تهیه شده، اهداف این دوره چنین معرفی شده اند:

- پرورش فضایل اخلاقی و معنوی دانش آموزان.
- کمک به ایجاد و پرورش عادت نظم و ترتیب و تفکر علمی که از دوره پنج ساله ابتدایی آغاز شده است.
- تشخیص استعدادها و رغبت های فردی دانش آموزان در رشته های نظری، فنی و حرفه ای، و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیلی به رشته های مختلف برحسب استعداد و احتیاج کشور.

استاد غلامحسین شکوهی در کتاب تربیت و مراحل آن (۱۳۸۰) پس از ذکر هدف های یاد شده نتیجه می گیرد که این دوره باید به گونه ای اجرا شود که:

- دانش آموزان فرصت های لازم را برای فعالیت های گسترده آموزش و پرورش داشته باشند تا از این طریق استعدادهای نهفته آنان شکوفا شود.

- محتوای برنامه و کتاب های درسی و اجرای برنامه رسمی تحصیلات به گونه ای باشد که نوجوانان علاقه مند به تحصیل را به خوبی برای دوره بعد آماده کند.

- آن عده از فارغ التحصیلان دوره راهنمایی را که به عللی ترک تحصیل می کنند، برای شروع زندگی اجتماعی و تولیدی آماده کند.

- موجباتی فراهم شود تا فارغ التحصیلان این دوره برای انتخاب رشته تحصیلی یا اشتغال به کار و حرفه به خوبی هدایت شوند.

- توزیع فارغ التحصیلان این دوره در شعب مختلف و کار تولیدی براساس

استعداد، علاقه‌های شخصی، معلومات و اولویت‌های نیاز بازار کار صورت گیرد؛ به گونه‌ای که این توزیع، نیروی انسانی مورد احتیاج در بخش‌های گوناگون را در حد معقول تعیین کند.

- باتوجه به خصوصیات نوجوانی، به پرورش فضایل اخلاقی و تعادل جسمانی و روانی اهمیت لازم داده شود.

در شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹ اهداف دوره راهنمایی تحصیلی در راستای اهداف غایی و کلی آموزش و پرورش در این حیطه‌ها تعیین و تصویب شد: اعتقادی؛ اجتماعی؛ علمی؛ سیاسی؛ اخلاقی؛ جسمانی؛ عاطفی.

اصول حاکم

در کمیسیون دوره راهنمایی تحصیلی وابسته به شورای تغییر نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۴ اصول و خط‌مشی‌های دوره راهنمایی به این شرح تصویب و اعلام شده است:

- از آنجا که دوره راهنمایی تحصیلی با سن نوجوانی و دوره انتقال از مرحله کودکی به مرحله نوجوانی و کمال مقارن است، برای موفقیت در این انتقال باید به دانش‌آموزان این دوره کمک کرد تا خود را بشناسند، به تفاوت‌های خود با دیگران پی ببرند. از خویشتن در حد امکاناتی که دارند متوقع باشند و از تحولات جسمانی و روانی خود آگاه شوند.

- از آنجا که نوجوان به شناخت محیط و کشف اسرار طبیعت و محیط اطراف علاقه‌مند است. باید شرایطی فراهم شود که محیط خود را بشناسد و با طبیعت انس پیدا کند. از این‌رو، لازم است مقدمات شناخت علمی محیط

(طبیعی و اجتماعی) در دوره راهنمایی تحصیلی برای وی فراهم شود.

- از آنجا که باید به تدریج مستقل زیستن و نحوه پاسخ‌گویی به نیازهای خود را به درستی بیاموزد و بتواند در مواقع ضروری تصمیم مناسب اتخاذ کند، باید به دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی کمک شود تا به خویشتن متکی باشند و به تدریج به اداره زندگی خود بپردازند.

- از آنجا که با رشد و تحول سریع جسمی و روانی، نوجوانان دوره راهنمایی تحصیلی با مشکلات گوناگونی مواجه می‌شوند، باید آنان را در شناخت مشکلات خود و روش‌های روبه‌رو شدن و حل آن‌ها یاری کرد. رعایت این اصل مستلزم ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس راهنمایی تحصیلی است.

- باید به پرورش استعدادها، عمومی و به تدریج استعدادها، اختصاصی دانش‌آموزان این دوره توجه و زمینه برای تشخیص علاقه و استعدادها، آنان مساعد شود.

- باید از راه شرکت دادن نوجوان در امور راهنمایی تحصیلی و سپردن

وظایف مناسب به وی، به پرورش اجتماعی و پذیرش نقش اجتماعی او کمک کرد؛ به نحوی که روحیه همکاری و تعاون و تشریک مساعی در نوجوان تقویت شود و به قوانین و مقررات زندگی اجتماعی احترام بگذارد.

- در دوره راهنمایی تحصیلی باید به هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توجه شود و در انتخاب رشته

تحصیلی براساس رغبت، استعدادها، امکانات و نیازهای جامعه به آنان کمک شود.

- با توجه به اهداف و ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره باید راه‌های بهره‌گیری صحیح از اوقات فراغت به آنان آموخته شود.

- نظر به ضرورت انتخاب مسیرهای تحصیلی و در مواردی شغلی، باید همکاری لازم بین مدارس راهنمایی تحصیلی و سازمان‌های فرهنگی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی جامعه فراهم شود؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان با حرفه‌ها و مشاغل و امکانات جامعه آشنا شوند.

- آموزش و پرورش دوره راهنمایی تحصیلی باید همگانی باشد و شرایط و امکانات لازم برای برخورداری از برنامه‌های این دوره برای همه نوجوانان یازده تا سیزده ساله فراهم شود.

- باید به علاقه نوجوان به یادگیری توجه کرد و راه یاد گرفتن و خودآموزی و تحقیق را به وی آموخت.





ارائه شده‌اند:

این خدمت در مدرسه‌ها، مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانی استفاده می‌شود. مشاوران از روش‌های گوناگون مشاوره برای شناخت مراجع و کمک به کاهش مشکلات آنان استفاده می‌کنند.

- خدمات طرح‌ریزی تحصیلی، شغلی، ارجاع و پیگیری: هدف عمده از این خدمات، یاری دادن به دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی است تا بتوانند در تهیه طرح‌های آینده تحصیلی و شغلی و بهره‌وری از فرصت‌ها و امکانات مدرسه و بازار کار توفیق یابند.

مدل‌های راهنمایی و چگونگی انتخاب رشته

صاحب‌نظران دوره راهنمایی و مشاوره در آثار ارزشمند خود از انواع یا مدل‌های تحصیلی، حرفه‌ای - شغلی و سازشی نام برده و بر استفاده از این مدل‌ها در همه دوره‌ها از جمله راهنمایی، متوسطه و دانشگاه تأکید کرده‌اند. راهنمایی تحصیلی کوششی است انسانی و علمی برای برقراری حداکثر توافق ممکن بین خصوصیات دانش‌آموزان و امکانات و مقتضیات تحصیلات بعدی (شکوہی، ۱۳۶۲). راهنمایی تحصیلی فرایند کمک به فراگیرندگان است در انتخاب دروس یا رشته‌های تحصیلی، یا آگاهی از مقررات آموزشی و امتحانی و هر مشکلی که در محیط تحصیلی ایجاد شود.

از سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰، مشاوران مدارس راهنمایی تحصیلی که از دانشگاه تربیت معلم درجه فوق‌لیسانس راهنمایی و مشاوره داشتند، به راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان این

- خدمات اطلاعاتی یا اطلاع‌رسانی: منظور از این خدمات، عرضه اطلاعات گوناگون و وسیعی است که از طریق صحبت کردن، سخنرانی، ارائه فیلم، تکثیر و توزیع نوارهای سخنرانی و مصاحبه، انتشار پوستر، تشکیل نمایشگاه، درج در روزنامه‌های دیواری، رسم نمودار و جدول‌های گوناگون، بازدیدهای متعدد و در مواردی رایانه صورت می‌گیرد. معرفی شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش، آشنایی با مشاغل در هفته مشاغل و تهیه و انتشار بروشورهای تحصیلی و شغلی از جمله خدمات اطلاعاتی به شمار می‌آید.

- خدمات مربوط به ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان: این خدمات شامل جمع‌آوری اطلاعات همه‌جانبه، کاربرد روش‌ها و ابزار شناخت و تجزیه و تحلیل اطلاعات و استفاده از اطلاعات مثبت و عینی در مورد هر دانش‌آموز است. مشاوران از طریق بررسی کارنامه‌ها و نمرات درسی دانش‌آموزان، مشاهده رفتار آنان، مصاحبه و اجرای گروه سنجی و اجرای آزمون‌های گوناگون به ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان می‌پردازند. در این امر می‌توانند از دبیران، خانواده‌ها و سایر کارکنان مدرسه نیز کمک بگیرند.

- خدمات مشاوره‌ای: مشاوره ارتباط رویاروی و مستقیم بین مشاور و مراجع است و هدف از آن کمک به مراجع در سازگاری مؤثرتر با خود و محیط است. خدمات مشاوره‌ای خودشناسی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند و فرایندی کمکی برای حل مشکلات آنان است. از

- نظر به اینکه آموزش و پرورش این دوره به وسیله آموزشگاه و خانواده، مانند دوره ابتدایی، انجام می‌گیرد، باید همکاری و هماهنگی لازم بین خانه و مدرسه برقرار و شرایط برای پرورش استعدادهای دانش‌آموزان و انتخاب رشته تحصیلی مناسب فراهم شود.

برنامه درسی

در برنامه تفصیلی دوره راهنمایی مصوب ۱۳۴۶، برای دانش‌آموزانی که از سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰ اولین بار در دوره راهنمایی تحصیلی ثبت‌نام کردند، در هفته ۳۶ ساعت برنامه درسی پیش‌بینی شد. از ۵۱-۱۳۵۰ تا پایان ۹۱-۱۳۹۰ در برنامه درسی هفتگی این دوره، به لحاظ نام درس و ساعات هفتگی، تغییرات مختصری صورت گرفت. درس‌هایی که در این مدت، در دوره راهنمایی تحصیلی تدریس می‌شدند عبارت بودند از: قرآن، تعلیمات دینی، عربی، تعلیمات اجتماعی، تاریخ، جغرافیه، زبان و ادبیات فارسی، زبان خارجه، ریاضیات، علوم تجربی، شناخت حرفه‌وفن، هنر، ورزش، آموزش آمادگی دفاعی و امور پرورشی.

ساعات هفتگی از ۳۲ تا ۳۶ ساعت در هفته در هر پایه ارائه می‌شد. برای اکثر درس‌ها، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش کتاب درسی تألیف کرده بود.

خدمات راهنمایی و مشاوره

به منظور تحقق اهداف و اصول و برنامه‌های این دوره استفاده از خدمات راهنمایی و مشاوره تأکید شده است. این خدمات از سال ۵۱-۱۳۵۰ در چهار زمینه

دوره اقدام کردند و علاوه بر پیشگیری از افت تحصیلی، زمینه را برای موفقیت در تحصیل و انتخاب رشته فراهم ساختند. از ۵۱-۱۳۵۰ فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی توسط مشاوران ابتدا به شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای راهنمایی می‌شدند. طبق طرح نظام جدید متوسطه که مورد بحث قرار خواهد گرفت، انتخاب رشته از سال ۷۱-۱۳۷۰، به جای پایان دوره راهنمایی در پایان سال اول متوسطه صورت گرفته است.

* دوره متوسطه مفهوم و تعریف

از کلمه متوسطه در نظام آموزش و پرورش استفاده می‌شود. این دوره که نقش واسطه‌ی میانی دوره ابتدایی و دوره عالی را ایفا می‌کند. در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو آمده است که دوره متوسطه عبارت است از دوره‌یبرزخ یا دوره انتقالی میان آموزش پایه که عمومی و نیمه تخصصی است و آموزش تخصصی‌تر در سطح آموزش عالی. دوره انتقال میان کودکی و جوانی است و دوره‌ای میانی که به واسطه‌ی بسیاری از فشارهای روانی، جسمانی و مشکلات سازگاری، ویژگی‌های خاصی را به نوجوان می‌بخشد. این دوره در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منبع اصلی تولید نیروی انسانی نیمه‌ماهر است و ممکن است از سه جهت دوره انتقالی باشد:

- انتقال از آموزش عمومی، همگانی و غیرتخصصی به آموزش دانشگاهی و تخصصی خاص عده‌ای محدود

- انتقال از محیط آموزشی به محیط کار و زندگی
- انتقال از دوره میان کودکی که نیازهای فرد تحت نظر و مراقبت دیگران تأمین می‌شود و بلوغ و جوانی که به فرد استقلال و قبول مسئولیت می‌دهد. هر یک از این ابعاد به تنهایی از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (صافی، ۱۳۸۶: ۸۹).

در قانون اساسی معارف مصوب ۱۳۹۰، مدارس متوسطه به عنوان مدارس که بعد از دوره ابتدایی و قبل از مدارس عالی تشکیل می‌شوند معرفی شده‌اند.

تاریخچه ظهور و تکوین

تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ سرآغاز دوره متوسطه به سبک جدید در ایران است. الگوی این مدرسه از نظر ساخت، برنامه‌های درسی و مقررات آموزشی، از کشورهای اروپایی، به ویژه فرانسه، اقتباس شده است.

در دستور تحصیلات شش ساله متوسطه، مصوب ۱۳۱۰، پس از دوره شش ساله ابتدایی، دوره متوسطه به صورت دوره اول و دوره دوم اعلام و مدت تحصیل در هر دوره سه سال تعیین شد.

در سال ۱۳۱۳ محل تحصیل دوره ابتدایی را دبستان و مدرس این دوره را معلم و محل تحصیل دوره متوسطه را دبیرستان و مدرس این دوره را دبیر نام نهادند.

در سال تحصیلی ۳۵-۱۳۳۴ با تصویب شورای عالی فرهنگ، رشته‌های عمومی ادبی، ریاضی و طبیعی و نیز

خانه‌داری مخصوص دختران و فنی و کشاورزی مخصوص پسران ایجاد شدند. در آیین‌نامه مصوب ۱۳۳۸، بر استفاده از خدمات راهنمایی و توجه به استعداد و علاقه دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی تأکید شد.

در طرح اصلاح آموزش و پرورش مصوب ۱۳۴۴ و به دنبال تأسیس دوره راهنمایی تحصیلی، دوره متوسطه عمومی، فنی و حرفه‌ای شامل چهار سال تحصیلی رسمی در دو بخش عمده نظری، فنی و حرفه‌ای با رشته‌های متنوع و متعدد پیش‌بینی شد.

در سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ ساختار آموزش متوسطه عبارت بود از:

- شاخه عمومی شامل رشته‌های اقتصاد - اجتماعی، فرهنگ و ادب، علوم تجربی و ریاضی - فیزیک.

- شاخه جامع شامل رشته‌های متنوعی با عنوان آموزش عمومی فنی، بازرگانی، حرفه‌ای و کشاورزی (که پس از یک سال اجرا متوقف ماند).

- شاخه فنی و حرفه‌ای شامل سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی (با رشته‌های متعدد از هر بخش)

مدت تحصیل در هر یک از شاخه‌ها چهار سال اعلام شده بود. از سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ تا ۷۱-۱۳۷۰ مدت تحصیل در این دوره، کماکان چهار سال تعیین شد و رشته‌های تحصیلی فرهنگ و ادب و اقتصاد - اجتماعی درهم ادغام و به نام رشته ادبیات و علوم انسانی اعلام شدند.

در سال ۱۳۶۹ طرح تغییر نظام آموزش متوسطه پیشنهاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را تصویب کرد. در

در بهمن‌ماه ۱۳۴۶، با تصویب قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، برای اولین بار وظایف مربوط به آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا و به وزارتخانه علوم و آموزش عالی واگذار شد و وظایف وزارت آموزش و پرورش به دوره‌های تحصیلی کودکان، دبستان، راهنمایی تحصیلی یا متوسطه اول و دوره متوسطه دوم محدود شد

کمبود معلمان
حاذق و مدیران
ماهر و عالم و
متخصصان و
استفاده از معلمان
کم تجربه به
ویژه در روستاها
و نبود برنامه
جامع تربیت و
تأمین نیروی
انسانی، یکی از
تهدیدهای مهم
آموزش و پرورش
است

این طرح به چند مزیت کار اشاره شده است:

- نیم سالی و واحدی کردن دوره متوسطه و دوره پیش دانشگاهی
- تشکیل شاخه کار دانش و توجه به

پودمان های مهارت

- ارزش دادن به آموخته های خارج از مدرسه

- کوتاه شدن دوره آموزش عمومی از دوازده سال به یازده سال

- پیش بینی دوره پیش دانشگاهی - ارائه دروس به صورت عمومی،

اختصاصی و پودمان های مهارت - آسان تر شدن تغییر رشته تحصیلی

- امکان خروج از تحصیل و ورود به بازار کار

- توجه بیشتر به استعدادها و علاقه های دانش آموزان

- استفاده از فضاها و امکانات درونی و بیرونی مدارس متوسطه

- کاهش زبان های ناشی از تکرار پایه یا ترک تحصیل

- تشکیل دوره های کردانی پیوسته و کاهش یک سال از دوره کردانی

طرح جدید متوسطه از ۷۱-۱۳۷۰ تاکنون با تغییراتی ادامه دارد؛ از جمله:

- دوره پیش دانشگاهی که در مراکز جداگانه دایر شده بود در دبیرستان ها

تشکیل گردید.

- نظام نیم سالی به نظام سالی واحدی تغییر یافت.

- در سال گذشته سال اول متوسطه نیز به صورت نظام سالی واحدی اجرا شد.

- در برنامه های درسی دوره متوسطه تغییراتی ایجاد شد.

- مدت تحصیل در رشته های فنی و حرفه ای و کار دانش همانند رشته های نظری چهار سال تعیین شد.

اهداف

مطالعه روند تعیین اهداف دوره متوسطه در ایران و تحول آن نشان می دهد که در ابتدا مهم ترین هدف

آموزش متوسطه، تربیت افراد برای جذب و استخدام در ادارات دولتی ایران بوده

است. دارا بودن مدرک تحصیلی دوره اول متوسطه و دیپلم از شرایط استخدام

در سازمان های دولتی اعلام شده است. در دستور تحصیلات دوره های

اول و دوم متوسطه، مصوب شورای عالی فرهنگ، علاوه بر هدف یاد شده،

تکمیل اطلاعات عمومی و آماده شدن برای ورود به مدارس عالی نیز تأکید

شده است.

در سال ۱۳۳۸، در آیین نامه دوره متوسطه، اهداف اختصاصی دوره دوم

متوسطه به این شرح تعیین شده است.

- تکمیل اطلاعات عمومی دانش آموزان

- آماده کردن شاگردان برای ورود به دانشگاه ها

- آموختن حرف و صنایع و آشنا کردن دانش آموزان با مبادی مشاغل آزاد

در طرح آموزش متوسطه مصوب ۱۳۶۹، هدف کلی آموزش متوسطه و

پیش دانشگاهی و کردانی (پیوسته) را اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی

و آماده ساختن جوانان برای اشتغال مفید یا ادامه تحصیل در سطوح عالی تر

تحصیلی (آموزش های علمی - کاربردی و دانشگاهی) اعلام کرده و اهداف

هر یک از شاخه ها به این شرح تعیین شده اند:

هدف شاخه متوسطه نظری:

اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و شناخت بهتر استعدادها و علاقه های

دانش آموزان و ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آنان به مسیرهای تحصیلی

مورد نظر و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیلات عالی تر دانشگاهی.

هدف شاخه متوسطه فنی و حرفه ای:

اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و شناخت بهتر استعداد و علاقه های

دانش آموزان و ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آنان به سمت اشتغال

مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیلات عالی تر کاربردی - علمی.

هدف شاخه کار دانش (مهارت آموزی):

تربیت نیروی انسانی سطوح نیمه ماهر و ماهر، استادکار و سرپرست مورد نیاز

بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات براساس نیازهای اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی کشور، به نحوی که هر یک از افراد شاغل یا متقاضیان اشتغال در

جامعه، برای کاری که انجام می دهند یا داوطلب انجام آن هستند، دانش و

مهارت کافی کسب کنند.

هدف دوره پیش دانشگاهی: ایجاد آمادگی نسبی در دانش آموزان برای

تحصیلات عالی تر

هدف دوره های کردانی (پیوسته):

این دوره که جزئی از نظام آموزش و پرورش علمی - کاربردی شناخته می شود، تربیت نیروی انسانی رده های

میانی (تکنسین، سرپرست و مربی) برای بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را بر عهده دارد.

ساختار

طبق طرح نظام متوسطه مصوب ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ساختار این دوره شامل شاخه‌ها، گروه‌ها و رشته‌های گوناگون تحصیلی است.

دوره تحصیل در دوره متوسطه سه سال است؛ یک سال عمومی و دو سال اختصاصی. در سال‌های اخیر تصمیم گرفته شد که دوره متوسطه را چهار سال اعلام کنند و به جای دوره یکساله پیش‌دانشگاهی، دانش‌آموزان در دوره متوسطه چهار سال تحصیل کنند. شاخه‌های دوره متوسطه عبارت‌اند از: متوسطه نظری، متوسطه فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش. بعد از دوره متوسطه هم دوره پیش‌دانشگاهی و دوره کاردانی پیوسته در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ در شاخه نظری چهار رشته و در شاخه فنی‌وحرفه‌ای (۲۲ رشته صنعت، ۱۶ رشته خدمات، ۴ رشته کشاورزی) جمعاً ۴۲ رشته و در شاخه کاردانش حدود ۲۵۰ رشته در سراسر کشور دایر بوده است.

برنامه‌های درسی

در طرح جدید دوره متوسطه، برنامه‌های درسی این دوره و دوره پیش‌دانشگاهی به صورت دروس عمومی، مشترک، اختصاصی و اختیاری و پودمان‌های مهارت و توجه به آموخته‌های خارج از مدرسه ارائه شده است. کسانی که در طول دوره متوسطه ۹۶ واحد درسی اخذ کنند، موفق به دریافت دیپلم این دوره می‌شوند. در دوره پیش‌دانشگاهی رشته‌های علوم ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و علوم و معارف اسلامی پیش‌بینی و تعداد واحدهای درسی این دوره ۲۴ واحد اعلام شده است.

خدمات راهنمایی و مشاوره

طبق طرح نظام جدید متوسطه موضوع هدایت تحصیلی به معنی انتخاب رشته پس از سال اول متوسطه مطرح شد و دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل سال اول، طبق ضوابط مندرج در آیین‌نامه هدایت تحصیلی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، می‌توانند در یکی از رشته‌های

تحصیلی نظری، فنی‌وحرفه‌ای، و کاردانش در سال دوم متوسطه ادامه تحصیل دهند. طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه یاد شده، میزان امتیاز هر یک از ملاک‌های مورد نظر به این شرح تعیین شده است.

۱. نظر اولیای دانش‌آموز: ۵ امتیاز

۲. نظر دانش‌آموز: ۵ امتیاز

۳. نظر معلمان دروس مربوط: ۱۰ امتیاز

۴. نتایج آزمون رغبت و استعداد (هر کدام

۱۰ امتیاز): ۲۰ امتیاز

۵. نظر مشاور براساس پرونده تحصیلی:

۱۰ امتیاز

جمع: ۵۰ امتیاز

در پایان سال اول متوسطه، علاوه بر کارنامه تحصیلی سال اول، فرم هدایت تحصیلی نیز که مشاور دبیرستان تنظیم می‌کند، برای ثبت‌نام در سال دوم متوسطه، به دانش‌آموزان داده می‌شود.

تربیت و تأمین معلم و سایر کارکنان مدارس ایران در صد سال گذشته

مطالعه پژوهش ۱۰۰ سال تربیت معلم در ایران از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۰ (صافی،



ویژه‌نامه

یکصدمین

شماره انتشار

۶۱

شماره ۲
آبان ۹۱
دوره ۱۸

۱۳۹۰) نشان می دهد که قبل از سال ۱۳۰۰ کلاس های بازآموزی معلمان در دارالفنون تشکیل شد و دارالمعلمین و دارالمعلمات در سال ۱۲۹۷ در تهران برای تربیت معلمان مرد و زن تأسیس شده و تربیت دبیران دوره متوسطه از طریق تأسیس دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۳۰۷ صورت گرفته است. با تصویب قانون تأسیس دانش سراهای مقدماتی و عالی در سال ۱۳۱۲ تأمین معلمان ابتدایی شهر و روستا و دبیران دبیرستان ها از طریق این مراکز صورت گرفته است. در فاصله سال های ۱۳۱۲ تا ۱۳۹۱ با تأسیس و گسترش دانش سراهای مقدماتی، دانش سرای روستایی، دانش سرای کشاورزی، دانش سرای عشایری، دانش سرای عالی تهران، دانشگاه تربیت معلم، مراکز تربیت معلم یک ساله، دوره تکمیلی سپاه دانش، دانش سرای صنعتی، دانش سراهای راهنمایی تحصیلی، مراکز تربیت معلم دو ساله فنی و حرفه ای، مراکز تربیت معلم کودکان استثنایی، دانش سراهای هنر، انستیتو مربیان هنری، مراکز تربیت مربی کودک، دانش سرای تربیت بدنی، دانش سراهای راهنمایی، دانشگاه، شهید رجایی، دانشگاه پیامبر اعظم (مجمع عالی پیامبر اعظم (ص)) و در سال ۱۳۹۱ دانشگاه فرهنگیان، معلمان مورد نیاز دوره های تحصیلی تربیت و تأمین شدند و درصد قابل توجهی از کارکنان آموزش و پرورش نیز از راه های دیگر استخدام و به کار گمارده شدند.

وضعیت کمی دوره های تحصیلی در ایران
طبق آمار رسمی وزارت آموزش و

پرورش در سال ۱۲۹۷، تعداد ۲۴/۰۰۳ دانش آموز در ۴۵ دبستان و در سال ۱۳۳۱، ۷۳/۷۹۳ دانش آموز در ۵۶۷۵ دبستان مشغول تحصیل بوده اند. در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷، این تعداد به ۸/۹۳۸/۰۰۰ نفر رسیده است و در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱، ۱۳/۲۶۸/۹۲۸ دانش آموز در ۱۳۴/۵۶۹ آموزشگاه تحصیل کرده اند که ۶/۳۸۶/۸۷۷ نفر از آنان دختر بودند. در این سال ۱/۰۱۱/۶۲۸ نفر به تدریس در دوره های تحصیلی یا امور اداری مدارس پرداخته اند که ۵۲۳/۴۴۵ نفر زن بوده اند. طبق آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش تعداد ۴۷۵/۳۹۵ نوآموز در دوره پیش دبستانی، ۵/۷۰۱/۵۲۱ نفر در دوره ابتدایی، ۳/۲۵۴/۴۷۲ نفر در دوره راهنمایی تحصیلی و ۳/۸۳۷/۵۴۰ نفر در دوره متوسطه و ۱/۴۳۷/۲۰۶ نفر در مدارس غیردولتی مشغول تحصیل بوده اند. تعداد دانش آموزان استثنایی نیز ۷۸/۰۴۷ نفر اعلام شده که ۳۰/۶۶۲ نفر از آن ها دختر بوده اند.

فرصت ها و تهدیدها در نظام آموزش و پرورش ایران در صد سال گذشته

فرصت ها

۱. ذکر قسمتی از متمم قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ضرورت برخورداری کودکان، نوجوانان و جوانان از نعمت آموزش و پرورش
۲. تصویب ۲۴۰ قانون آموزش و پرورش در حوزه اداری، آموزشی و پرورشی

از ۱۲۸۶ تا ۱۳۹۱ در مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی
۳. تصویب قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ و قانون تعلیمات اجباری در دوره های ابتدایی و راهنمایی و در نتیجه اجباری، عمومی (همگانی) شدن آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی
۴. تشکیل شورای عالی معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش و تداوم فعالیت آن از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۱ و قبول اصل مشورت تخصصی در وزارت آموزش و پرورش
۵. مشارکت مردم در اداره آموزش و پرورش از طریق تصویب قوانین مربوط به شوراهای آموزش و پرورش استان ها، شهرستان ها و مناطق
۶. توجه جدی به هدف غایی تعلیم و تربیت و هدف های کلی و هدف های دوره های تحصیلی و رفتاری مبتنی بر رابطه انسانی با خداوند، جامعه، طبیعت و خویشن خویش
۷. گسترش مراکز تربیت معلم از ۱۲۹۷ تا ۱۳۹۱ و تأمین بخشی از نیاز کارکنان آموزشی و اداری از این طریق
۸. وجود برنامه های هفت ساله و پنج ساله توسعه تا سال ۱۳۵۷ و برنامه های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم کشور بعد از انقلاب اسلامی
۹. تأکید بر تزکیه و تربیت و تعلیم کودکان و نوجوانان و جوانان در برنامه های رسمی و غیررسمی وزارت آموزش و پرورش
۱۰. تصویب طرح های اصلاح، تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش به ویژه طرح تغییر نظام آموزش و پرورش مصوب



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک	(برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
رشد خردآموز	(برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
رشد دانش‌آموز	(برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)
رشد نوجوان	(برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
رشد جوان	(برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

۱۹. ایجاد و گسترش فضاهای آموزشی و استفاده از خیرین مدرسه‌ساز در توسعه مکان‌های آموزشی
 ۲۰. تشکیل کانون‌های بازنشستگان آموزش و پرورش و استفاده از برخی توانمندی‌های پیشکسوتان
- *تهیدها**
۱. ثابت نبودن مدیریت‌ها در سطوح عالی، میانی و اجرایی و در نتیجه دوباره کاری
 ۲. تغییر مستمر ساختار اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش در سطح ستاد، استان، منطقه با تغییر هر وزیر آموزش و پرورش و مقامات بالای آموزشی
 ۳. تغییر برنامه‌ها، کتاب‌های درسی و سیاست‌های آموزشی و پرورشی بدون پشتوانه‌های پژوهشی یا استفاده کم از تحقیقات انجام شده
 ۴. تغییر ساختار آموزشی (ساختار عمودی، افقی) و اداری و نشاختن واقعی نیازهای ملی، محلی و منطقه‌ای
 ۵. فاصله زیاد بین طرح‌ها و برنامه‌ها و اجرای آن‌ها به دلیل عدم توجه جدی به بسترسازی اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها
 ۶. تأکید بیشتر بر حفظ مطالب در کلاس‌های درس و کمبود ارتباط واقعی بین تحصیل و اشتغال و بین آموزش و مهارت زندگی
 - ۱۳۶۷، طرح تغییر نظام آموزش متوسطه
 - ۱۳۶۹، سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ و مبانی این سند شامل فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تعلیم و تربیت عمومی، رهنامه و برنامه درسی ملی
 ۱۱. تأکید بر راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان، ایجاد مراکز و هسته‌های مشاوره در مناطق مختلف آموزشی
 ۱۲. تأسیس پژوهشگاه تعلیم و تربیت و گسترش مراکز تحقیقاتی، پژوهش‌سرای دانش‌آموزی و طرح معلم پژوهنده
 ۱۳. تألیف و انتشار میلیون‌ها کتاب درسی، نشریه کمک آموزشی و کتاب راهنمای معلم
 ۱۴. تأسیس و گسترش اردوهای دانش‌آموزان و توجه به اوقات فراغت آنان
 ۱۵. تصویب مقررات مربوط به ارتباط خانه با مدرسه و انجمن اولیا و مربیان، آموزش خانواده‌ها و گسترش مراکز مشاوره خانواده
 ۱۶. استفاده از مدارس ضمیمه مراکز تربیت معلم برای کارورزی دانشجویان و ارتباط با دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم تربیتی
 ۱۷. ایجاد و گسترش انواع مدارس شاهد، نمونه، استعدادهای درخشان، ایثارگران، تطبیقی، بین‌المللی، تجربی، هنرستان‌های جوار کارخانه، مدارس راهنمایی شبانه‌روزی، مجتمع‌های آموزشی شهری و روستایی و مدارس ورزشی و مدارس ایرانی خارج از کشور
 ۱۸. گسترش فرهنگ قرآنی و توجه به تلطیف ذوق، استعدادها و توجه به سلامت جسم، بهداشت و روان و تغذیه دانش‌آموزان



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

۷. کمبود نگاه نظاممدار

در نظام آموزش و پرورش

و هماهنگی رشد اخلاقی،

اجتماعی، عاطفی، مذهبی و

جسمانی کودکان و نوجوانان

۸. کمبود خطمشی و

سیاست‌های اجرایی مدون

مربوط به دوره‌های گوناگون

تحصیلی

۹. کمبود معلمان خالق

و مدیران ماهر و عالم و

متخصصان و استفاده از

معلمان کم‌تجربه به ویژه در

روستاها و نبود برنامه جامع

تربیت و تأمین نیروی انسانی

۱۰. تمرکز شدید اداری

و کمبود مشارکت جدی مردم

در اداره آموزش و پرورش

۱۱. کمبود حقوق و مزایا

و امکانات رفاهی و معیشتی

کارکنان آموزش و پرورش

منابع

۱. آقازاده، احمد. اهمیت و

ضرورت گسترش مراکز پیش

از دبستان، پژوهش در مسائل

تعلیم و تربیت، شماره‌های ۵ و ۶

تهران، ۱۳۷۵.

۲. پژوهشکده تعلیم و تربیت،

بررسی و تحلیل و ارزیابی سیر

تحول برنامه رانمایی و مشاوره

از مهر ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰.

۳. شریعتمداری، علی. رسالت

تربیتی و علمی مراکز آموزشی،

سمت، تهران، ۱۳۷۴.

۴. شکوهی، غلامحسین. تعلیم و

تربیت و مراحل آن. آستان قدس

رضوی. مشهد، ۱۳۷۰.

۵. شکوهی، غلامحسین. مبانی

رانمایی در آموزش و پرورش.

دفتر تحقیقات برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۶۰.

۶. صفوی، امان‌اله. تاریخ آموزش و پرورش ایران

از ایران باستان تا ۱۳۸۰ ه. ش. رشد، تهران، ۱۳۸۳.

۷. صافی، احمد. سازمان و اداره امور مدارس.

رشد، تهران، ۱۳۷۸.

۸. صافی، احمد. تربیت معلم در ایران، ژاپن،

مالزی، آلمان، انگلستان، هند و پاکستان. نشر

ویرایش، ۱۳۹۱.

۹. صافی، احمد. سازمان و قوانین آموزش و

پرورش، سمت، تهران، ۱۳۹۱.

۱۰. صافی، احمد. اصول و فنون رانمایی و

مشاوره در دوره‌های تحصیلی. رشد، تهران،

۱۳۸۷.

۱۱. صافی، احمد. آموزش و پرورش ابتدایی،

رانمایی و متوسطه، سمت، تهران، ۱۳۸۹.

۱۲. صافی، احمد. بررسی سیر تاریخی و تکوینی

قوانین آموزش و پرورش ایران، پژوهشکده تعلیم

و تربیت، ۱۳۸۱.

۱۳. صافی، احمد. بررسی سیر تاریخی و تکوینی

ساختار آموزشی آموزش و پرورش ایران، دبیرخانه

شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.

۱۴. صافی، احمد. بررسی سیر تاریخی و تکوینی

تربیت معلم در ایران، پژوهشگاه تعلیم و تربیت،

۱۳۹۰.

۱۵. صافی، احمد. رانمای تحصیلی در ایران.

راه‌های موفقیت در تحصیل. نشر ویرایش، ۱۳۹۰.

۱۶. صدیق اعلم، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران.

دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۳.

۱۷. علاقه‌بند، علی. مقدمات مدیریت آموزشی

تهران، ثبت، ۱۳۷۱.

۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۳۵۸.

۱۹. وزارت آموزش و پرورش. طرح اصلاح

آموزش و پرورش، ۱۳۴۴.

۲۰. وزارت آموزش و پرورش. طرح تفصیلی دوره

رانمایی تحصیلی، ۱۳۴۶.

۲۱. وزارت آموزش و پرورش. طرح تغییر نظام

آموزش و پرورش، ۱۳۶۷.

۲۲. وزارت آموزش و پرورش. طرح نظام جدید

آموزش متوسطه، ۱۳۶۹.

۲۳. وزارت آموزش و پرورش. مجموعه مصوبات

شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.

۲۴. وزارت آموزش و پرورش. خلاصه آمار.

۱۳۹۰.

۲۵. وزارت آموزش و پرورش. سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.

۲۶. وزارت آموزش و پرورش. فلسفه تعلیم و

تربیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

ویژه‌نامه

یکصدمین

شماره انتشار

۶۴

شماره ۳
آبان ۹۱
دوره ۱۸

هشتاد و پنج

روز سیج دانش آموزی

روز خبر جوان

ن

نو

جو

مقام معظم رهبری
تأمل و ژرف اندیشی
در سه حادثه‌ای که
روز ۱۳ آبان رخ داده،
سیر حرکت استکبار
را در کشور ما آشکار
می‌کند.

قرآن

وَقَدْ يَنَافُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ
سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

و بر او ذبح بزرگی فدا ساختیم.
سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد.

(صافات/ ۱۰۷ و ۱۰۹)

